

لزوم بازنگری به آموزشهای حوزه های علمیه

صفحه ۱۰

مذهب و مارکسیسم

انگیزه حضور آمریکا در خلیج و وظائف ما

صفحه ۱۲

قَالَ مَعَ الْعَسْرِ نَسِرًا  
أَنْ مَعَ الْعَسْرِ نَسِرًا

# لاهجه

در راه خدا بجز شمشیر و سحر تا قبرش را در جفا

نشریه نهضت مجاهدین خلق ایران

سال هفتم - شماره ۴۸ - بهار ۱۵۰۰ ریال

مردادوشهر - ربور ۱۳۶۷

آری ۰۰۰۰ من

زیر شمشیر رنج ، خم می شود

اما سکوت من هیا هوست

و خواری خمیدگی ام ، کبریاست

خم می شود

تا در زمین تمب " بکارم!

(احمد مطر شاعر عرب)

## مذهب علیه مذهب

### اسلام امریکائی

#### رویاروی اسلام محمدی

قسمت ششم مقدمه

انگیزه و هدف

رشد و گسترش انقلاب اسلامی در منطقه و جهان موجب توطئه های بیابای دشمن علیه جمهوری اسلامی گردید. که آخرین آن تحمیل جنگی تمام عیار علیه انقلاب اسلامی بود. امپریالیسم پس از گذشت ۷ سال از شروع جنگ، دریافت کفنه تنها از طریق جنگ نمیتوان نظام اسلامی را از پای درآورد بلکه رویاروی نظامی، موجب رشد و گسترش اسلام انقلابی میگردد.

اینبار دشمن از طریق شناخته شده مذهب علیه مذهب وارد شده است. بدین معنی که بشکل اسلام و احکام فرعی آن، تن داده تا آنرا از محتوای انقلابی و احکام اولیه ( نظیر جهاد و برائت از مشرکین و احکام حکومتی و حکم عبودیت خدا و لاغیر) خالی کند. در این مقال سعی شده است که این توطئه جدید یعنی مذهب علیه مذهب یا اسلام امریکائی علیه اسلام انقلابی را شکافته و راههای خنثی کردن آنرا پیشنهاد کنیم.

مقدمه

مقدمتاً جهت ورود به بحث لازم میدانیم به اجمال توطئه مذهب علیه مذهب که ژنرالهای کودتای آمریکائی در پاکستان پیاده نموده اند را برشمرده آنگاه به اصل مطلب و محتوای پیام امام در آستانه انتخابات سومین دوره مجلس شورای اسلامی و رابطه اش با جنگ پرداخته و نتایج آنکه در این مختصر میگوید، اهمیت مطلب را بشکافیم.

#### ضیاع الحق مجری اسلام امریکائی

در این زمینه خبر روزنامه لوس آنجلس تایمز (راديو آمریکا مورخ ۲۹ / ۳ / ۱۷) توجه میکنیم. "ضیاع الحق بالباس مشکی اسلامی در حالیکه زورکس کشید مسجدی نشسته بوده صحنه تلویزیون آمد و اعلام کرد که از روز چهارشنبه اول تیرماه ۶۷ بالاترین قوانین و منشأ تمام قوانین در پاکستان، شریعت اسلام است. که شریعت در نزد فقها و احکام شرع است. ضیاع الحق گفت خدا را شکر که بمن قدرت داده که احکام شریعت را پیاده نمایم. خانم بی نظیر بیوتو گفته است که اینکار حربه ای است بدست ضیاع الحق برای تعطیل مجلس ملی و عدم برگزاری انتخابات و اعمال بقیه در صفحه ۶

پیرامون

## جای نشی فرامادی کل قوا

صفحه ۵

چندی پیش جبهه اسلام رفسنجانی طی حکمی از سوی امام خمینی بسمت جا نشین فرمانده کل قوا منصوب شدند در جهت هماهنگی و سازماندهی نیروهای مسلح بخصوص در رابطه با شرایط فعلی جنگ ابتدا چند پیشنهاد استراتژیک و تاکتیکی ارائه کرده و آنگاه نظریات بنده تحلیلها و برداشتهای گوناگونی از این انتصاب در میان افشار مختلف مردم، صاحب نظران و محافل خارجی بعمل آمده است، ابتدا مضمون پاره ای از این نقطه نظرها و سپس برداشت خودمان را بنظر خوانندگان محترم میرسانیم

#### دیدگاههای امام پیرامون انشعاب روحانیون مبارز

صفحه ۷



## پرتوی از قرآن

درسهای از مرحوم طالقانی

صفحه ۱۷

## پاسخ به خوانندگان

صفحه ۲۰

## ریشه یابی اجمالی از مواضع رسالت

صفحه ۱۳

## روشنفکر مدنی در ایران

انگیزه و هدف:

این روزها برداشتهای نادرستی از روشنفکر مذهبی در ایران شنیده میشود که نتیجه گیریهای غلط استراتژیک هم به دنبال داشته و خواهد داشت. ما برآنیم تا به لحاظ تاریخی واقعیت امر را آنطور که برایمان ملموس است ارائه دهیم. تا صاحب نظران و طراحان خط مشی و مسئولین جمهوری اسلامی به آن توجه عمیقی مبذول دارند این مقاله، هم جنبه ایدئولوژیک داشته و هم بیان تجربی از تاریخ معاصر است و امیدواریم این تبیین جدید از مقوله روشنفکر مذهبی در شرایط فعلی که فشارهای دنیا بر ما زیاد شده و به فضای راه رفت و لغت در داخل نیا زدا ریم مؤثر افتد

صفحه ۳

## سخن امام راهنمای مستضعفین

صفحه ۲

توضیح

این شماره برای چاپ آماده شده بود که قضیه پذیرش قطعنامه ۵۹۸ مطرح شد. لذا مطالب مربوط به آن در شماره آینده درج خواهد شد.



اخبار ایدئولوژیک و ولایت فقیه

دیدگاههای امام پیرامون اشعاب روحانیون مبارز

در محافل مذهبی

انتقاد را از خود شروع کنیم نه از دیگران

مذهب و مارکسیسم

اخبار جنگ اسلام و کفر

انگیزه حضور آمریکا در خلیج و وظایف ما

مباحثه ریچارد مورفی پیرامون جنگ ایران و عراق و منطقه خلیج فارس

عراق و منطقه خلیج فارس

# استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی

برافت از مشرکین از ارکان دین و از مناسک حج است

امام امت در پاسخ به حجت الاسلام کروسی در مورد مسائل حج مطالبی گفته اند که در کیهان مورخ ۲۳ نورردین به چاپ رسیده، در قسمتی از آن می خوانیم :  
"انشاء الله امسال یکصد و پنجاه هزار نفر از ایران به حج می روند و حجاج به وظیفه خود که اعلام برافت از مشرکین و آمریکا و اسرائیل است عمل میکنند. ممکن نیست حجاج ما به حج بروند و دست به تظاهرات علیه استکبار جهانی نزنند. اصولا برافت از مشرکین از وظایف سیاسی حج است و بدون آن حج ما حج نیست....."

راه مجاهد :

آنطور که از پیام امام برداشت می شود ایشان برافت از مشرکین و در راس آنها آمریکا و اسرائیل را از مناسک و واجبات حج می دانند و این حکم جز رساله علیه امام شده است و همانطور که امام گفته اند، ممکن نیست کسی مقلد امام باشد و در حج اعلام برافت نکند در رویارویی با فقه امام خمینی ضیاء الحق در پاکستان اعلام می دارد هر یک از حجاج پاکستانی در تظاهرات اعلام برافت سرب ساید بلافاصله دستگیر و محاکمه خواهد شد.

استراتژی رجم شیطان

در اینجا مناسب است یاد از شهید شریعتی کنیم که آرزو داشت روزی رجم شیطان تحقق پیدا کرده و به صورت خط مشی درآید و امروز شاهدیم که این آرزو در راهیمایی - های برافت از مشرکین عینی شده و استراتژی رجم و سنگ اندازی به سمت شیطان به دست توانای مبارزین فلسطینی بر علیه ملحدین صهیونیسم به صورت خاری در چشم صهیونیسم و ارتجاع عرب درآمده است.

سخنان امام در روز عید فطر

امام خمینی در دیدار با مردم و جمعی از مسئولین در روز عید فطر بیاناتی ایراد کردند که در کیهان ۲۸ اردیبهشت به چاپ رسیده به ذکر قسمتهایی از آن می پردازیم :

برگزاری سالم انتخابات

"قبلا من باید از ملت ایران بعد از اینکه تبریک عید را عرض می کنم، تشکر کنم که در صحنه ها خصوصا صحنه انتخابات خوب ظاهر شدند و در عین حالی که همه دستها بر این بود که این انتخابات به طور شایسته و اکرام عمل نشود، و به حمد الله عمل شد و خداوند این عید را بر همه مبارک کند....."

دوری از شهوات باطنی

امام با اشاره به خطبه حضرت رسول (ص) در ادامه سخنان خود گفتند :

... خداوند شما را میهمان کرده است دعوت کرده است شما را به ضیافت شمایا در راه مبارک میهمان خدا هستید، میهماندار خداست و مخلوق میهمان اوست... در عین حالی که همه عالم تحت رحمت الهی است و هر چه هست رحمت اوست و رحمت او به همه چیز و اسعه است لکن باب ضیافت یک باب دیگر است... این ضیافت همه اش ترک است، (ترک شهوات) از قبیل خوردنی ها، نوشیدنی ها، ... ترک هوی ها، ترک خودی ها، ترک منی ها، منتهیها، ..."

متضمن وحدت ملی نیز باشد، این تقسیم بندی ایدئولوژیک میتواند به جنبه مستضعفین در مقابل مستکبرین انسجام و وحدت ببخشد. در مقابل این نظریه امپریالیسم می گویند که جنبه ها را بر اساس قبول یا عدم قبول ظاهری خداوند تقسیم بندی کند. در این تقسیم بندی بحای جوهره، فطرت و نیازمندی انسانها به الفاظ، ذهنیات و آثار آنها اصالت داده می شود که سرانجام این ایدئولوژی قرار در گمب دیوید است. توضیح اینکه

خبرخواهی حتی برای دشمن

برای امثال رئیس جمهور آمریکا و نوکرهای او مثل صدام بهترین دعاها این است که خدا

# سخن امام راهمائی

## مستضعفین



در رویارویی با فقه امام خمینی ضیاء الحق در پاکستان اعلام میدارد هر یک از حجاج پاکستانی در تظاهرات اعلام برافت شرکت نماید بلافاصله دستگیر و محاکمه خواهد شد.

مرگ بهشان بدهد ...

راه مجاهد :

امام در این قسمت از پیام عنوان میکنند که دعا برای افراد فاسد این است که از خدا بخواهیم آنها را مرگ بدهد. این مطلب نشان میدهد که جریان حق حتی بسطری دشمنان خود هم خیر خواه است و اگر آرزوی

مرگ کسی را هم میکند و یافردی را از بسین میرد به خاطر کینه و انتقام جویی نیست. بلکه از باب خیرخواهی است، زیرا میخواهد از ضار و افول بیشتر آن شخص جلوگیری کند تا به این ترتیب دشمن هم مذاب گمتسری ببیند.

رهنمودهای امام به مجلس، مردم و رزمندگان

امام امت به مناسبت افتتاح مجلس سوم پیامی دادند که در کیهان مورخ ۷ خرداد ۶۷ به چاپ رسیده است که به ذکر قسمتهایی از آن خواهیم پرداخت :

پیام امام سه خطاب عمده دارد (۱- خطاب به مجلس و نمایندگان آن، ۲- خطاب به مردم، ۳- خطاب به رزمندگان. امام خطاب به نمایندگان به خط کلی مجلس توطئه های دشمنان و راه حل مقابله با آن، اشاره می کنند.

در قسمت دوم پیام، امام به تشریح حقانیت انقلاب و تبیین اینها و از خودگذشتگیهای مردم می پردازند و در قسمت سوم هم رزمندگان اطمینان می دهند که پیروزی نهایی با آنهاست و حرف نهایی را در جنگ در میدان جهاد و شهادت خواهیم زد.

بقیه در صفحه ۱۸

در زمان انعقاد قرارداد "کمپدیوید"، سادات در نطق خود عنوان کرده بود که این قرارداد سمبل اتحاد خداپرستان (مسلمان، یهودی، مسیحی) در مقابل بی خدایان است.

اختلاف نظر نباید ثبات انقلابی را بهم بزند

"... ملت ما مخصوص روحانیت ما... همه با هم هستند، دو جنبه نیستند. البته دو تفکر هست باید هم باشد. دو رای هست، باید هم باشد. سلیقه های مختلف باید باشد، لکن سلیقه های مختلف اسباب این نمی شود که انسان با هم خوب خوب نباشد... در یک ملتی اختلاف سلیقه نباشد این ناقص است... اختلاف باید باشد، اختلاف سلیقه، اختلاف رای، مباحثه جارو و نحال اینها باید باشد، لکن نتیجه آن نباشد که ما دو دسته بشویم، دشمن هم باید دو دسته بشویم و در عین حال که اختلاف داریم دوست هم باشیم..."

راه مجاهد :

آنچه از سخنان امام برداشت میکنیم اینست است که امام اختلاف سلیقه و رای را در بین جناحها و افراد مختلف موجب رحمت و رشد میدانند، اما معتقدند که با اختلاف نظرها باید برخورد منطقی و مؤدبانه کرد و مطرح کردن اختلافها نباید باعث تزلزل و عدم ثبات و بالطبع استفاده دشمن از آنها

اکثر مفسرین قرآن و مسئولین مملکتی و اساتید شود لازم به توضیح است که در ۹ سال حوزة معتقدند که انسان فطرتا روجه نضار است و تبلیغات نقتر یاز دارند، و وجود مبلغ و روحانی جلو فساد را می گیرد این که در روحانیت اختلاف فکری وجود ندارد اما بعد از پیام حج امام در سال ۶۵ که در عقل و در شرع حسینی و غیر حسینی مطرح شد، صاحب نظران مطمئن شدند که

همانطوری که شهوات ظاهری را باید ترک بکند، از شهوات باطنی که بالاترین سد راه است برای انسان، باید از اینها جلوگیری کند. تمام مفاسدی که در عالم حاصل می شود برای این است که در این ضیافت وارد نشده اند...

راه مجاهد :

امام در سخنان خود همه را به دوری از شهوات، چه شهوات ظاهری و چه باطنی، دعوت کرده اند تا آنها که برای ما مشخص است مسئولین درجه یک مملکتی مسأله رای شهوات ظاهری نبوده و به دنبال تجمع مال و هوی و هوس نیستند، اما باید از شهوات باطنی غافل نبوده و خدای ناگردد به آنها غرور دست ندهد و فکر نکنند که چون به دنبال شهوات ظاهری نیستند پس میرا از هر اشتباه و خطایی بوده و به اینصورت به دام شهوات باطنی بیفتند.

آیا انسان فطرتا للهی است و روجه کمال و یا فطرتا شیطانی و روجه قسار ؟

"... اگر چنانچه هوی های نفسانی بگذارد انسان بر حسب فطرت الهی است، فطرت - الله است... اگر می بینید که در دنیا جنگ و جدال است و در بین شما هم خدای ناخواسته نمونه اش هست بدانید که در این ضیافت وارد نشدید..."

راه مجاهد :

تبیین امام، که انسان را فطرتا الهی و روجه کمال بدانیم یک ایدئولوژی فراگیر و جهانی است، که می تواند مبنای وحدت تمام طوایف و نژادها قرار گیرد. این ایدئولوژی میتواند

# روشنگر بنیاد اسلام

انگیزه و هدف :

این روزها برداشتهای نادرستی از روشنگر مذهبی در ایران شنیده میشود که نتیجه گیریهای غلط استراتژیک هم به دنبال داشته و خواهد داشت. ما برآنیم تا به لحاظ تاریخی واقعیت امر را آنطور که برایمان ملموس است ارائه دهیم تا صاحب نظران و طراحان خط مشی و مسئولین جمهوری اسلامی به آن توجه عمیقی مبذول دارند. این مقاله هم جنبه ایدئولوژیک داشته و هم بیان جریانی از تاریخ معاصر است و امیدواریم این تبیین جدید از مقوله روشنگر مذهبی در شرایط فعلی که فشارهای دنیا بر ما زیاد شده و به فضای راه فست و الفت در داخل نیاز داریم مؤثر افتد. چرا که هدف ما از این مختصر اولاً بالابردن نسجام و وحدت است و ثانیاً بخشی کردن توطئه صنفی کردن انقلاب و جدا کردن روشنگر و روحانی از یکدیگر است.

## تعریفهای متداول روشنگر مذهبی

معمولاً وقتی میخواهند روشنگر مذهبی را تعریف نمایند، عمدتاً برخورد صنفی میکنند. مثلاً میگویند روشنگر کت و شلوازی است یا روشنگر آنهایی که هستند که تحصیلات جدید دارند یا آنهایی که روشنگرند علم و زمان را قبضه کرده اند. در روشنگر و روشنگر را صنفی در برابر روحانیت میدانند و گاهی چنین تقسیم بندی میکنند که روحانیت توده ها را دارد و روشنگر تدبیر و شیوه. لذا روشنگر برای پیوند با توده مردم به روحانیت نیاز پیدا میکند.

برخی روشنگران مذهبی را کسانی میدانند که در کنار راه انبیاء، راه بشر را هم قبول دارند و منظورشان از راه بشر همان علم و تجربه در زمینه علوم و در زمینه اجتماع است. یا برخی دیگر روشنگران مذهبی را کسانی میدانند که در کنار قرآن و سنت بجای عقل و جماع، علم و زمان را مطرح میکنند.

برخی روشنگر مذهبی را اهل استقرار میدانند و روحانیت را اهل قیاس و میگویند چون قیاس پدر استقرار است و هر استقراری بدون تکیه به قیاس آشکار یا مستتر یا خفیفی اعتبار است لذا قیاس را پدر استقرار و روحانیت را حاکم برداشته می دانند. اینها روشنگر و روحانی را بر اساس متدلوژی تقسیم بندی نموده و از این طریق در برگیرندگی روحانیت را تبیین میکنند. از آنجا که قیاس بین بدیده ها بدون ارجاع به رب و همچنین استقرار بدون ملاک کاردستی نیست تقسیم بندی فوق نیز یک قطب بندی کاذب میشود. و این تعریف نمیتواند انقلاب را تبیین نموده و صحبت استراتژیک هم نخواهد داشت.

قابل توجه اینکه در این معادله اگر قرار باشد روحانیت بدلیل قیاس پدر استقرار و بدنبال آن رهبر روشنگر معرفی شود به تبع اولی غربیها که هزاران سال است قیاس تعقلی ارسطو را ملاک برترین و معیار خود قرار داده اند، معلم و پدر روحانیت محسوب میشوند.

روشنگر مذهبی در تاریخ معاصر بر اساس تجربه عینی ما، روشنگر

مذهبی در تاریخ معاصر جریانی است که همواره سعی داشته و دارد قرآن را به صحنه آورده و آنرا راهتمای عمل تشکیل حکومت و سیاست و توسعه و تحقیقات علمی قرار دهد. روشنگر مذهبی در ایران به استناد آیه شریفه "یا ایها الذین آمنوا لیم تقولون ما لاتفعلون" (ای مومنین چرا آنچه میگوئید به صحنه عمل در نمی آورید. آیه ۲ - سوره صف) سعی داشته فریاد خود را ابتداء به گوش خود و بعد به گوش دیگران برساند. روشنگر مذهبی جریانی است که میخواهد دانسته های مذهبی اش و لویک یک پاچند آیه را به صحنه عمل در آورد. روشنگر مذهبی محصور به صنف خاصی اعم از روحانی و غیر روحانی نمی شود. سابقاً در حوزه های علمیه هر روحانی که میخواست آیات قرآن را به صحنه اجتماع بیاورد و دم از سیاست و مسائل روز میزد، با انگ آخوند سیاسی و روشنگر منزوی اش میکردند.

## غله قرآنی در آموزشهای حوزه های علمیه

امام خمینی، مرحوم آیتا... طالقانی، مهندس بازرگان، شهید شریعتی، شهید خندان و آذکسائی بودند که نیاز داشتند قرآن را همانا عملشان باشد اینها می دیدند در حوزه های علمیه قرآن آموزش رسمی نیست، علت اینکه علمای حوزه اداره مملکت و کارهای روزمره را به دست تحصیل کرده های غربگرا می سپردند این بود که از قرآن جدا بودند و شیوه و راهتمای عمل برای زندگی و اداره مملکت نداشتند. رسمی نبود آموزش قرآن در حوزه ها با توجه به اینکه قرآن ظاهراً دلیل اول بشمار می آید نیاز به ریشه یابی عمیقتر دارد.

## دوری مسلمین از قرآن

در باب غربت و مظلومیت قرآن در حوزه های علمیه فریاد بسیاری از متفکران و فضلاء دلسوز حوزه های علمیه را می شنویم آیتا... منتظری و آیتا... جوادی آملی دوری از قرآن را در حوزه ها مطرح میکنند آقای جوادی آملی در مجله پاسدار اسلام شماره بهمن ماه ۱۳۶۳ در مقاله "دوری مسلمین از قرآن" چنین میگویند "..... الان در حوزه هر چه هست فقه و اصول و استفاده از حدیث است، ولی قرآن کمتر یاد میشود، کتابهای ادبی که در حوزه تدریس میشود (نحو، صرف بدیع، بیان، عروض...) کاری با قرآن ندارد، هر جا هم استشهد میشود از اشعار جاهلی است البته اخیراً "بحمد للـه

تلاشهایی شده که بجای استفاده از اشعار جاهلی از قرآن و نهج البلاغه استفاده شود و امیدواریم این امر تعمیم یابد. منطق که بافتش، بافتی نیست که به آیه استشهد کند بلکه در باره طرز تفکر بحث می نماید. در اصول هیچ مسئله ای ارتباط با قرآن ندارد و اگر یکی دو جا از آیه استفاده شده بیشتر برای این است که مثلاً حجیت خبر واحد را نفی کند از آن گذشته سراسر اصول روی پایه های عقلی و مباحث الفاظ تکیه دارد، اما فقه با برکت ما که دائر مدار روایت است و هیچ مسئله ای ندارد که گفته شود این مسئله در روایت نیست و فقط در قرآن مطرح شده است، بنابراین اگر کسی در حوزه قرآن نخواند که حتماً میخوانند برای ثواب بردن است نه اینکه بافت حوزه، بافت قرآنی است...."

## رسمی شدن آموزش قرآن در حوزه

آیتا... عزالدین زنجانی در مصاحبه با مجله "حوزه" بهمن و اسفند ۶۶ لزوم معارست با قرآن را مطرح نمودند و گفته اند که چرا های انسان را، قرآن پاسخ میدهد و پیشنهاد کرده اند که در علوم رسمی حوزه از قرآن و نهج البلاغه هم کمک گرفته شود همچنین یکی از فضلاء حوزه نقل میکنند که : طلبه های راه جرم زنا میخواستند سنگار کنند، به آنها گفتم مقرراتی اونست، علت چیز دیگری است تا وقتی که قرآن در حوزه ها نباشد ریشه این گرایشات را نمیتوان خشک نمود و از این نمونه ها با زهم اتفاق می افتد.

## علت تشکلهای مذهبی جدا از روحانیت

روشنگر مذهبی اعم از روحانی و غیر روحانی به دلیل عدل طلبی و ضد ظلمی اش زیگطرف نیاز شدیدی به قرآن و تحقیق آن داشت و از طرف دیگر چون بافت حوزه ها قرآنی نبود، این آموزشها با سگگو و مابه ازای نیازش نبودند لذا به فکر تشکلهای جدا از روحانیت می افتادند. در راستای همین مطالب آیتا... امینی نیز در پیش خطبه نماز جمعه تهران مورخ ۱۱/۲/۶۶ گفتند "..... وضع روحانیه و علمای دین هم شبیه به همین مردم در مدارس دینی کشما آمدید کتاب صلو، طهارت، حج و زکات، مورد بحث بود، اما صحبتی از حکومت اسلامی در مدارس طمینه نبود. د. آن احتی حد و د. باه را انواتد رهن نمیگردند. میگفتند ناید هندارد. صحبه از قضای اسلامی نبود. خلاصه چیزهایی که حرکت آفرین بود، که جز بخش عظیم اسلام بود در این حوزه های علمیه هم تقریباً متروک بود. نه درفش بودند نوشته اش بود، کتابهایی که در آن زمان نوشته میشد شما بررسی کنید،

می بینید نوع کتابهایی است که مربوط به عقاید، نماز و روزه است. اما کتابی در مورد حکومت اسلامی اصلاً کتابی نوشته نشود در مورد جهاد، نه، کتابی در مورد ناع، نه، و خوب مبارزه با استعمارگره این چیزها نبود. در سخنرانیها و سخنرانیها هم همین جور بود. ولتاهم، رژیمها هم از این دین بدشان نمی آمد. دینی که نماز و روزه و حج و زکات فقط باشد ضروری به آنها نمیزد. ناع گنبد. حکومت اسلامی گنبد، مبارزه با استعمارگره نبود، جهاد و ناع هم که نبود، بنابراین این دین غریبه رژیم نمیزد. از این جهت رژیمها خودشان مخالفت با این دین نداشتند، بلکه خودشان گاه گاهی بعضی مراسم را انجام میدادند. میدیدید که مجلس روز مقرر قرار میگرفت، مجلس جشن برقرار میگرفت، خودشان هم تائید میکردند، آن بحالشان ضرری نداشت.

روحانیونی که در این قسمت بودند آنها کاری نداشتند، روحانیون هم دلخوش بودند به اینکه خوب الحمد لله مردم نمازشان را میخوانند، روزه هم میگیرند. روزه هم دارند مراسم مذهبی را هم انجام میدهند، پس دین الحمد لله خوب است. ظان کن هم مخالفت با دین ندارند، بلکه حامی دین هم هست.

در این بین گروهی پیدا شدند، در همان زمان و از این موقعیت سو استفاده کردند و آن ملحدین و کفاری بودند که عقیده به اسلام نداشتند، اینها شروع کردند ترویج کردن که این دین بد در مردم نمیخورد. این دینی که نمای مردم را دار نمیکنند، این دینی که حکومت ندارد این دینی که بهای مستحقین نمیشد و این دینی که نمای مردم را اصلاح نمیکند، این دین

بهاک جامعه است، تخدیر کنند ما ما. این دین وسیله ایست در اختیار مستمکران و زور گویان، وسیله ایست در اختیار شرعتمندان و مستمکران.

... یک تشریفات از جوانها گرایش پیدا کردند به همین چیزها. در این بین یک تشدد بگری بوجود آمدند، یک جمعیت کوچک بگری بوجود آمدند که اینها را من بخوادم معرفی کنم باید بگویم اسلام شناسان روشنگر، اینها از یک طرف به اسلام ملاحظه داشتند و عقیده من شخصاً این است که بسیاری از اینها مخلص بودند، واقعا میخواستند از اسلام دفاع کنند، از طرف دیگر اسلامی را که در پیش مردم میدیدند و در حضور مردم میدیدند، این اسلام را مورد تحسیر چهبامیدیدند. میدیدند، این اسلام، جوانها را با این وضعیت در ورگرد ما از اسلام از این جهت اینها را رسد برآمدند که اسلام را بقول خودشان جواری معرفی کنند و واقعیت اسلام را معرفی کنند که جوانها به اسلام ملاحظه بشوند.

در تکمیل باید گفت روحانیونی که فضای حوزه را برای آموزشهای قرآنی تنگ می دیدند از حوزه ها بیرون آمده و در بیرون از حوزه جلسات تفسیر قرآن برای

منبع استاد و دانشجو از لحاظ فکری آزادند. اینها به یک سطحی رسیده اند، مخصوصاً این جوانها که پایشان به دانشگاه رسیده، اینها آزاد فکر می کنند و نمی شود به اینها چیزی را تحمیل کرد.

آیه الله منتظری

روشنفکر مذهبی ...

نیاز به خط مشی جوئیده از قرآن مجاهدین بعد از ۱۵ خرداد ۴۲ نیاز به استراتژی منطبق بر قرآن داشتند و برای دستیابی به خط مشی قرآنی سراغ روحانیون رفتند. بطور مثال نزد شهید آیت الله ... بهشتی و شهید آیت الله ... ربانی شیرازی و ... رفتند و نیاز خود را به خط مشی قرآنی برای آنها مطرح نمودند و آنها کمک خواستند. شهید حنیف نژاد به استناد آیات اول سوره بقره پرسید: «بود عینت مایه از ان...» «تغافلین» و «کافرین» در شرایط فعلی چه جریانی است؟ خلاصه آنها سعی داشتند بر اساس تقسیم بندی قرآنی نیروها را بشناسند اما روحانیون ضمن مقدس شمردن و تائید نیازشان مسئله را جدید و قابل فکروصف کردند.

تاریخچه روشنفکر مذهبی در ایران فریاد روشنفکر مذهبی در ایران این بود که چرا آیات قرآن پیاده نمیشود و روحانیون دست به عمل نمیزنند. دنبال این نیاز نسل جوان، قبل از شهریور سال ۱۳۲۰ - جلسات تفسیر قرآن مرحوم آیت الله ... طالقانی، مستقل از حوزه ها در مسجدی واقع در خیابان مولوی تشکیل شد و بعد از شهریور ۱۳۲۰ که خلا قرآنی بسیار آشکار و محیط هم نسبتاً باز بود جلسات تفسیر قرآن مرحوم طالقانی تدریجاً به مسجد هدایت منتقل میشود. که پس از سالهای ۱۳۲۲ و بخصوص از سال ۱۳۲۹ مسجد هدایت خیلی نضج میگیرد و بصورت کانون مذهبی سیاسی در میآید که پاتوق همه مبارزین نظیر مهندس بازرگان، دکتر سحابی، شهید رجایی، شهید باهنر - حجه الاسلام رفسنجانی و آقای سیدهادی خسروشاهی و شهدای مجاهد حنیف نژاد سعید محسن و بدیع زادگان و ... میگردد و تقریباً همه کسانی که به نحوی با مسجد هدایت ارتباط داشتند و از جلسات تفسیر مرحوم آیت الله ... طالقانی بهره میبردند غیر از عده معدودی راه انقلاب را پیوندند و در پیروزی ۲۲ بهمن نقش بسزایی داشتند.

مرحوم طالقانی عمری را در تفسیر قرآن گذراندند. در شرایط سخت زندان نوشته های خود را به طریق مخفی و دور از چشم ساواک از دادگاه بیرون میفرستادند تا به چاپ برسد. مرحوم طالقانی در مقدمه جلد اول

برتری از قرآن میگویند: گاهی که توجه کامل به آیات، و چشم به چشمان پاک و ریابنده جوانان دوخته میشد از خلال آیات مورد بحث برقیهای میزد، اکنون که پس از سالیان دراز میخوام آن مطالب را بذهن بازگردانم و روی صفحه کاغذ آورم با تأسف مینگرم که بسیاری از آنها چون برق جهان وانعکاس لرزان از آئینه ذهن رخ بر تافته و شعاعی از آن برکنارهای ذهن می درخشد و بیشتر یادداشتهای ناقص و پراکنده ایست که در گوشه های ذهن و اوراق ضبط شده که اکنون میخوام بتوفیق الهام دهنده حقایق بصورت کتاب در آورم. مرحوم طالقانی با تمام جریانات سیاسی روز کار قرآنی میکرد و پرخورد داشت با مرحوم صدق، آقای بازرگان مرحوم آیت الله ... کاشانی، شهید نواب صفوی رابطه داشت و حامی و پشتیبان آنها بود. با نهضت مقاومت ملی از سال ۱۳۳۲ به بعد همکاری داشت و در سال ۱۳۴۰ از بنیانگزاران نهضت آزادی ایران بود. مسجد هدایت

فریاد روشنفکر مذهبی در ایران این بود که چرا آیات قرآن پیاده نمیشود و روحانیون دست به عمل نمیزنند.

سنگر انجمن های اسلامی در آن زمان شمار می آمد. مرحوم طالقانی پشتیبان مجاهدین بود و از هر لحاظ از آنان حمایت می نمود.

اینکه برخی میگویند باید از طریق روحانیت با مردم پیوند خورد، تز کاملاً درستی نیست و زندگی مرحوم آیت الله ... طالقانی این امر را نشان داد که از راه قرآن و بوسیله پیوند با قرآن و عمل بدان به بهترین نحوی میتوان با مردم و روحانیت پیوند برقرار نمود.

امام خمینی بعد از رحلت مرحوم طالقانی در سخنرانی خود پرسیدند آیا او لیبرال بود؟! مردم در تشییع جنازه ایشان میگفتند ای نایب پیغمبر ما جای تو خالی بدلیل کار قرآنی بود که مرحوم طالقانی اینچنین در قلوب مردم جای باز کرده بود تا جایی که او را نایب پیامبر خواندند و در مراسم تشییع جنازه بی سابقه او بیل و کلنگی که قبر مرحوم را بوسیله آن کنده بودند غرق بوسه کردند و امام خمینی هم او را مالک اشتر و ابوذر زمان و مقدر قرآن نامیدند.

مرحوم طالقانی بعد از پیروزی انقلاب هم، که همه مسئولیت جرایمی گرفتند از توجه دادن خود و مردم به قرآن با قائل نماندند و به تفسیر سوره النازعات تحت عنوان قرآن در صحنه که بطور زنده از تلویزیون پخش میشد، پرداختند.

مهندس بازرگان از جلسات تفسیر آیت الله ... طالقانی بهره زیادی گرفته بود و در سال ۱۳۲۲ کتاب "راه طی شده" را مینویسد که درسه بخش توحید و نبوت و معاد آن - به آیات قرآن استناد میکند. شهید بهشتی در سال ۴۲ که شهید حنیف نژاد به قم رفته بود، گفته بودند

انصافاً "کتاب" راه طی شده "بهترین کتابی است که به زبان فارسی در رابطه با اصول دین نوشته شده و مهمترین کتاب تمام این زحمات را یک نفر کشیده است. مهندس بازرگان در سال ۴۲ کتاب "اسلام، مکتب مبارز و مولد" را هم منتشر می نماید که عمدتاً مستند به آیات قرآن است.

انجمن اسلامی دانشجویان با راهنمایی مهندس بازرگان و مرحوم طالقانی تشکیل شد و قبیل از سالهای ملی شدن نفت بیشتر جنبه مذهبی داشت ولی در سالهای اوج نهضت ملی دانشجویان در فعالیتهای سیاسی هم شرکت داشتند و پس از کودتای ۲۸ مرداد انجمن در خط مقاومت اسلامی در برابر کودتا قرار گرفت و بدنبال اسلام راهنمای عمل بودند. اعضای انجمن شبهای جمعه به مسجد هدایت می آمدند تا اینکه در سال ۴۰ در تمامی دانشکده های تهران انجمن اسلامی تشکیل شد و انجمنهای اسلامی سراسری ایران هم بوجود آمد.

انجمن اسلامی تهران از جلسات علمایی چون مرحوم طالقانی، شهید مطهری، استاد محمدتقی جعفری، مرحوم شاه چراغی، مرحوم طیبی شستری، آقای سید مرتضی جزایری و آقای غفوری و ... بهره میبردند و سازماندهی بسیار خوبی هم داشتند. روح قرآنی و توشه گیری قرآن هم در تمامی جلسات وجود داشت. در سال ۴۰ پس از فوت مرحوم آیت ... بروجرودی مجموعه ای از انجمنهای اسلامی دانشجویان، پزشکان

مهندسین و کتبت توحید و ... سمیناری تحت عنوان "مرجعیت و روحانیت" تشکیل دادند که سخنرانیهای بسیار عمیقی ایراد شد و تحت نام "مرجعیت و روحانیت" بصورت کتابی منتشر شد.

تدریجاً "انجمنهای اسلامی بین المللی" شد و دانشجویان ایرانی در اروپا و آمریکا هم جلساتی داشتند که این انجمنها در پیروزی انقلاب نقش بسزایی ایفا کردند. شهید نواب صفوی با اینکه طلبه جوانی بود از کسانی بشمار می آمد که با قرآن زیاد مانوس بود و ساعتی زیادی در حریم حضرت معصومه (س) می نشست و قرآن میخواند صوت قرآنی او همه را جذب کرده بود.

شهید نواب از منن قرآن به نیاز حکومت اسلامی رسیده بود، هر چند شیوه های ناراستی هم داشت. شهید نواب صفوی انتقاد زیادی به سیستم آموزشی حوزه داشت که مسلماً "از آن آموزشها تر حکومت اسلامی بیرون نمی آمد.

شهید دکتر شریعتی هم که بعنوان روشنفکر مذهبی معروف شده است مایه های اصلی اش را از کانون نشر حقایق اسلامی در مشهد از جلسات تفسیر قرآن پدرش مرحوم استاد محمد تقی شریعتی اخذ کرده

است. آن مرحوم تبحر زیادی در قرآن و نهج البلاغه داشته و تفسیر نون راهم تألیف نموده است. شهید دکتر شریعتی در محفلی گفته بود، من همه تفاسیر قرآن را مطالعه نموده ام و به این نتیجه رسیده ام که بدون غرق شدن در تفاسیر باید با نیت پاک، روی قرآن تدبیر و تعقل نمود و با این مایه قرآنی بود که به خارج رفت که به انجام مکتبی برسد و در اواخر عمرش هم به این رسیده بود که فقط روی قرآن کار کند. در تمامی سخنرانیهایش هم سعی داشت به آیات قرآن استناد کرده و از آیات شریفه و راهنمای عمل استخراج نماید.

مجاهدین نیز مایه اسلامی و قرآنی خود را از مسجد هدایت گرفتند. مجاهدین پای سخنرانی شهید استاد مطهری، آقای جعفری تبریزی، آقای شاه چراغی، آقای شستری و آقای سید مرتضی جزایری و ... میرفتند. شهدای مجاهد حنیف نژاد سعید محسن، اصغر بدیع زادگان، احمد و رضا رضایی و ... کارشان را با برتری از قرآن شروع کردند و کتاب "راه طی شده" مهندس بازرگان را بطور جمعی می خواندند. شهید حنیف نژاد قرآن با ترجمه های همراه خود داشت و در هر فرصتی آنرا میخواند. آقای محمد مهدی جعفری نقل میکرد که مرحوم طالقانی گفته بودند که شهید حنیف نژاد برداشتهای خوبی از قرآن دارد و با خوشحالی گفته بودند علت چنان برداشتهایی این است که جوانان

اینکه برخی میگویند باید از طریق روحانیت با مردم پیوند خورد، تز کاملاً درستی نیست و زندگی مرحوم آیت الله ... طالقانی این امر را نشان داد که از راه قرآن و بوسیله پیوند با قرآن و عمل بدان به بهترین نحوی میتوان با مردم و روحانیت پیوند برقرار نمود.

در حال حرکت و قیام هستند. دوران دانشجویی وزندان شهید حنیف نژاد با مطالعه قرآن همراه بود و کتاب "شناخت" هم که تدوین نموده بیشتر با استناد به آیات قرآن بوده است که راه را برای تکامل و تجدید نظر و برداشتهای برتر از آیات قرآن باز گذارده است. همچنین در کتاب "راه انبیاء، راه بشر" برای هر سطر آن چند آیه قرآن ذکر میکند.

از سال ۵۰ که ساواک دستگیری مجاهدین را شروع کرده بود، همزمان "نهج البلاغه" در بازار نایاب شیده بود و از آن به بعد نهج البلاغه چاپهای جدید خورد. از یک ناشر پرسیده بودند چرا شما نهج البلاغه نداری؟ در جواب گفته بود: اخیراً عده ای پیدا شده اند که از نهج البلاغه مطالب جدیدی برداشت نموده اند که برای رژیم خطرناک است. به این دلیل نهج البلاغه کمیاب شده است. یک نظر اجمالی به آثار چاپ و انتشار نهج البلاغه قبل از شهریور ۱۳۵۰ و بعد از شهریور ۱۳۵۰ تأثیر حرکت مجاهدین را در توده های کردن نهج البلاغه بین اقدار مختلف جامعه آشکار میکنند. مجاهدین بعد بقیه در صفحه ۱۶

جوانها، علماء، روشنفکران روی احکام اجتماعی سیاسی قرآن کار کنند

پیرامون

# جایشی فرماندهی کل قوا

چندی پیش حجة الاسلام هاشمی رفسنجانی طی حکمی از سوی امام خمینی به سمت جانشینی فرمانده کل قوا منصوب شدند.

در جهت هماهنگی و سازماندهی نیروهای مسلح بخصوص در رابطه با شرایط فعلی جنگ ابتدا چند پیشنهاد استراتژیک و تاکتیکی ارائه کرده و آنگاه نظریه اینکه تحلیلها و برداشتهای گوناگونی از این انتصاب در میان اقشار مختلف مردم، صاحب نظران و محافل خارجی بعمل آمده است، ابتدا مضمون پاره‌ای از این نقطه نظرها و سپس برداشت خودمان را به نظر خوانندگان محترم میرسانیم.

**الف - پیشنهادات**

باتوجه به عقب نشینیهای اخیر در قوا، شلمچه و مجنون و مرحله حساس جنگ در کنار برنامه ریزی های دراز مدت و بنیادی لازم است راه حل ها و تاکتیکیهای کوتاه مدت و میان مدت برای افزایش توان رزمی جمهوری اسلامی بکار گرفته شود. در این بخش به طرح پاره‌ای از این پیشنهادات می پردازیم:

**کانون مشورتی و استراتژی مرحله‌ای**

تشکیل کانون مشورتی از افراد صاحب نظر و مجرب چه از درون نظام و چه از خارج نظام برای بحث و بررسی و تدوین یک استراتژی مرحله‌ای نظامی امری بسیار ضروری است. امام خمینی در پیام خود بمناسبت آغاز سومین دوره مجلس شورای اسلامی تاکید کرده‌اند که سرنوشت جنگ در میدانهای نبرد تعیین میشود نه در پشت میزهای مذاکره. به نظر میرسد بسیاری از مسئولین نظام و دست اندرکاران جنگ برای جنگ راه حل نظامی قائل نیستند. اگر این جمع بندی تصحیح نشود، موجب فرسایش مقاومت نظام و کاهش بسیج نیروها به سمت جبههها خواهد شد.

بن بست در راه حل نظامی طبعاً نظام جمهوری اسلامی را در خطر تن دادن به شرایط غیر اصولی برای یافتن یک راه حل سیاسی قرار خواهد داد و این نقطه ضعفی است که فشار بیشتر دشمن را به دنبال خواهد داشت.

**سازماندهی دفاعی بجای آرایش تهاجمی**

باتوجه به قرائن و دلایل مختلف، توطئه گسترده‌ای از سوی استکبار جهانی شکل گرفته که باتعویب هر چه بیشتر ارتش عراق و حضور ناوگان های غربی در خلیج فارس و تحریک و تقویت کشور های ارتجاعی منطقه همراه بوده است. هدف اجرای چنین توطئه‌ای تضعیف و تعدیل جمهوری اسلامی در جنگ و تحمیل یک صلح تنگین به انقلاب اسلامی است. (به سرمقاله راه مجاهد شماره ۴۵ تحت عنوان "انقلاب اسلامی در آستانه تجاوزی جدید تر و وسیعتر" مراجعه شود.)

محور اصلی این توطئه اعمال فشار نظامی از سوی رژیم عراق و احتمالاً اشغال مجدد بخشهایی از خاک میهن اسلامی با کمک دیگر ایادی خود در منطقه و افراد منحرفی نظیر رجوی میباشد.

چنانچه در بیانیه شورایی عالی پشتیبانی جنگ و سخنان رئیس جمهور در خطبه‌های نماز جمعه منعکس شد، تهاجمات اخیر عراق در جبهه‌های نبرد نتیجه چنین توطئه‌ای بود که بعطت عدم هوشیاری و تحریک تاکتیکی مادر قبایل آن منجر به عقب نشینی نیرو-

های اسلام از مناطقی نظیر فاو و شلمچه و مجنون گردید.

در این رابطه جهت با لای بردن هر چه سریعتر توان و آمادگی نیروهای مسلح در مقابل تجاوز جدید و گسترده دشمنان، لازم است تاکتیکیهای مناسبی به کار بسته شود. باید توجه داشت که در این مرحله دفاع مستحکم و حفظ موقعیتها در مقابل تهاجمات جدید دشمن، که از هر نوع سلاح و شیوه‌ای برای سرکوب استفاده میکند، خود بهترین تهاجم و پیروزی برای انقلاب اسلامی محسوب میشود.

منظور از آرایش دفاعی نفی تهاجم بوده بلکه در این مرحله حادثه جنگ ابتدا با ایستی در سازماندهی دفاعی تثبیت شده و بتدریج شناسائی، جنگ و گریز و درگیری محدود و سپس گسترده را تدارک دید. در این حالت با اطمینان از پشت جبهه میتوان پیشروی کرد.

در زیر برخی از این تاکتیکیها که بنظرمان میرسد بعنوان پیشنهاد ارائه میگردد که امیدواریم مورد توجه ستاد فرماندهی کل نیروهای مسلح قرار گیرد.

**۱- احداث خاکریزهای متعدد**

جبهه‌های نبرد ما بدلیل آنکه نیروهای اسلام همواره حالت تهاجمی داشته‌اند، از آرایش دفاعی مناسب برخوردار نیست. این ویژگی ضمن اینکه نمایانگر روحیه با لای "یاشهادت یا پیسروزی" رزمندگان و نقطه قوت ماست، در عین حال یک نقطه ضعف هم به حساب میآید. چنانچه دشمن تعرضی را علیه ما شروع کند با شکسته شدن خط اول معمولاً پشت جبهه خالی بوده و خاکریزی برای مانور در عقب نشینی و تاکتیک لیک گام به عقب و دوگام به جلو وجود ندارد. و عقب نشینی که یک تاکتیک پذیرفته شده جنگی است. حتماً لایه فراتر تبدیل می شود.

احداث خاکریزهای متعدد موازی در طول جبهه های نبرد به رزمندگان خط مقدم امکان میدهد که بر طول مدت مقاومت خود در مقابل حملات بیافزایند و همین امر باعث میشود تا مهلت کافی جهت رسیدن نیروهای کمکی و تقویت موضع درگیری بوجود بیاید.

**۲- مین گذاری در خطوط دفاعی**

کاشتن مین های ضد نفر، ضد تانک، مین های الکتریکی استتار شده و... یک اقدام مناسب است که بخشی از توان رزمی و تهاجمی نیروهای دشمن را از بین برده و یک امتیاز برای مدافعین محسوب می شود.

**۳- تقویت گروههای موتور آرمی جی زن و کمین**

بهترین تاکتیک برای دفاع، تاکتیک "دفاع تهاجمی" است. با تشکیل گروههای متحرک انهدامی نظیر گروههای آرمی جی و موتور آرمی جی زن و عملیات کمین برای ضربه زدن به ماشین جنگی دشمن قبل از نزدیک شدن به خاکریزها، می توان از این تاکتیک استفاده کرد.

**۴- خطوط دفاعی متعدد**

جبهه های ما میتواند با خطوط دفاعی متعدد مجهز شوند. یکی از کمبودهای دفاعی ما اینست که ما معمولاً از یک خط دفاعی برخورداریم و اگر خط دفاعی اول، شکسته شود دیگر در مقابل پیشروی نیروهای موتور بزه دشمن خط دفاعی وجود ندارد.

پیشنهاد میشود خطوط دفاعی در فواصلی بین ۵ تا ۱۰ کیلومتر از خط دفاعی اول احداث شود تا در صورت از دست دادن خط دفاعی اول دشمن در برابر یک فضای باز برای پیشروی نامحدود قرار نگیرد و بتوانیم تهاجم دشمن را در یک خط دیگر کنترل و سرکوب کنیم.

تاکتیکیهایی که پیشنهاد گردید، نمونه‌هایی از شیوه‌های مناسب جهت با لای بردن توان نیروهای مسلح ماست که در کوتاه مدت میتواند ما را از ضربه پذیری نجات داده و توطئه‌های آینده دشمنان را عقیم بگذارد.

امید است که تحول جدید در امر سازماندهی نیروها بتواند گام ارزشمند و سازنده‌ای در پیشبرد هر چه بهتر جنگ و خط مشی آزادی قدس از طریق کربلا باشد.

**چند نقطه نظر پیرامون انتصاب اخیر**

۱- برخی از جناحهای غرب نظیر رادپو اسرائیل انتصاب اخیر را بمعنای پذیرش راه حل سیاسی برای جنگ و ناامیدی از راه حل نظامی دانسته‌اند.

۲- برخی از جناحهای غرب نظیر رادپو اسرائیل انتصاب اخیر را بمعنای پذیرش راه حل سیاسی برای جنگ و ناامیدی از راه حل نظامی دانسته‌اند.

۳- برخی از جناحهای غرب نظیر رادپو اسرائیل انتصاب اخیر را بمعنای پذیرش راه حل سیاسی برای جنگ و ناامیدی از راه حل نظامی دانسته‌اند.

۴- برخی از جناحهای غرب نظیر رادپو اسرائیل انتصاب اخیر را بمعنای پذیرش راه حل سیاسی برای جنگ و ناامیدی از راه حل نظامی دانسته‌اند.

۵- برخی از جناحهای غرب نظیر رادپو اسرائیل انتصاب اخیر را بمعنای پذیرش راه حل سیاسی برای جنگ و ناامیدی از راه حل نظامی دانسته‌اند.

۶- برخی از جناحهای غرب نظیر رادپو اسرائیل انتصاب اخیر را بمعنای پذیرش راه حل سیاسی برای جنگ و ناامیدی از راه حل نظامی دانسته‌اند.

۷- برخی از جناحهای غرب نظیر رادپو اسرائیل انتصاب اخیر را بمعنای پذیرش راه حل سیاسی برای جنگ و ناامیدی از راه حل نظامی دانسته‌اند.

آقای هاشمی و تبرئه امام ج - آخرین تلاش جمهوری اسلامی برای حل مشکلات جنگ

د - نیاز به اسلحه آمریکائی

۶ - عده‌ای نیز در داخل معتقدند که اینکار بمنظور کنترل سپاه است. زیرا سپاه گرایش زیادی به درگیری با ناوگان آمریکا و مین گذاری در خلیج از خود نشان میدهد. این عده معتقدند که کنترل و محدود نمودن سپاه تضمین عملی برای پایان دادن به جنگ است.

۷ - عده‌ای در داخل میگویند این انتصاب دادن اختیارات گسترده به آقای هاشمی برای مذاکرات صلح و پایان دادن به جنگ است.

۸ - عده‌ای هم میگویند ما چون صلح و مذاکره را قبول نداریم اینکار عدم رضایت خود را از صلح نشان میدهد. حتی برخی اضافه میکنند که آقای هاشمی تن به یک فداکاری داده است که برای حفظ تقدس رهبری حاضر است تمام مسئولیتهای جنگ و صلح را به عهده بگیرد.

۹ - عده‌ای معتقدند با اختیاراتی که به آقای

**بنظر میرسد مهمترین خطری که بخصوص بعد از فوت امام انقلاب را تهدید میکند بروز یک جنگ داخلی است. امپریالیسم نیز از این امر به منظر سرکوب و تعدیل انقلاب و رهبری آن استقبال میکند و اصولاً تلاش غرب جهت پایان دادن به جنگ با عراق برای تشدید جنگ داخلی است.**

هاشمی داده شده ممکن است ایشان پس از فوت امام تبدیل به یک مرد قدرتمند و مستبدی شود. باید متذکر شد که آقای هاشمی از یک طرف در مجلس حضور دارد و طبعاً میبایستی مواضع و خط مشی خود را در مجلس مطرح کرده و توضیح بدهند و نمایندگان هم عمدتاً در برابر خود ایشان استقلال رای دارند. از طرف دیگر مسئولیت نیروهای مسلح را به عهده گرفته‌اند. لذا بعید است که چنین نظری درست باشد.

۱۰ - عده‌ای معتقدند از آنجاکه جناحها و مطبوعات غرب آقای هاشمی را فردی میانسه رو منطقی و اهل معامله تلقی کرده‌اند، لذا منظور امام از این انتصاب گول زدن غرب و کاهش فشار امپریالیسم بر روی جمهوری اسلامی است.

چنانچه ملاحظه شد محور عمده در اینگونه تحلیلها مسئله صلح و مذاکرات است. البته باید بین نیت محافل خبری غرب که قصد دارند برداشت خاصی را القا کنند با نیت دیگران فرق گذاشت. اولاً باید گفت که طبق قانون اساسی مسئله جنگ و صلح به عهده رهبری است که فرمانده کل قوانین هست و تفویض اختیارات فرماندهی به فرد دیگر از سوی رهبر به هیچوجه حق تصمیم گیری در مورد صلح جنگ و صلح را به وی نمیدهد. امام نیز در حکمی که به این مناسبت صادر نموده‌اند ضمن مشخص کردن برنامه کار، هیچ اشاره‌ای به این مسئله یعنی حق تصمیم گیری در مورد صلح نکرده اند.

لذا علت صدور چنین حکمی صرفاً دادن مسئولیتی برای تداوم هر چه بهتر جنگ است. ثانیاً به نظر میرسد مهمترین خطری که به خصوص پس از فوت امام انقلاب را تهدید میکند بروز یک جنگ داخلی است. امپریالیسم نیز از این امر به منظور سرکوب و تعدیل انقلاب و رهبری آن استقبال میکند و اصولاً تلاش غرب جهت پایان دادن به جنگ با عراق برای تشدید جنگ داخلی است از آنجاکه کانون بروز چنین امر خطرناکی نیروهای

بقیه در صفحه ۱۶

**جنگ ما جنگ قداست، عزت و شرف و استقامت علیه نامردمیها است**

امام خمینی

# مذهب علیه مذهب

قدرت فردی بیشتر.

در این رابطه ضیا الحق قبل از سال ۱۳۶۳ گفت در جمهوری اسلامی احزاب سیاسی وجود ندارد. وی در همان سالها ابتدا دادگاههای شریعت را تشکیل داد و اخیراً در آن اعلام کرده بالاترین قوانین از آن شریعت است. ضیا الحق بشدت با منکرات مبارزه نمود و در این رابطه مد و شلاق جاری ساخت. ضیا الحق بحث پیرامون فلسفه احکام را توهمین بمحضرت محمد (ص) قلمداد کرده و شدیداً مجازات میکند. اینکارهای وی موجب رعب و شرم بسیاری از اسلام گشت.

از طرفی ضیا الحق در دهه آخر خود ادعاها سال اعلام نمود که اگر حجاج پاکستانی در راهیمایی برون از شرکتین شرکت کنند، پس از حاجی شدن شرکت از حج، سزا خواهد شد.

## ضد حمله ضد و انقلاب اسلامی

پدیده "اسلام نمایی" یا "مذهب علیه مذهب" تازه ترین شگرد امپریالیسم در برابر رشد و گسترش اسلام محمدی است. در حقیقت این پدیده عمیقترین ضد حمله آمریکا به ضد و انقلاب اسلامی می باشد. آمریکا سعی کرده است واژه ضد و انقلاب را لوث نموده و آنرا مرادف با تجاوز و دخالت در امور داخلی کشورهای دیگر جلوه دهد. آمریکا در حالیکه صدر رکود تا راه کشورهای دیگر میباید، از ضد و انقلاب اسلامی آنهم بدون زور و وحشت دارد. این است که با حربه ضد و مذهب علیه مذهب انقلابی میبرد از.

## پیروزی انقلاب و سقوط وهابیت

شعارهای وهابیت نظیر بازگشت به اسلام محمدی و اسلام سلف، بدون پیرایش به اسلام خلف، و یا اسلام مندرج در قرآن و ظاهر آید. ضد و خرافاتی که به بسیاری از مردم و صاحب نظران را جذب خود کرده بود. ولی از آنجا که برنامه اجتماعی و ملی برای زندگی ویران مبارزه با سلاطین و بیگانگان نداشت، مخصوصاً پس از سرنگونی رژیم شاهنشاهی در ایران، همگان را متوجه انقلاب اسلامی برهبری امام خمینی نمود و تمامی سرمایه گذاری آل سعود نقش بر آب شد. و نفوذ خود را همراه با وحشت و کینه نسبت به انقلاب از دست دادند.

بدینال این اسلام خواهی مردم برای برگردن این خلافت الهی کودتاجی آمریکایی در پاکستان با ظاهر اسلامی، به اجرای شکلی مذهب و شریعت رو آوردند و بنظر ضد حمله به روحیه انقلابی، دست به اقداماتی نظیر تشکیل دادگاههای شریعت، اسلام نمایی و... زدند. مجموعه این اقدامات را اسلام آمریکایی میدانیم که به توضیح آن میپردازیم.

## "شرکتهای فراملیتی" و "امپریالیسم"

در ریشه های عمیق ترین توطئه جدید باید توجه نمود، که اصلی ترین ویژگی آمریکا شرکتهای فراملیتی میباشند. کمپانیهای نفتی، تراستهای اسلحه سازی و مجموعه های مالی و تبلیغاتی در سرتاسر دنیا، بدون توجه به مرزهای جغرافیایی، به فعالیت مشغولند. کمپانیهای نفتی کاری به مرزهای جغرافیایی نداشته، بلکه بدینال حوزه های نفت و گاز زیرزمینی میگردند. جان کلام اینکه آمریکا به دلیل ویژگی فوق حاضر است تمام ارضی کشورهای را بپذیرد. در صورتیکه آن کشورها مقاومتی در برابر توسعه طلبی شرکتهای فراملیتی ننمایند. این مطلب مهمی است که بسیاری از نیروهای ملی و مذهبی ما از آن غافل بوده و ناخود آگاه کارشان به ریزش با انقلاب وامام میکشد.

## "شرکتهای فراملیتی" و استقلال ملتها

فراملیتیها در صورتی حاضرند به کشوری استقلال بدهند که آن کشور گامهای اساسی در جهت استقلال مکتبی، فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و نظامی برندارد. اگر چنین گامهایی برداشته یا جهشهایی در این رابطه بنمایند، تمام ارضی آنها را مندرج و مملکت را تجزیه سیاسی اشغال نظامی مینمایند. توضیح اینکه آمریکا در ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی، جمهوری اسلامی ایران را به رسمیت شناخت. ولی بعد از آن مدتی دیدیم سروکله اش در تجزیه طلبی های گسب و کردستان، خوزستان و آذربایجان پیدا شد. آمریکا کار دخالت در اوضاع داخلی ایران را بجای رساندن کهحتی به اعدام القاتلین اعتراض نمود.

در تمام انقلاب و در جهت نهل به استقلال کامل سیاسی و مقابله با شبکه دستهای مرموز لانجاسوس مصرف شد. بدینال آن امپریالیسم آمریکا جنگ را بر ما تحمیل کرده و تمام ارضی ما را مندرج نمود.

## "شرکتهای فراملیتی" و استفاده یک ایدئولوژی جهانی

آمریکا بدلیل اصلیتین ویژگی اش که فراملیتیها هستند، بدینال یک ایدئولوژی جهانی میگردد تا به کارهایش مشروعیت بخشد. برای دست یافتن و خدمت گرفتن چنین ایدئولوژی جهانی به مارکسیسم و اسلام توجه میکند. چرا که هر دو جهانی اند و به مریضوم، قیامت، ملیت، نژاد و رنگ اصالت نمیدهند. برای تقریب بذهن بذكر یک نمونه در تاریخ معاصر ایران میپردازیم. در سالهای نهضت ملی برای اولین بار با واژه توده نفتی برخورد کرده و دیدیم ما که چطور کمپانیها - ی نفت منافع خود را از طریق حزب توده یادگما تمیم چسب بدینال میگردند. وقتی نهضت ملی با فراملیتی نفت دست و پنجه نرم میکرد، حزب توده علیه این نهضت کارشکنی مینمود و با هرگونه استقلال طلبی و حاکمیت ملت مخالف بود. حزب توده با الهام از آموزشهای مارکسیستی به اعمال کار اصالت میداد و مدعی مبارزه با سرمایه بود. فراملیتی نفت هم بر روی این ایدئولوژی سوار شده و آنرا بخندمت گرفت. آنها میگفتند ملت ایران حق بر منافع نفتی اش ندارد چرا که سرمایه و تاسیسات، اکتشاف استخراج، خبربیت، تکنولوژی و عامل کار اعم از کارگر و تکنسین و مهندسان از آن انگلیسیهاست و ایران کاری انجام نداده که مالکیتی بر نفت داشته باشد. به همین دلیل جریان چپ در ایران هیچگاه با شرکتهای فراملیتی نفتی درگیر نشده است. (جهت تفصیل بیشتر رجوع شود به کتاب دانشگاه مدرسه یا تغییر بنیادی در نظام آموزشی)

## "الفد برخورد شرکتهای فراملیتی با مارکسیسم"

شرکتهای فراملیتی پس از انقلاب شوروی قدرت و نفوذ خود را بیکار بردند تا نهضت جهانی مارکسیسم را از عناصر انقلابی و اصالت انسانی - اش پاکسازی نموده و احزاب مارکسیستی را در جهت اصالت ابزار و تکامل ابزار تولید سوق دهند. فراملیتیها با فشار جهانی خود مارکسیسم را از وجه انقلابی اختراع کرده اما وجه اجتماعی و ابزار گرای آنرا بخندمت گرفتند. بدین سان بود که فراملیتیها به یک ایدئولوژی جهانی ابزار - گرا و طبیعتاً سرکوبگر مسلح شدند. این ایدئولوژی مریضوم شناخت و ملات حق و باطل را تکامل ابزار تولید میدانست. این ایدئولوژی ظاهرش مترقی ولی محتوایش در خدمت امپریالیسم می باشد. چرا که خروش چپ در سال ۵۹ میلادی (۱۳۳۸) پنج اصل مریضوم را در جهت ابزار گرای و نزدیک با غرب مطرح نمود و حتی تعاریف چهار اصل بدالکت، را تغییر داد. و اکنون میبینیم با تکیه به همین ایدئولوژی گریباجف سوانس و مرزهای موجود بین مارکسیسم و غرب را از میان بر میدارد. کمپانیهای نفت موفق شدند احزاب کمونیست منطقه را علیه جریانهای اصلی ملی - مردمی چون مرحوم صدق و عبد الناصر بشهرانند و از این طریق به هدفهای خود برسند. در سالهای ۱۲۹۸ بعد بود که حزب کمونیست ایران به کسک همین ایدئولوژی ابزار گرا رضا شاه را نمایندنده به ریزش ملی و مترقی دانسته ولی شهید مدرس را نمایندنده فتود الهی و مترجم قلمداد نمود. حزب توده اصلاحات شاه را در سال ۱۳۴۱ تأیید کرده و آنرا گامی در جهت خروج از فتود الیسم و تبدیل آن به سرمایه داری و در نهایت رسیدن به سوسیالیسم میدانست.

## چگونه با اسلام نمایی مقابله کنیم

بنظر میرسد شیوه های تفصیلی انقلاب اسلامی باید ما در گردد. این شیوه ها بعنوان مثال عبارتند از شکافتن تمامی وجوه واژه استقلال یعنی استقلال مکتبی، فرهنگی، سیاسی، نظامی و اقتصادی. شکافتن واژه آزادی، شکافتن واژه حکومت اسلامی، شکافتن "اسلام شاهنشاهی"، "اسلام آمریکایی"، "اسلام عاقبت طلب"، "اسلام بیوان زده"، شکافتن عملکرد دستهای مرموز و چگونگی نفوذ آنها در انقلاب اسلامی. شیوه های تفصیلی اسلامی همانطور که آیت الله منتظری در صحبتهای خود تاکید میکنند (مانند شیوه مسلم بن عقیل در مقابل ابن زیاد در خانه هانی). بنقل از مقاله "رشد انقلاب اسلامی در پاکستان" و توطئه اسلام نمایی در راه مجاهد شماره ۲۱

## ب- برخورد شرکتهای فراملیتی با اسلام و فق...

اسلام در ذات خود عیبی ندارد و از انجام کاملی برخوردار است هر عیب و نقیصی هم که وجود دارد از برداشتهای اسلامی ما نشأت میگیرد. معمولاً هر برداشتی از اسلام پس از چندی به یک خط مشی و استراتژی تبدیل میشود. برای تقریب بذهن و درک رابطهای که بین خط مشی و برداشت از اسلام وجود دارد بذكر یک مثال واقعی میپردازیم.

## مشروعیت سرمایه داری وابسته !!!

به یکی از صاحب نظران سؤال انتقاد شد که "چرا شما در نوشته ها و مقاله هایتان نه تنها به سرمایه داری وابسته محمل نکرده، حتی اشارهای همه آن نمیکنید و مریضوم برای سرمایه داری ملی با سرمایه داری وابسته قائل نیستید". ایشان گفتند "تقسیم بندی ما بر اساس مریضوم جغرافیایی - بی ملی یا غیره. نموده، بلکه بر اساس تفویضات است. ایشان اضافه کرد در مذهب و انواع سرمایه داری داریم، یکی سرمایه داری مشروع و دیگری سرمایه داری نامشروع.

ملاحظه میکنیم با این تقسیم بندی، سرمایه داری وابسته ممکن است مشروع هم قلمداد شود. از همینجاست که فراملیتیها به این برداشت از اسلام چشم امید میدورند. بدین سان واژه اسلام آمریکایی مطرح میشود.

## مشروعیت قاچاق ارز و پول !!!

برای توضیح بیشتر بذكر در برداشت مغایر در برخورد با صافرت حجاج (۱) میپردازیم. طبق نظر فقهی امام و قاتلین دولت جمهوری اسلامی، خارج کردن پول و سکه از مملکت شرعاً درست نیست. زیرا علاوه بر اینکه به نازلترین قیمت خریداری میشود، احتمال دارد مورد سوء استفاده جریانه های محارب و کودتاجی قرار بگیرد. ولی طبق برداشت فقهی دیگر، که مقلدینی هم دارد بر اساس قاعده تسلیط معتقد است که افراد برجوان و مال خود مسلط بود موقوف هرگونه تصرف انتقال و تغییر را دارا میباشد و کاری به مریضوم و هویت ملی و مکتبی ندارد.

میبینیم که این در برداشت فقهی علاً به دو خط مشی مغایر منتهی میشود که یکی از آنها در کنار فراملیتیها قرار میگیرد. فراملیتیهای مالی مایل هستند که در سر راه انتقال سرمایه بیول از کشوری به کشور دیگر هیچگونه مانعی از جمله هویت ملی و مذهبی وجود نداشته باشد. طبیعی است که آمریکا به چنین برداشتهای نادرستی از اسلام چشم امید دوخته و در کنار چنین اسلامی قرار بگیرد.

## مبارزات ضد استعماری ملتها نامشروع است !!!

در تاریخ معاصر ایران و منطقه شاهد بودیم که وقتی ملت های مسلمان اراده کردند از جنگ دربار و شرکتهای فراملیتی رهائی یابند و منابع بقیه در صفحه ۱۵

"پاروق" این نمونه در مورد انتقال سرمایه از ایران به کشورها نیز همدان پیدا می کند.

بزرگترین درد جوامع اسلامی اینست که هنوز فلسفه واقعی بسیاری از احکام الهی را درک نکرده اند

امام خمینی



# جنبار ایدئولوژیک و ولایت فقیه

## دیدگاههای امام پیرامون

### انشعاب روحانیون مبارز

امام در پاسخ به نامه شورای مرکزی روحانیون مبارز تهران جوابی داده اند که متن آنرا از کیهان ۲۷ فروردین در زیر می آوریم :

"بسمه تعالی ، حضرات حجج اسلام روحانیون مبارز تهران دامت افاضاتهم ، سیرت فیه بهمین صورتی است که در نامه آورده اید انشعاب از تشکیلاتی برای اظهار عقیده مستقل و ایجاد تشکیلات جدید به معنای اختلاف نیست . اختلاف در آن موقعی است که خدای ناگردد هرکسی برای پیشبرد نظرات خود به دیگری برخاستد که بحمد لله با شناختی که من از روحانیون دست اندر کار انقلاب دارم چنین کاری صورت نخواهد گرفت ."

من به شما و همه کسانی که دلشان برای اسلام عزیز می تپد دعای گنم و توفیق آقایان را از خداوند متعال خواستارم"

راه مجاهد :

۱ - دانش سازماندهی : در مقابل نظر کسانی که معتقد بودند امام وجود حزب و گروه را قبول ندارند مشخص می شود که ایشان نه تنها اصل تشکیلات را قبول دارند و تنزیز تشکیل حکومت اسلامی جوهر رساله امام است بلکه راجع به مسائل ریز دانش سازماندهی نظرات تفصیلی هم دارند بدلیل اینکه تشکیل حکومت اسلامی در عصر معاصر یک تجربه جدید است لازم است تا در لسوزان و نیازمند ان از نظرات تشکیلاتی امام اطلاع بیشتری داشته و آنرا راهنمای عمل قرار دهند .

۲ - تقدم ایدئولوژی بر خط مشی و سازماندهی : امام امت تاکنون بر حفظ نظام و تشکیلات جمهوری اسلامی در سخنان خود تاکید زیادی کرده اند و حتی گفته اند که حفظ نظام جمهوری اسلامی از واجب واجبات است عده ای از این نظرات امام برداشت می کردند که تشکیلات مهمتر از استراتژی و ایدئولوژی است و بنابراین حفظ وحدت تشکیلاتی بر حفظ وحدت ایدئولوژی و استراتژی مقدم است .

ولی با توجه به اینکه در این نامه امام انشعاب را قبول کرده اند آنها انشعاب در روحانیت ، مشخص می شود که امام به وحدت نظرایدئولوژیک بیش از وحدت تشکیلاتی بهایم دهند و این نظر برعکس نظر رجسوی و جریان جنبش ملی می باشد که معتقد بودند

وحدت تشکیلاتی مقدم بر خط مشی و ایدئولوژی است . البته حفظ نظامی که زیر فشار تمام جناحهای استکباری است هم مد نظر امام است و ایشان معتقدند که نباید مبارزه ایدئولوژیک کرد نه برخاستگی .

انشعاب به مفهوم در نظر و جریبان فکری است . دفاع از نظرات مطرح شده در هر جناح ، توسط صاحب نظران برای جامعه رشد فراوانی در بر دارد . به شرط آنکه دستهای مرموز نتوانند از آب گل آلود استفاده نمایند .

امام معتقدند که جناحهای مختلف نباید سیاستهای یکدیگر را تضعیف و یا تخریب کنند زیرا اگر وحدت در نظام نهی اسلامی که زیر فشار تمامی جناحهای امپریالیسم است از بین برود تنها کسی که سود می برد آمریکا و اسرائیل است . اختلافات مابین جناحهای انقلابی در ایران ممکن است رشد نقطه ای و موقعی ایجاد کند ولی کلیت و وحدت نظام زیر فشار استکبار جهانی را در تمام حالات باید در نظر داشت .

توصیه امام به وزیر خارجه

در کیهان دوشنبه ۲۶ اردیبهشت نامه ای از وزیر امور خارجه ماسخ امام به آن قید شده در قسمتی از نامه دکتورا یی

امام در جواب ضمن تأیید ایشان می نویسند :  
... شما دوستانمان در وزارت امور خارجه باید تحمل انتقاد را چه حق و چه ناحق داشته باشیم . جوایز سیاسی ایران انقلابی ، بی تحریکی بعضی از مسئولان سبقت در رساندن سریع هر موضوعی به جامعه گرچه به ضرر مردم باشد ، نه تنها کار وزارت امور خارجه را مشکل می کند که در بعضی اوقات روی سیاستهای داخلی هم اثر نامطلوب می گذارد . . . ."

راه مجاهد :

الف - جامعه بازنقلابی : نظریه جامعه بازنقلابی پیوسته مطرح گشت و حتی خط مشی بعضی از گروههای داخلی قرار گرفت که منظور از جامعه بازنقلابی حول لیرالی و خط مشی درهای باز ، تجارت آزاد و . . . است که در آن اعضای کودتا اجازه فعالیت داشته باشند و آزادی برای انجام توطئه و کودتا وجود داشته باشد . در این جو آزاد اگر قبایسی دست مرموز امپریالیسم ، رئیس شهرستانی وقت ، تیمسار افشارطوس رازیرشکنجه به شهادت برسانند نباید بر علیه او اقدام صورت گیرد و این همان خطی است که ریگان در کنفرانس "تورنتو" از آن بعنوان سیاستهای درهای باز یاد کرده و از سایر کشورهای خواهد که موانع تجارت آزاد را بردارند و بر اساس همان فرضیه است که "ریگان" به "اورنگا" اخطار می کند که تا جامعه نیکارگروه را با زنگی روابط مطلوب نمی شود اما به نظرمی رسد عقیده امام جامعه بازنقلابی است جامعه ای که برای انکار انقلابی بازاست اما برای توطئه و کودتا بسته است .

ب - ویژگیهای جامعه ایران : امام در توصیه های خود به وزیر خارجه سه ویژگی

۳ - ویژگی سوم سبقت در دادن اخبار به مردم است ، این ویژگی خود به تنهایی بیانگر این مطلب است که انقلاب یک انقلاب مردمی است . گرچه بعضی از اخبار بصورت خام و ناپخته در جامعه نقل می شود ولی انتقاد دیگری هم هست و آن اینکه چرا از بعضی اخبار دشمن مطلع است در حالیکه مردم آنرا نمی دانند .

ج - بالا بردن توان انتقاد : امام بازگر این نکته که مسئولین باید توان شنیدن انتقاد و لو باطل را داشته باشند ، راه را برای انتقاد بازمی گذارند . در ضمن اینکه تحمل شنیدن انتقاد در مسئولین راهم بالا می برند . اما با زگر ویژگیهای انقلاب ( که خود یک کار آموزشی و در جهت کار سازی است ) و تأکید مسئولین ، می خواهند آنها را رشد بیشتری کرده توان شنیدن حرف مخالف و انتقادی را در خود بالا ببرند . که اینکار احتیاج به کیفیت و صبر دارد .

### پیرامون جانشینی فرمانده کل قوا

امام امت در پاسخ به نامه آقای خامنه ای فرماندهی کل قوا را به آقای رفسنجانی تفویض کردند . متن این دو نامه در کیهان خرداد ۲۷ بچاپ رسیده در مقدمه نامه امام می خوانیم :

"جناب حجت الاسلام آقای حاج شیخ علی اکبر هاشمی رفسنجانی دامت افاضاته با توجه به درگیری رویاری آمریکا جهان خوار علیه اسلام و ایران و هماهنگی غرب و شرق و ارتجاع منطقه در مبارزه با انقلاب اسلامی و جلوگیری از پیروزی اسلام به پیشنهاد رئیس جمهور محترم جناب حجت الاسلام آقای خامنه ای دامت افاضاته جنابعالی را با تمامی اختیارات به جانشینی فرماندهی کل قوا منصوب می نمایم . . . ."

### بالا بردن انسجام در داخل و شکستن اتحاد دشمن

این قسمت از پیام امام به روشنی اسلام امام را که رویاروی آشکارا آمریکا و غرب و ارد بابر داشت های دیگر از اسلام که به عاقبت طلبی و توحیه می افتد مرز بندی میکند عده ای تحلیل می کنند که تفویض فرماندهی کل قوا با تمام اختیارات در واقع برای مذاکره به منظور پایان جنگ است در صورتیکه اعلام جنگ و صلح و مذاکره از اختیارات ولایت فقیه و رهبران انقلاب است و مربوط به مقام فرماندهی کل قوا و جانشینی او نمی شود بنظر می آید این تفویض برای جمع آوری همه امکانات و انسجام نیروها برای بهتر جنگیدن و گزارش توان جنگی به ولایت فقیه است . توضیح اینکه مقام آقای هاشمی به عنوان نماینده امام در شورای عالی دفاع به لحاظ سیاسی از این مقام قوی تر است .

وظایف محول شده به جانشین فرماندهی کل قوا

امام در نیا له پیام خود کارهای محوله به آقای هاشمی را در سه محور خلاصه میکنند :  
۱ - انسجام بخشیدن به نیروها و

در یک ملتی اختلاف سلیقه نباشد این ناقص است . . . .  
اختلاف باید باشد ، اختلاف سلیقه ، اختلاف راهی  
مباح است ، جا روجنگال ، اینها باید باشد ، لکن نتیجه  
آن نباشد که ما دودسته بشویم ، دشمن هم ، باید  
دودسته بشویم و در عین حالیکه اختلاف داریم دوست  
هم باشیم .

می خوانیم :

"... همانطور که استحضار دارند سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران توسط سران سه قوه در چهارچوب نظرات اصولی آن مقام معظم تعیین گیری می وسیله وزارت امور خارجه در راستای اهداف جمهوری اسلامی ایران اجرامی گردد . . . ."

متاسفانه دید می شود که بدون توجه به مصالح کشور و انقلاب اسلامی مسائلی در رسانه های گروهی و محافل عمومی مطرح می شود که به هیچ وجه به صلاح کشور نمی باشد و بعضاً عرصه را در داخل و خارج کشور برای خدامین نظام در وزارت امور خارجه تنگ می نماید . ساختن روابط خارجی دشوار و نیازمند زمان است و تخریب آن سهل و سهولت صورت می گیرد ."

خداوند پیامزد کسی را که ارزشش خود را بشناسد و از خود و خود بخاورد

محمد رسول الله



# اخبار ایدئولوژیک ولایت فقه

امکانات در جنگ و حذف سازمانهای تکراری  
۲ - سروسامان دادن به دارگاهها و نیروهای قضایی دست اندرکار جنگ  
۳ - بهره برداری بیشتر و انسجام در صنایع مورد نیاز جنگ  
بنظر می آید اصل این انتخاب به منظور انسجام بیشتر برای مقابله با فشار و توطئه های امپریالیسم یاشانیدن اتحاد دشمن است زیرا به وسیله آن بدون انسجام درونی و استفاده از تضاد های دشمن می توانیم توان جنگی خود را بیش از پیش بالا ببریم.

رضای خدا در حاکمیت مستضعفین و محرومین است  
امامت در پیامهای خود به آقایان طیبی و یزدی که در کیهان موعود ۱۸ خرداد و ۴ تیر ۶۷ به چاپ رسیده ضمن تأیید آنها تأکید زیادی کرده اند که راه رضای خدا راه کمک به مستضعفین و محرومین است و امام باز گره حق مستضعفین در واقع تکیه الهی و پشتوانه محکمی برای حاکمیت مستضعفین ارائه کرده اند.

## در محافل مذهبی

آیت اله خزعلی در حسینیه امضا نمایی ماه رمضان یک شب بطور کامل تریا ره تعقل و تحلیل صحبت کردند. گفتند: اطاعت از پدر و مادر واجب است اما اگر پدر خلاف شرع بگوید، اگر دعوت به شرک کند، اطاعت حرام است. انسان نباید تسلیم شرک شود. خدا عقل به انسان داده باید بسنجند اگر خلاف بود انجام ندهند. در مورد روحانی هم همینطور باید تعقل کرد. تحلیل، تحلیل. اگر روحانی بگوید فلان روحانی اسلام امریکا می است بگوید نه قبول نمی کنم. روحانی است یا نه، اما اگر بگوید میگویند امریکا می تحلیل می کنم، تعقل می کنم، قبول نمیکنم  
راه مجاهد - طرح مبارزه با تقلید کورکورانه از طرف ایشان موجب خوشوقتی است چرا که اگر به گذشته نه چندان دور برگردیم، مشاهده می شود ایشان و همفکران ایشان مردم را به تقلید و تسلیم محض به روحانیت و شورای نگهبان فراموش کردند حق انتقاد و اظهار نظر به کسی نمیدادند و از این موضع گروهی سیاسی را میکوبیدند گرچه امروزه اقبال چندان از طرف مردم نمی شود و از این باب تحت فشارند، ولی امیدواریم دعوت به تعقل و تحلیل از این موضع نبوده و یک موضع پایداری همیشگی باشد. امیدواریم در این مسئله که چرا

امام خمینی افشاگری اسلام امریکایی را مطرح کرده اند. تعقل و تعقل بیشتر شود.  
حمایت از مستضعفین  
بر قسمتی دیگر از سخنرانی خود گفتند: ما هم می گوئیم برای مستضعفین باید کار کرد. اما نه در شعار و حرف، ما شعار نمی دهیم. عملاً بنفع مستضعفین کار می کنیم. خیلی جاها من خود بنفع مستضعفین کار کردم، ولی تا بحال نگفتم. یک وقتی در شورای نگهبان قانونی آمده بود که به ضرر مستضعفین تمام می شود بر طبق آن قوانین آنها خراب می گردید. من ابتدا رأی مثبت به آن دادم و لایحه تصویب شد، ولی شب که در خانه فکر کردم پشیمان شدم و اول وقت فردا را می خود را پس گرفتم و لایحه تصویب نشد و خانه های مستضعفین هم خراب نشد. شاید چند صد نفر مستضعف از بی خانمانی نجات پیدا کردند.

راه مجاهد - اکنون که شعار حمایت از مستضعفین توسط انقلاب تثبیت شده و عمومیت یافته است مفاهیم تحولی در مواضع نیروها هستیم. در گذشته جنسین استقلال می شد که اساس احکام اسلام است بنفع و ضرر هر کس باشد. شعار قانون بنفع مستضعفین یک شعار طبقاتی و کمونیستی است. ما حاضر نیستیم بخاطر مستضعفین جهنم برویم. انتظار می رود آن تبلیغات گذشته را باستی جبران کرده و تبیین جدیدی ارائه دهند، تا مردم به این مواضع جدید اعتماد کرده و آنرا ناشی از جوهری نیانند.  
رفاه و وابستگی با استقلال و خودکفائی

آیت اله خزعلی: حل مسئله مستضعفین نمی گویم مجال است کار ساده ای نیست. در چین سی سال خواستند مسئله با برهنه ها را حل کنند نتوانستند. من آنجا رفتم. در این تهران خودمان هر گوشه و کنارش - اتومبیل است همین کوچه آیمنگل پر از خودرو است ما ما در چین همه سوار دوچرخه می شوند. زن و مرد، بدبخت به چاره سوار دوچرخه می شوند. آدم نگاه می کند در حقش می آید، خودرو ندارند.

راه مجاهد - بنظر می رسد استقلال اقتصادی و رسیدگی به مستضعفین را نمیشود با ملایک رفاه و راحت طلبی ارزیابی کرد. در چین از موضع خودکفائی و استقلال است که از دوچرخه استفاده می شود و این خودیها نقطه قوت برای آنهاست. و اگر ما وسایل مدرن تر داریم که وابستگی بیشتر هم طبعاً دارد از دید انقلاب یک نقطه ضعف است. انتظار نمی رود که ایشان در موضع یک فقیه با ملایک رفاه و راحت طلبی به قضا با بنگرند آنها در کشوری که شعار اولیه انقلاب استقلال آزادی جمهوری اسلامی بوده است. آیا این نحوه نگرش خود موجب رانده شدن جوانها به سمت مارکسیسم نخواهد شد؟

### شعوه های غیر اسلامی

آیت اله خزعلی در چند مورد شعوه های جوسازی و مارک زنی را مورد انتقاد قرار دادند: "درجایی عده ای جوان ناخ و تندرو و شلوغ

می کنند آقای یزدی را می کوبند و میگذارند ایمان صحبت کنند.  
"می گویند آقای مهدوی کنی اسلام امریکایی است. اگر آقای مهدوی - امریکایی است همه ما امریکایی هستیم حوزه علمیه امریکایی است اصلاً امام که ایشان را تأیید کردند امریکایی است."  
راه مجاهد - اگر بعد داشته باشیم از ابتنا به شعوه های مارک زدن و تهمت زدن اعتراض می کردیم. حالا که واژه اسلام امریکایی از طرف امام مطرح شده و بر سر زبان مردم افتاده و مردم هم دنیا ل صدق می گردند، زبان اعتراض گشوده اند ولی چطور از یاد می رود که ایشان چه مارکهای ناروا به ما نزدند. در مسجد قلعه تهران گفتند: لطفاله مثنی در کودتای شریعت مناری و قطب زاده بست داشته است. و تأکید کردند همان کور بیست. با درختم خواهر زاده بر امر مثنی بالحن تحقیر آمیز می گویند این کور بیست دانی شهید عبدالله نیست.

آیا چه کسی این شعوه ها را رایج کرد؟ در هر منبری که پای صحبت شما بودیم بنحوی سبیل ناسزا و مارک را به یکی از مخالفین خود اعم از رادیکال و بیرون - روزنامه کههان و اطلاعات - دولت و کابینه تا گروهها و شخصیت های سیاسی شار می کردیم. حتی در همین سخنرانی اشاره به یکی از نمایندگان مجلس کردید تحت عنوان

جوجه طلبه که به شورای نگهبان انتقاد کرده است و بعد می گویند: بچه بیروستانک را بخور تراچه به شورای نگهبان! یکی از مشاهدات مردم ما این است که برخی وقتی تریست و مقام هستند و بنز دارند یک نحوه برخورد می کنند وقتی بنز شان را گرفتند ضد انقلاب می شوند. لذا در نرحه اول برای رضای خدا و حداقل اعتماد مردم خوبست در شعوه های خود نیز تجدید نظر گردد. پیشنهاد می کنیم یکبار آقای خزعلی نوارهای چند سال گذشته خودشان را گوش بدهند تا ببینند چه کسانی را مرتدو کافر قلمنا کرده اند و نیروها را طرد و نفی کرده اند. باید از خود گله و ناله کرد و همین موجب رشد و سعادت است نه محکوم کردن دیگران و خود را مبرّی دانستن.

آدم به ارزش آیت اله منتظری بیشتر بی می برد، که گرچه تمام تشکیلات و نهادهایش را بهم زدند و تعطیل و نیمه تعطیل کردند ولی در مواضع تغییر نمی کردند و باز هم منانت و صبر انقلابی خود را حفظ نمودند.  
همین آیت اله منتظری سالها بی است تأکید می کند که از جناب مسلم بر کوفه درس بگیرد که می توانست این ز ما در

ترور کند و به روزی بدست آورد ولی بخاطر حفظ ارزشها نکرد. بنظر می رسد امنیت نصاب برای روحا نمون هم قابل توجه است  
انتخابات

آیت اله خزعلی چند بار در مورد انتخابات صحبت کردند من جمله:  
"راجع به روحا نمون مبارز من حرف زیاد دارم بزنم. اگر قرار باشد بگویم، در عرض نیم ساعت چنان مسائل را افشا کنم که بعد سر بلند نتوانند بکنند. ولی چون امام داخل در قضیه شدند و دستور دادند سکوت اطاعت می کنیم، بخاطر حفظ وحدت فعلاً سکوت می کنیم."  
"آقای صافی مرد با تقوا و پرهیزکاری است. در همه این نظام بگردی مثل ایشان آدم ملا با تقوا و خالص یکی گیر نمی آید. ایشان گفت من قلب را میبهم در انتخابات نمی توانم تحمل کنم من بچشم خود میبهم. لذا استعفا دادند البته چون امام گفته اند، اطاعت امام واجب است اما نه اینکه در انتخابات مثل نبود. چرا، صندوقها مسئله نداشتند ما مطلب داریم، اما چون امام گفتند تأیید می کنیم، اطاعت می کنیم."  
راه مجاهد - قبل از اینکه امام انتخابات را تأیید کنند همفکران ایشان

بجای محکوم کردن و لجن مال کردن جناح مقابل، تقوا حکم میکنند که به نفس خودمان رجوع کنیم و در شیوه های خودمان و مارک زدنها و تصفیه ها و جوسازیهای گذشته، خودمان تجدید نظر کنیم. مردم را متهم به تفهمی نکنیم، مردم هوشیارند و جریانات را زیر نظر دارند.

همه جا می گفتند قلب بده است. بعد از بررسی صندوقها در حضور نماینده امام و تأیید امام بر صحت انتخابات شمار می دادند که روی مردم جوسازی شده و شمار اسلام امریکایی و مستضعفین در بین مردم انفاخته اند و مردم نتوانستند حق و باطل را تمیز دهند و اسیر جوسازی شده اند. البته بعداً صحت انتخابات را پذیرفتند، ولی گفتند مردم جفا کردند بنظر می رسد این شعوه ها بیشتر مردم را زده می کند. بجای محکوم کردن و لجن مال کردن جناح مقابل، تقوا حکم می کند که به نفس خودمان رجوع کنیم و در شعوه های خودمان و مارک زدنها و تصفیه ها و جوسازی های گذشته خودمان، تجدید نظر کنیم. مردم را متهم به تفهمی نکنیم مردم هوشیارند و جریانات را زیر نظر دارند.

اسلام عزیز و جاودانیت بدان  
توحید بسجا و کفر فانیست بدان  
از زمین توجهات مهدی (عج) به یقین  
این نهضت سرخ ما جهان نیست بدان





# اخبار ایدئولوژیک ولایت فقیه

## اتقاد را از خود شروع کنیم نه از دیگران!

نشریه نورعلم ، شماره ۲ - دوره سوم :

ولکن چقدر زیبا و احترام انگیز بود که ... این ایثارهای ملت بزرگوار را با بعضی از اعمال خلاف قانون خود کدر نمی کردیم و اخوت اسلامی را در تمام ابعاد آن حفظ کرده و از برخورد های شخصی که حاکی از خط وریبیطهای سیاسی مختلف و جنگ قدرت در ابعاد مختلف آن است ، پرهیز می کردیم . خود را در این قدرت دیدن و از موضع قدرت سخن گفتن و از دوستان همسنگری با الفاظ حاکی از عدم محبت و یا احیاناً حاکی از وجود بغض یا دگر کردن ، داب مردان حق نیست چنین روشهای غیر اسلامی در این انتخابات اگر گذری در تنوره داغ انقلاب باشد ، مرحله ای از تکامل و ترقی بوده و باید مورد تأکید قرار گیرد ولی اگر بعنوان یک فروش اداسی و سنت جا افتاده بکار گرفته شود ، نباید از مرزهای اسلام و اخلاق اسلامی استه حال آفرینی و حاکم معر را در تنب و تاب نگهداشتن دوری از مرزهای اخوت و دوستی ، زیر بنای نهادن علقه های انقلابی ، به جان هم افتادن موضوعات کوچک را بزرگ جلوه دادن ، گرهی را که با دست قابل با زدن است با دندان زدن ، صفحات روزنامه و مجله ها که با یادورته های زرینی از فرهنگ اسلامی یادگار شده بدویرا گفتن قرار دادن ، حقایق را ندیدن ، از اجتماع دور شدن و در جوهای خاص زندگی کردن و ... را همی سکه مشی آن مطابق اخلاق اسلامی نیست مقامات دست اندر کار روپیش کسوتان انقلاب با یاد این معنی را بخوبی درک کنند که این نظام و این مملکت همچون گشتی می ماند که بر دریای از خون شهدای عزیز ما به پیش می رود ، باید در حفظ انگیزه های آنان تلاشی و افرو ایشاری کامل داشته

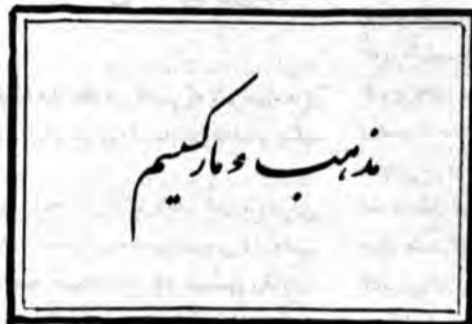
این چنین برخوردها و رفتارهای ناهنجار و خلاف اخلاق ، محبت هم دیگر را از دلها بیرون می برد ، خود را در مقابل هم درمی یابد ، با هم دیگر احساس علقه و پیوند قلبی نمی کنند ، مگر از آرزای هم بودن چه بدیده ورنجی کشیده اند که می خواهد از هم جدا شده و تنها باشد ، مگر از دست به دست هم بودن چه ضرری دیدید که هشتبارا گره کرده و در مقابل هم ایستاده آید مگر از با هم حرکت کردن چه آفتی شما را در هم پیچیده که در خلاف جهت هم راه می روید ، مگر آن روزهای اول انقلاب را از یاد برده اند که چه صفائی بر قلب حاکم بوده و چه نیروی از این همزه و هم دل و هم قلب بودن پیدا شده و بود .

ولانتنا رعوافتشلتوا و تذهب و بحکم و اصبروا ان الله مع الصابرين اگر چراغی آن انسان محبوب و دوست داشتنی الان در پست نخست وزیری و در راس دولت بود چه برخوردی با او داشتیم ؟ اگر آیت الله شهید مطهری ، آیت الله شهید بهشتی ، شهید مفتح و ... از اعضای شورای نگهبان بودند ، آیا امکان آن بود که با الفاظی که در شان آنان نیست از آنها نام ببریم ؟

راه مجاهد : بهتر بود بجای انتقاد از دوستان ابتدای

خود شروع کنیم . بینید این رفتارها را ناهنجار را چه کسی درجا مع آغا ز کرد . تضعیف دولت مهندس موسوی با انواع و اقسام رکیه و شایعات بحای تقویت و اصلاح ، افشاگریهای مختلف مثل جزوه "مسئولان بهوش و ... را چکسانی درجا معه بخش کردند .

سرکوب گروهها و شخصیت های سیاسی با شیوه های غیر اسلامی ، فتوی در تاشید و توجیه شکنجه از طرف اعضا " جامعه و ... ؟ بنظر می آید برای جلوگیری از تشنج و کوبیدن همدیگر و تشدید اختلافات که سرانجامی جز لبانی کردن انقلاب ندارد ، بهتر است خود را در حضور خدا دیده و از شیوه های غلط خود ، تجدید نظر را آغا ز کنیم تا دیگران نیز از ما الگو گرفته و به این کار بپردازند .



اخیرا " کتابی به نام " فیدل کاسترو و مذهب " در کوبا منتشر شده که یک میلیون نسخه از آن به فروش رفته است .

این کتاب حاوی نظرات فیدل کاسترو راجع به مذهب است که طی مصاحبه های با یک کشیش مبارز عنوان شده است . بخشی از این مصاحبه در کیهان فرهنگی شماره ۸ سال چهارم به چاپ رسیده که نکاتی چند از آن به قرار زیر است .

کاسترو : کلیسا هرگز به طور قاطع برده داری را که امروزه بنیان مورد تنفر وجدان بشری است ، تقبیح نکند . کلیسا هرگز برده داری سیاهان و سرخپوستان را محکوم نکرد . کلیسا هرگز قلع و قمع مردم بومی یا سایر جنایتهای را که بر آنان روا میشد ، را تقبیح نکرد . جنایاتی چون غصب زمینها ، ثروت و فرهنگ و حتی زندگی شان ، هیچ یک از کلیساها این جنایات را تقبیح نکردند و این نظام قرنها بر پا ماند .

راه مجاهد : به گفته آقای کاسترو که واقعیت هم دارد ، رهبران مارکسیست تجربیات جامعه خودشان را جمع بندی کرده در نتیجه ضد مذهب شدند . این رهبران اعتقاد داشتند که یک جنبش سیاسی و انقلابی باید تحلیل مشخص از شرایط مشخص جامعه داشته باشد و چون کلیسا در آن شرایط در دست برده داران و فئودالها بود ، بر اساس آن اصل به مبارزه با کلیسا برخاستند . اما اگر همان روحیه را مارکسیستهای وطنی در پیش بگیرند آیا به چنین نتایجی نخواهند رسید . در ایران جریان مذهبی در طول تاریخ همیشه بر علیه استعمار و نظامهای حاکم موضع داشته و با مذهب حامی ستمگران درگیر بوده است نظیر نهضت سرداران ، دلبران تنگستان ، جنبش تنباکو ، مشروطه مدرس ، نهضت ملی ، میرزا کوچک خان ، ۱۵ خرداد ، انقلاب مرگ بر شاه ( انقلاب اسلامی علیه سلطنت ) . با مشاهده این تجربیات جانی برای روحیه ضد مذهبی وجود ندارد . روحیه ضد مذهبی در مارکسیستهای وطنی با منطق خودشان یک امر ضد علمی و خلاف اصل " تحلیل مشخص از شرایط مشخص " می باشد .

کشیش انقلابی امریکای لاتین :

به عقیده من یکی از جدی ترین اشتباهات جناح چپ در امریکای لاتین ، خاصه نیروهای چپی که سبت مارکسیست نینیشی دارند ، این است که الحاد را در میان مردم تبلیغ می کنند . مسئله این نیست که آنها نباید آنچه را که واقعا " به آن فکر می کنند بیان کنند . مسئله اصلا " این نیست . مسئله این است که آنها نسبت به مفاهیم مذهبی مردم حساس نبوده و با چنین عملکردی ، در واقع امکانات ایجاد رابطه ای بین چشم انداز سیاسی خودشان و توده ها را سدی می کنند به عنوان مثال : متقاعد کردن کارگر یا کشاورز از لزوم

مبارزه برای سوسیالیسم آسان نیست . اما بسیار ساده است که به او گفته شود ببین ما به وجود خدائی واحد و خالق هستی ایمان داریم اگر چنین است همه باید برادرانه زندگی کنیم . اما این برادری که خواست خداست در جامعه ما وجود ندارد . تبعیض نژادی ، اختلافات طبقاتی و تناقضات اقتصادی و اینکه بعضی ها ثروتمند و اکثریت فقیر هستند ، نفسی آن برادری است . پس برای ما که خود را بر پایه ایمان و اعتقاداتمان استوار کرده ایم ، جنگیدن برای برقراری برادری به معنی جنگیدن با تمام آن عواملی است که به طور مشخص و تاریخی از برابری اجتماعی ، عدالت و آزادی جلوگیری می کنند و مانع می شوند که همه مردم صرف نظر از شغل و رنگ پوست و افکارشان به شخصیت کامل خود قائل شوند . به این دلیل است که این گونه برخورد در طول سالیان اخیر چنین موفق بوده است .

کاسترو :

مطلب دیگر این که انقلابیون بر علیه نظام استعماری موجود که بیرحم است ، می جنگند . بنابراین توضیحی در باره آنچه شما آنرا اشتباه می نامید و ممکن است در واقع اشتباه هم باشد وجود دارد . مسئله این است که چگونه یک عقیده یا یک برنامه اجتماعی انقلابی را به انجام برسانیم . اگر منظور شما این است که در شرایط کنونی امریکای لاتین تکیه بر اختلافات فلسفی با مسیحیانی که بعنوان اکثریت جامعه ، وسپعا " قربانی این نظام شده اند ، دارد ، اشتباه است و در عوض باید بگوئیم تمام آنهایی را که در این آمال عدالت خواهانه سهیمند ، در یک مبارزه " مشترک متحد کنیم ، با شما موافقم حتی بیش از این با شما توافق دارم زیرا ما شاهد بیداری بخش عظیمی از مسیحیان در امریکای لاتین می باشیم . اگر ما تحلیل مان را بر پایه این واقعیت و این شرایط واقعی بنا کنیم ، کاملا " صحیح و شایسته است که بگوئیم جنبش انقلابی باید برخورد صحیح با این موضع داشته باشد و باید به هر قیمتی شده از لفاظی های مکتب و ارانهای که در جهت عکس احساسات مذهبی مردم ، یعنی کارگران ، کشاورزان و طبقه متوسط عمل می کند ، بپرهیزد . چرا که استفاده از این گونه لفاظی ها فقط در خدمت نظام استعماری خواهد بود .

راه مجاهد :

تبیین مارکسیسم از انسان این است که اصلترین محرک انسان منافع اقتصادی و طبقاتی اوست . لذا مارکسیستها هر وقت می خواهند توده ها را بسیج کنند ، شعارهای اقتصادی می دهند ( کار ، مسکن ، آزادی ، نان ، افزایش دستمزد ) . حال این شیوه کف آقای کاسترو می گویند که توده ها را از طریق مذهب بهتر می توان بسیج کرد ، گرچه مذهب بعنوان ابزار و وسیله بسیج توده ها بکار می رود ولی باید سؤال کرد که با تعریف مارکسیسم از انسان چگونه مطابقت دارد ؟

ما خواهان آن هستیم که این عقیده تبیین فلسفی شود که چطور توده ها با شعار مذهب و عدالت بسیج می شوند ؟

کاسترو :

اگر شما اذعان کنید که بین فقیر و غنی ، سیاه و سفید ، کشاورزان بی زمین و اربابان تساوی روحی و معنوی وجود دارد ، آنگاه باید تصدیق کنید که تمام این مردان و زنان ، انسانهایی هستند که درست مثل سفید پوستان مثل اغنیان تن و روح دارند ، و باید از حقوق یکسان برخوردار باشند .

من مبارزه جاری شما را چنین می بینم . جای شگفتی نیست که چرا امپریالیسم که نظریه پردازان آن و سخنگویان آن حکومت را دارند ، موضع سرسختانه تری علیه الهیات آزادی بخش بعنوان یک عامل مخرب اتخاذ می کنند . یا برای چنین موضعی تبلیغ می کنند آنها عملا " مجبورند از این اصل پیروی کنند که ما حتی روح نداریم . چون اگر تن و روح داریم پس آنها باید بپذیرند که ما این حق را هم داریم که زندگی کنیم ، بخوریم ، سالم باشیم ، تحصیل کنیم ، سرپناهی داشته باشیم ، شغلی داشته باشیم و بطور شایسته زندگی کنیم .

راه مجاهد :

ما از اینکه آقای کاسترو این صداقت را دارند که واقعیت را در مورد مذهب دیده و اذعان کنند ، استقبال می کنیم . امیدواریم که مارکسیستهای کشورهای اسلامی هم چشم واقع بین داشته و نقش اسلام را در مبارزات آزادی بخش دیده و در خط مشی خود در نظر بگیرند .

کاسترو :

شخصا " آنچه بیش از هر چیز دیگر احترام مرا نسبت به شما بر می انگیزد ، آگاهی از اعتقاد عمیق و ایمان مذهبی شماست . اطمینان دارم دیگر مردان کلیسا هم که خود را درگیر با این مسئله کرده اند ، درست مانند شما هستند . اگر ما انقلابیون فکری کردیم شما صادق نیستید ، تمام حرفهایمان بی معنی می شود . نه تبادل نظر من و شما و نه عقیده اتحاد و حتی وحدت بین مسیحیان و مارکسیستها که قبلا " در نیکارا گویا مطرح کردم هیچکدام معنی و مفهومی نمی داشت . زیرا یک مارکسیست واقعی به یک مسیحی قلبی اعتماد ندارد همچنان که یک مسیحی واقعی به یک مارکسیست قلبی اعتماد نمی کند . تنها یک اطمینان متقابل می تواند شالوده " یک رابطه " مستحکم و پایدار را تشکیل بدهد . بگذارید مطلب را به همین بسنده کنیم ، ضرب المثلی می گوید : پیدا کردن یک دروغگو از پیدا کردن یک آدم چلاق آسانتر است " . ایمان یک مسیحی و یک انقلابی را نمی توان جعل کرد و دروغ پنهان نمی ماند .

راه مجاهد :

آقای کاسترو بجای مرز بندی مذهب و غیر مذهب برای وحدت نیروها ملاک صداقت را مطرح کرده اند . برخلاف رویه بقیه معتقدند مذهبهای با بینند و معتقدند قابل اطمینان ترند . ملاک صداقت از صفات الهی و در فرهنگ مذهبی قابل تبیین است که در تجربه به آن رسیده اند

در بیانان آقای کاسترو چندین نکته مهم و جالب توجه وجود دارد .

۱ - اینکه بعضی از مارکسیستها گمان می کنند هر کس به مذهب پایبندی ندارد مترقی تر است و از آنهاست که معتقد و پایبند هستند بعنوان افراد دم نام برده و از آنها دوری می کنند .

۲ - اینکه آقای کاسترو بجای مرز بندی مذهب و غیر مذهب برای وحدت نیروها ملاک صداقت را مطرح کرده اند . بقیه معتقدند مذهبهای پایبند و معتقد قابل اطمینان ترند ، ملاک صداقت از صفات الهی و در فرهنگ مذهبی قابل تبیین است که در تجربه به آن رسیده اند .

کاسترو :

من در این نقطه نظر با شما همی هم مارکسیسم یک دستاورد مهم در پیشرفت دانش اجتماعی است می فهمم چرا کسانی که از دیدگاه مذهبی به این امور توجه دارند علاقمند به یافتن توضیحی برای آن هستند و در این زمینه به تحقیق و پژوهش پرداخته اند و مارکسیسم را بعنوان یک ابزار در تجزیه و تحلیل خود بکار می گیرند . زیرا تحقیق باید بر شالوده " یک روش تجزیه و تحلیل علمی استوار باشد . آنان مارکسیسم را برای توضیح مسائل الهی ، متافیزیکی و فلسفی به کار نمی گیرند ، بلکه از آن در توضیح پدیده های اقتصادی اجتماعی و سیاسی استفاده می کنند . این شیوه کار پزشکان در تشخیص یک بیماری است . آنها روشها ، تجهیزات ساخت ایالات متحده ، فرانسه ، شوروی ، ژاپن و یا سایر کشورهاست . دانش فی نفسه بقیه در صفحه ۱۶



# نروم بازنگری به آموزشهای حوزه های علمی

از دیدگاه آیت الله سید محمد حسین فضل...

## در تأسیس میان حوزه و دانشگاه نباید مسائل را یکپارچه بررسی کرد

حوزه: در عین بی برنامگی حوزه های علمی ملاحظه می کنیم که تأثیر حوزه ها در زمینه های سیاسی- فرهنگی، از نقش دانشگاهها بیشتر بوده است؛ این پدیده را چگونه تفسیر می کنید؟  
استاد: شاید آزادی در حوزه، عامل مهمی در ایجاد این تأثیر باشد. البته ما، در این زمینه باید تمامی عناصر مثبت و منفی را به حساب آورده و مورد بررسی قرار دهیم درست است که حوزه های علمی رهبرانی بسیار مهم در زمینه های سیاسی و فکری، پرورش داده است؛ لیکن همزمان، هزاران جاهل و بی سواد را که فاقد هرگونه رشد فکری- سیاسی می باشند نیز، تولید کرده است. هنگامی که ما رهبران روحانی پیشرو و روشنفکر و آگاه را مورد بررسی قرار می دهیم؛ در کنار این افراد، نسلی از عمال برسران را مشاهده می کنیم که باری بسیار سنگین بر دوش حوزه و اسلام و مسلمانان بشمار می آیند. در حالی که ما، در میان فارغ التحصیلان دانشگاه (حتی اگر چه اندیشه عمیقی را دارا نباشند) حداقل تحصیلات منظم و تخصصی خود را فرا گرفته اند. برای نمونه ما در میان فارغ التحصیلان دانشگاه، هرگز افرادی را نمی یابیم که از رشته تخصصی خود آگاهی (گرچه این آگاهی اندک و در حد معلومات عمومی باشد) نداشته باشند. در حالی که ما معصومین و افرادی که عهده دار مسئولیتهای مذهبی می باشند را می یابیم که حتی از آگاهیهای شرعی و ضروری خود بی بهره اند. البته ما این خصیصه را انکار نمی کنیم که روش درسی در حوزه های علمی، طلبه ها را از عمق فکری و شخصیت علمی برخوردار می سازد؛ بنحوی که این روش، به طلبه ها

ما باید در فکر روش و راهی باشیم که به طلبه ها بفهمانیم که اصولی را که از نسبت الممال دریافت میکنند، تنها بدین خاطر است که درس خوانده و به قوم خود مراجعت کرده و آنها را آگاه کنند.

این فرصت را می دهد که با استاد خود به بحث و گفتگو پرداخته و نظرات خود را بیان کنند و این روش، باعث رشد فکری و پرورش شخصیت علمی طلبه می گردد و همین روش است که توانست رهبران فکری بزرگی را برای ما فراهم آورد؛ لکن در عین حال، نقاط ضعف بسیاری در این روش تدریس وجود دارد. از این رو هنگامی که قصد مقایسه میان حوزه و دانشگاه را داریم، باید نکات مثبت و منفی هر دو روش را در نظر بگیریم، نه آن که با دیدی یک طرفه مسائل را بررسی کنیم.

## باید تمام کتابهای اصولی و فقهی را تغییر داده تا با شرایط فعلی پیشرفت های شری مطابقت کند

حوزه: نظر خود را درباره کتابهای درسی که هم اکنون در حوزه های علمی متداول است، بیان فرمایید.  
استاد: به نظر می آید که حوزه ها، نیاز شدیدی به تغییر در این کتابها دارند. روش هر کدام از این کتابها، بر طبق سبک متداول در زمان مؤلفین آن، همچون شهید اول و دوم «ره» و یا شیخ انصاری و یا محقق خراسانی و غیره می باشد. مثلاً من ادعاه می کنم که کفایه نمایانگر نوعی از انواع «تعبیر مغل» می باشد بنحوی که در آن، اختصار و فشرده گویی و ابجاز، به مرحله اختلال به معنی و گنگی مطلب می رسد. البته این نحوه نوشتن، موجب نقص و عیبی در مرحوم آخوند نمی باشد، زیرا وی، کتاب خود را به زبان عربی به گونه ای به رشته تحریر در آورد و سعی کرد با حداقل کلمات و

در رشته حوزه شماره ۲۵ مصاحبه ای با استاد سید محمد حسین فضل الله به چاپ رسیده است، از آنجا که نظرات ایشان بعنوان رهبر حزب الله لبنان از اهمیت بسیار برخوردار است قسمتهای منتخب آن را در این شماره راه بها هدایت کرده ایم و به علاقمندان خواندن آنرا توصیه میکنیم  
فارغ التحصیلان نظام حوزه تخصص در شریعت اسلام  
تأسیس در اسلام؟!  
حوزه: در مورد نظام متداول در حوزه های علمی، آیا معتقدید که این نظام، در شرایط کنونی جهان، مفید خواهد بود؟  
استاد: من، معتقدم که حوزه، با نظام کنونی آن، قادر به انجام وظایف خود در جهان اسلامی نمی باشد؛ زیرا نظام تدریس در حوزه، به نحوی است که تنها فارغ التحصیلان آن افرادی هستند که متخصص در شریعت اسلامی می باشند و نه در اسلام. آنگونه که ملاحظه می کنیم می بینیم دروس عقاید، مورد اهمیت قرار نمی گیرد؛ لذا نمی بینیم پیشرفت و نوآوری در علم کلام به وجود آمده باشد و یا در مورد فلسفه، که هرگونه نوآوری را فاقد است و یا تفسیر قرآن، هرگز درس اساسی در حوزه بشمار نمی آید. نمی بینیم در حوزه، درسهای دربررسی ادیان جهانی باشد؛ طلبه ها، هیچ گونه اطلاعی از یهودی و یا نصرانی و یا بودائی و یا مذاهب هند ندارند. در حوزه، بحثهایی درباره بررسی مذاهب اسلامی نداریم ما در حوزه، بعنوان جزئی از جهان اسلام، می خواهیم ببینیم نظر دیگر مذاهب اسلامی از جهات عقیدتی مذهبی و شرعی، در باره ما چیست؟  
ما در حوزه، بحثهایی درباره جریانهای فکری و سیاسی معاصر از قبیل مارکسیسم، ملی گرایی و... نداریم. از این رو مشاهده می کنیم حوزه، با روش کنونی، هرگز نمی تواند برای جامعه، علمانی مسلمان که قادر به حل مشکلات آنان باشد تقدیم کند. اما آنچه را که مشاهده می کنیم که افرادی از حوزه های علمی، فارغ التحصیل شده و رهبری جامعه خود را به دست گرفته اند؛ این اشخاص، در واقع با سعی و کوشش و تجربیات شخصی و فردی خود توانستند به این مقام برسند و نه از میان نظام کنونی حوزه. لذا ما معتقدیم که در عین حالی که باید جهت عمق درس حوزه باقی باشد؛ بطوری که طلبه را برای رسیدن به مرحله اجتهاد آماده نماید و بتوانیم مجتهدینی جهت استنباط احکام شرعی به حوزه ها تحویل دهیم، تا این حرکت مستمر، قطع نگردد؛ معتقدیم و تأکید می کنیم که ضروری است که درسهای حوزه، توسعه داده شده به نحوی که طلبه پس از پایان مراحل درس حوزه، حداقل اطلاعات عمومی را دارا باشد. همانطوری که یک دانش آموز در دبیرستان، مجموعه ای از معلومات در علوم مختلف را به دست می آورد تا او را آماده تخصص در رشته معینی در دانشگاه نماید. همین گونه هم در حوزه باید عمل شود؛ که ابتداء، طلبه، معلومات متفاوتی بدست آورده و سپس با تکیه بر آن معلومات در رشته معینی از قبیل فلسفه و یا غیر از آن تخصص و خبرویت پیدا کند. تا بدین وسیله بتوانیم، در درگیریهای فکری که میان کفر و اسلام وجود دارد، ایستادگی کرده و با آنها مبارزه نموده و بر آنها فائق گردیم.

## آزادی که ما در حوزه داریم، آزادی بی نظم و ترتیب است

حوزه: از صحبت های شما، این گونه استفاده می شود که شما معتقدید که نظام حوزه، باید نظامی هم چون الازهر باشد و این، با آزادی تدریس و استقلال حوزه تعارض دارد؛ استاد: البته این، ضروری نمی باشد که حتماً باید نظام حوزه، همچون نظام الازهر بوده باشد؛ بلکه می توانیم جوانب مثبت این نظام کنونی را گرفته و جوانب منفی آن را رد کنیم. مثلاً می بینیم در حوزه، طلبه ملزم است کتابهای معینی در زبان و قواعد عربی، منطق، فقه، اصول، بلاغت و غیره را بخواند؛ به همین روش آزاد، می توانیم طلبه ها را به خواندن کتابهایی در تفسیر، فلسفه، علم کلام و بررسی ادیان و مذاهب واداریم و سعی کنیم که کتابهایی معین را نیز، در این رشته ها نوشته و در دسترس آنان قرار دهیم. بطوری که وقتی طلبه، داخل حوزه می شود؛ احساس کند همانطوری که درس فقه از دروس اساسی است؛ درس علم کلام، بررسی مذاهب و ادیان و... نیز، از دروس اساسی او می باشد. البته با حفظ آزادی تدریس.

البته به این نکته نیز، باید توجه کرد که آزادی که ما در حوزه داریم آزادی بی نظم و ترتیب می باشد. مثلاً وقتی شخصی وارد حوزه می شود، هرگونه اطلاعی از سابقه تحصیلات و سطح معلومات و یا سابقه سیاسی، فکری او نداریم و چه بسا این فرد، جاسوسی مزدور باشد و از این گذشته هیچ گونه نظارت و سرپرستی بر نحوه تدریس او نداریم. اما آنچه که امروزه متداول است که از این افراد، در زمانهای معینی امتحان گرفته و سپس برای آنان حقوق ماهیانه و شهریه قرار داده می شود؛ این امری است عادی و بی اهمیت. از این رو، ضروری است که به حوزه، نظم و ترتیب خاصی بدهیم، بطوری که آزادی درس و بحث را تضمین کرده، ولی در عین حال باید این آزادی در ضمن ضوابط معینی قرار بگیرد؛ تا کسی به آزادی تجاوز نکند. مثلاً بسیاری از معصومین را دیدیم که به قم و یا به نجف یا حوزه دیگری آمدند؛ یکی دو سال درس خواندند و سپس لباس روحانیت را به تن کردند و به شهر و یا کشور خود مراجعت کردند و مردم، آنان را در اعداد علما به حساب می آورند (من دون ای و قیب و للاحسب) و بدون آن که هیچ مرجع خاصی و یا اداره ای، این روابط را تنظیم و تحت نظر داشته باشد.

الفاظ (به روش خود) معانی فراوانی را تفهیم نماید. همینطور در کتابهای مرحوم شیخ انصاری که از بار علمی و فنی بالایی برخوردار است؛ لیکن نیاز به روش تازه و تجدید نظری در نوشتن و ترتیب مطالب آن، با رعایت عمق علمی و تحقیقی موجود در آن را داریم. یعنی این کتاب، نیاز به بازنویسی دارد؛ زیرا مطالب و قواعد علمی در آن، به نحوی درهم آمیخته است که طلبه پس از خواندن کتاب، نمی تواند در ذهن خود و بصورت منظم و علمی اصول و قواعد معاملات در مکاسب را به خاطر بسپارد؛ همچنین در دیگر کتابهای فقهی متداول مانند: لعمه، این کتاب، بر طبق مبانی اصول فقه متداول در زمان شهیدین «ره» و نیازهای آن وقت نوشته شده است و پس از آن، اصول فقه در زمینه مبانی استدلال، پیشرفت فراوانی کرده است. از این رو، ما نیاز به کتابهایی داریم که در آن، دو جنبه مورد توجه قرار گرفته باشد:

۱. کتابها و استدلالها و مبانی اصولی آن، باید بر طبق قواعد اصول فقه متداول و مورد قبول اصولین متأخر به تدوین درآید.
۲. بسیاری از فروع زائد و خارج از محل ابتلاء مسلمانان معاصر، از کتابها حذف گردد؛ زیرا برای نمونه شهیدین «ره»، کتاب لعمه خود را بنا بر نیازهای موجود در آن وقت نوشته در حالی که آن فروع، محل ابتلاء، امروزه از میان رفته و فروع جدیدی مورد ابتلاء قرار گرفته است که نیاز به پاسخ دارد. از این رو، ما مجبوریم مسائل فراوانی را از کتابهای فقهی حذف کنیم و مسائل جدید و مورد ابتلاء را جایگزین آن کنیم. مثلاً هنگامی که کتاب شرکت را در هر یک از کتابهای فقهی مطالعه می کنیم، نمی توانیم اطلاعات فقهی لازمی را در آن زمینه کسب کنیم و قدرت بر پاسخ به سؤالات مردم از شرکت را داشته باشیم؛ زیرا روش و کار شرکهای امروز، با شرکهای گذشته تفاوت بسیاری دارد. از این رو ما نیازمند کتابهای فقهی تازه ای هستیم که طلبه با مطالعه آنها، خود را با واقع بیشتر منطبق دیده و بداند که قادر است پاسخ گوی آنها با استدلال به روشهای علمی متداول است. لذا احساس می کنیم که باید تمام کتابهای اصولی و فقهی را تغییر داده تا با شرایط فعلی و پیشرفتهای جوامع بشری مطابقت پیدا کند؛ البته با رعایت ضوابط کتاب و سنت. توجه به این نکته ضروری است که هرگز این تغییرات در حوزه و کتابهای آن به وجود نخواهد آمد؛ مگر آن که حوزه، از صورت کنونی آن به در آمده و در قالب مؤسسه و تشکیلات منظمی اداره گردد. بطوری که افراد گروهی متخصص به وجود آید که کار آنها بررسی آخرین پیشرفتها در زمینه کتاب نویسی و روشهای تدریس باشد؛ تا بتوانند با در نظر گرفتن روش مناسب، کتاب مناسب را برای طلاب حوزه آماده کنند. این، روشی است که امروزه در تمام مراکز علمی جهان انجام می پذیرد و ما مشاهده می کنیم که تمام دانشگاههای جهان، هر ده سال، تمام روش درسی و کتابها و مضامین و محتویات آنها را بر طبق نیاز روز تغییر می دهند تنها بدین وسیله است که حوزه، می تواند خود را با پیشرفتهای جهانی همگام کرده و علمانی تربیت نماید که نیاز اندکی به تلاش، جهت مرتبط کردن آنان به عصر و دوران خود را داشته باشد.

## ایجاد هیئت ها و گروه های تخصصی و خبره که بتواند روش تدریس مناسب را تدوین کند

حوزه: از جواب شما، این گونه استفاده می شود که تنها راه تغییر روشهای درسی در حوزه علمی آن است که نویسنده کتاب، در بالاترین مراتب علمی از لحاظ طبقه بندی حوزه قرار داشته باشد.  
استاد: نه، این را نمی گویم؛ بلکه نظرم این است که این کتابهای درسی را شرایط خاصی تعیین می کند. مثلاً کتاب «منطق» و «اصول فقه» مرحوم مظفر در شرایطی در نجف بعنوان کتاب پذیرفته شد که بسیاری در حوزه، به این نتیجه رسیده بودند که بیشتر مطالب معالیم، قدیمی شده و مبانی اصولی آن را کسی قبول ندارد و این کتاب، از کتابهای بائنه بشمار می رفت. همچنین کتاب «منطق» وی، بدین خاطر کتاب درسی قرار گرفت که کتابی در منطق وجود نداشت. زیرا حاشیه، نمی توانست کتابی باشد که طلبه بتواند از آن، نظریات و اصول علم منطق را بیاموزد. از این رو، هنگامی که این دو کتاب در «کلیه الفقه» تدریس شد؛ بعضی از آن بعنوان کتاب درسی استفاده کرده و بتدریج تدریس آن رایج گردید. لذا ملاحظه می کنید که کتابهای درسی حوزه، هرگز از سوی گروهی متخصص برای حوزه تعیین نمی گردد؛ بلکه بعضی

وظیفه ما حفظ و تقویت اصلاح انقلاب است





# اخبار جنگ اسلام و کفر



## انگیزه حضور امریکا در خلیج و وظائف ما

مقدمه

در مراسم بزرگداشت شهدای سانحه هوایی در خلیج فارس بدست امریکای جنایتکار که در مسجد دانشگاه برگزار گردید برادر شمس الدین وهابسی از اعضای دفتر تحکیم وحدت سخنرانی پیرامون انگیزه حضور امریکا و وظایف ما ایراد کردند که بدلیل اهمیت شرایط کنونی جنگ و خلیج فارس محورهای این سخنرانی را می آوریم .

### شعار نبرد با امریکادون درک ماهیت اساس امریکا انحراف از مبارزه با امریکاست

شعار استراتژیک و اصولی انقلاب نبرد با امریکاست و شعار نبرد با امریکا بدون درک ماهیت اساسی امریکا انحراف از مبارزه با امریکاست . مسافانه در بین کشورهای اسلامی و حتی جبهه داخلی و نیروها خودمان بعضا شعار مرگ بر امریکا بدون درک روحیه سرمایه داری حاکم بر امریکا صورت میگیرد . امریکا را زمانی متجاوز میدانیم که به هوای ما مشوک بزند یا در وقتنام جلادی بکند یا قتل عامی در لبنان براه بپندارد حال آنکه تظاهر به سرکوب از جانب آنها تظاهر یک ماهیت اصلیت آنها یعنی روحیه حرص و آز و سرمایه داری حاکم بر امریکاست . بدون درگیری مستمر با امریکا مگر میشود دنیایی ساخت که بتوانیم در آن شعارهای اسلامی بدهیم؟

### انگیزه های حضور امریکا در خلیج و وظایف ما

هرد امریکا در خلیج یکسال قبل در اوج عملیات کربلای ۵ شروع شد زمانیکه آثار شکست عراق و حذف رژیم صدام خودشرا نشان میداد امریکا برای تثبیت نظام عراق وارد صحنه شد . این حضور نهمی جنگ تمام عیار با ما بود بلکه بعنوان یک کاتالیزور در منطقه حضور پیدا کرد تا بتواند عوامل و اتفاقاتی را که در منطقه ایجاد میشود کنترل کرده و با جریانات منطقه بطور حساب شده وارد عمل شود . امریکا برای حضور در خلیج بعنوان یک چهارچوب جغرافیایی عمل نکند بلکه مجموعه توان غرب و ناتورا وارد عمل کرد .

آنهايي که فکر میکنند واپن و ایتالیا و ترکیه چیزی برای سیاست امریکا هستند اشتباه میکنند آنهايي که فکر میکنند سازمان ملل و... سیاستی برای

سیاست امریکا دارند اشتباه میکنند شیوه امریکاست انهدام و صخ است .

مهمترین ضربه ای که ما در خلیج خوردیم غائله شدن از خودمان بود . ضربه های اخیر در جبهه ها که با بنام نقاط ضعف ما با نقاط قوت عراق مطرح می شود ناشی از حضور امریکا در خلیج است .

ما در طی یکسال اخیر به تحركات وسیع بین المللی دست زدیم . ضرر اساسی در غفلت از عدم بسیج امکانات عمومی برای جنگ تمام عیار با عراق بود . ما به سازمان ملل ، قطعنامه ۵۹۸ طرح دبیرکل و... امید بستیم و نتیجه اش غفلت از درون است .

پیروزی ما در صحنه جهانی همیشه تابع قدرت درونی ماست . مذاکره باید از موضع قدرت باشد آیا امکانات قدرت ما تحرك دیپلماتیک در خارج و فراموش کردن بسیج نیرو و امکانات در داخل است؟ اگر حتی امریکا قطعنامه ۵۹۸ و تحریم تسلیحاتی ماراهم نتواند به اجرا درآورد در صحنه سیاست جهانی بُرد بسیار زیادی داشته است . امریکا ده گام شعار میدهد تا به گام دوم شعارش برسد . آنها میخواهند مارا سمت و سوی دهند بسوی راه حل های دیپلماتیک و روشهای متداول و موجود در دنیا و نه راه حل های مکتبی و صحیح .

اگر در همین مسئله هوای پیماری دقت کنیم می بینیم تمام اخبار صدا و سیما خلاصه شده در اینکسه نخست وزیر فلان کشور محکوم کرده رئیس جمهور فلان کشور محکوم کرده و... در حالیکه در داخل دانشجویان مجلس بزرگداشت میگردانند ولی حرفی زده نمیشود . چرا نباید امکانات درونی خودمان را در اعتلای روحیه درونی خودمان بسیج کنیم؟ دلمان را به این مجیز گوئیها خوش میکنیم . ایمن نشان میدهد که تمام توجه ما به کجاست . مردم حاضرند نان خالی بخورند ولی بفهمند که



یک مبارزه جدی دارند . در جریان تسخیر لانه جاسوسی امریکا به یمن از نشنگ اران دریایی که از همه هیگمنندتر و فرمانده بقیه تفنگ ارها بود یکی از برادران گفت توسط بسیج خود به سایر تفنگ ارها بگوشلیم شو ند او از اجرای این امر سرباز زد فکر میکرد امریکا یا دولت موقت برای او

کاری انجام خواهند داد بعد یکی از برادران سلیبی محکمی به او زد بلافاصله دستو تسلیم داد . بحث بسور این است که امریکا بفرمده که ما با او در مبارزه جدی هستیم .

نکته اصلی این است که اگر ما تصمیم نگیریم آنها تصمیم میگیرند . مبارزه ما در کروی این است که تودید بخود راه ندهیم . ریشه دخالت امریکا در ایران تودیدی است که بر ما حاکم شده .

در شرایط فعلی در مورد مبارزه با امریکا و جنگ چند دیدگاه وجود دارد

۱- اسلام رفاه طلب سرمایه داری این جریان امریکا را به لحاظ عمق ماهیتش یسا نمیشناسد ویا مسامحه میکند . این جریان معتقد است رشد و توسعه اقتصادی در فضای صالمت و صلح امکانپذیر است و این رشد را برای کشور اصلی تر از هر چیزی میدانند .

۲- جریانی که معتقد به روابط صالمت آموز در شرایط کنونی با امریکاست تا بتوانیم در جنگ بسا عراق پیش برویم سیاست تبلیغاتی صدا و سیما در این فاز است .

۳- جریان سوم معتقد است چون نتوانستیم امکانات داخلی را در جهت جنگ قرار دهیم لذا جنگ با عراق را راکند و به امریکا بپردازیم . این تفکر هم غلط است که قبول میکنم ما توان و امکانات زیادی داریم که میتوانیم علیه امریکا و عراق بکار ببریم ولسی معتقد است چون نتوانستیم اینکار را بکنیم فعلا بسا امریکا بپردازیم .

۴- جریان چهارم معتقد است ما توان و امکانات مبارزه با عراق و امریکا را داریم و لذا باید درگیری حساب شده را با امریکا سازماندهی کنیم و درگیری با عراق را شدت بخشیم .

عوامل درنگ ما در جنگ

۱- فراموشی استراتژی ضد امریکایی

۲- تفاوتی امام و پیامه

۳- کاهش روحیه نظامی در کشور

۴- تلقی نکردن مسئله عدالت در جنگ

۵- عادی سازی مسائل در داخل

### مصاحبه ریچارد مورفی پیرامون

### جنگ ایران و عراق ، منطقه

### و خلیج فارس

ریچارد مورفی معاون وزارت خارجه امریکا در پی سفر به کشورهای خلیج فارس در یک مصاحبه

گفتم که: دلت؟ گفت: لبالب ز امید

گفتم: سخت؟ گفت: شعار توحید

گفتم: به چه ره بایدمان رفتن؟ گفت:

آن راه که می روند یاران شهید

مطبوعاتی شرکت کرد و نظراتش را پیرامون جنگ ایران و عراق و منطقه خلیج فارس بیان کرد که متن آن از رادیو امریکا پخش شد . به لحاظ آشنایی هر چه بیشتر با نظرات و مواضع کارگزاران شیطان بزرگ امریکا و خطوط آینده آنها در جنگ تحمیلی ضمون صاحب مورفی را می آوریم .

مورفی در ابتدای مصاحبه اعلام کرد: ایران ثبات و امنیت خلیج فارس را بهم زده است لذا امریکا خود را متعهد میبیند که در زمین و هوا و دریا ثبات منطقه را حفظ کند . امریکا در کنار کشورهای خلیج خواهد بود و از کشتیرانی بیطرفی که بیگناه مورد حمله قرار میگیرند دفاع میکند .

س- آیا امریکا در حال مذاکره مخفی با ایران است آیا ایجاد رابطه بین ایران و فرانسه و انگلیس و پذیرش جلال طالبانی در سطح بالای دیپلماتیک در امریکا نشانه روند رابطه ایران با غرب نیست؟

ج- در مورد رابطه سایر کشورها با ایران به خود این کشورها مربوط میشود . در مورد حلال طالبانی ما او را در حد بالا نپذیرفته پذیرش ما در این حد بود که به او اعلام کردیم ما با عراق رابطه داریم و لازم است مسئله کرد ها در چهارچوب کشورهای منطقه حل و فصل شود . ما نخواستیم این رابطه بسا طالبانی دخالتی در اوضاع داخلی کشور عراق باشد

نکته اصلی این است که اگر ما تصمیم نگیریم آنها تصمیم میگیرند . مبارزه ما در کروی این است که تودید بخود راه ندهیم . ریشه دخالت امریکا در این تودیدی است که بر ما حاکم شده .

این حضوره برای جنگ تمام عیار با ما بود بلکه بعنوان یک کاتالیزور در منطقه حضور پیدا کرد تا بتواند عوامل و اتفاقاتی را که در منطقه ایجاد میشود کنترل کرده و با جریانات منطقه بطور حساب شده وارد عمل شود .

در مورد مذاکره مخفی با ایران ما هیچگونه مذاکره ای در حال حاضر نداریم . پذیرش طالبانی هم به منزله رابطه مخفی با ایران نیست . تا زمانیکه ایران ثبات منطقه را بهم میزند تا زمانیکه ایران از توریسم حمایت میکند تا زمانیکه ایران از گروهانگیری حمایت میکند تا زمانیکه ایران قطعنامه ۵۹۸ را نمی پذیرد ما مذاکره ای با ایران نداریم ما حاضر نیستیم با هر کسی که خود را نماینده جناحها در ایران معرفی میکند مذاکره کنیم هرچند که عدم رابطه با ایران به ضرر ماست ولسی حاضر نیستیم در این شرایط با ایران مذاکره کنیم مگر اینکه فرد مسئول در حکومت ایران حاضر باشد با امریکا مذاکره کند آنوقت ما هم مذاکره میکنیم

س- این جنگ خانمانسوز ۸ سال است ادامه دارد شما راه حل پایان این جنگ را چه میدانید؟

ج- ما معتقدیم این جنگ خانمانسوز بوده و باید هر چه سریعتر پایان یابد . تنها راه حل پایان جنگ نیز قطعنامه ۵۹۸ است و ما مصمم به اجرای این قطعنامه هستیم . تا کنون ایران از پذیرش این قطعنامه خودداری کرده است و لذا ما معتقد به تحریم تسلیحاتی ایران میباشیم . ما با شوروی و چین و سایر کشورهای عضو شورای امنیت مذاکره میکنیم تا تحریم تسلیحاتی بر علیه ایران برقرار شود .

س- با توجه به شرایط جدیدی که هم اکنون در جبهه ها پیش آمده و عقب نشینی ایران آیا فکر بقیه در صفحه ۱۹

# جنگ ما جنگ با بر قدرتهای شرق و غرب نیست ، جنگ ما جنگ مکتب ماست علیه تمامی ظلم و جور

# ۱۰ ریشه‌یابی اجمالی از مواضع رسالت

## انگیزه نگارش:

امام خمینی طی سخنانی که بمناسبت هفته دولت بیان فرمودند مواضع روزنامه رسالت را که به تضعیف دولت می انجامید، مورد انتقاد قرار دادند. هر چند مسئولان روزنامه دریافتند که روی سخن امام با ایشان است و اشتباه خودشان را پذیرفتند. لیکن تا بحال ریشه‌یابی مواضع گذشته را در روزنامه ندیده ایم لکن تکرار آن وجود دارد. حال که نیاز به یک بازنگری از جانب مسئولان روزنامه مطرح شده است، مواضع ستوال برانگیز این روزنامه را ذکر میکنیم تا بلکه مورد توجه قرار گیرد و ریشه‌یابی شود.

لازم به ذکر است که بدنبال فرمایشات امام از جانب شخصتهای مختلف برخورد های با روزنامه رسالت شد که تقریباً هیچکدام در جهت ریشه‌یابی و اصلاح اشتباهات نبوده است. امیدواریم این مقاله یک گام در مسوئانه در این جهت تلقی شود. در این مقاله فقط به ریشه‌یابی اجمالی اکتفا می شود و ریشه‌یابی عمیق را در نامه سرگشاده به جامعه مد رسن در زمستان ۶۲ مطرح کرده ایم و به آن ارجاع میدهیم.

## ویژگیهای اسلام آمریکایی

روزنامه رسالت در سرمقاله‌ای بنام " اسلام آمریکایی را بهتر بشناسیم" بتاريخ ۶۷/۱/۱۷ ویژگیهای اسلام آمریکایی را در ۸ محور زیر بر شمرده است:

الف - اسلام آمریکایی در ظاهرها و رفتار آزادی مردم در انتخابات را مطرح میکند ولی در عمل به آزادی و رای مردم اعتقادی ندارد.

ب - اسلام آمریکایی همیشه در ظاهر شعار حمایت از مردم و حمایت از محرومین را سر میدهد ولی در پنهان با سرمایه داران بندوبست دارد.

ج - اسلام آمریکایی خصومت دیرینه با روحانیت اصیل اسلام دارد دستش به خون شیخ فضل الله ها، مدرسه ها، مطهریه ها، بهشتیه ها آغشته است اسلام آمریکایی بنا حوزه علمیه و فقاهت محمد مخالف است و لذا تلاش میکند تا روحانیت و حوزه علمیه و فقه را از صحنه انقلاب حذف کند و خود را بگزین آن گردد.

د - اسلام آمریکایی با ولایت فقیه و اختیارات گسترده حکومتی ولی فقیه مخالف است.

ه - اسلام آمریکایی با مبارزین بی سر سابقه که زجر کشیدگان انقلابند... بشدت مخالف است.

و - اسلام آمریکایی ارتباط مردم با روحانیت اصیل خط امام و هما هنگی آنها را مانع پیشرفت خود میداند و لذا تلاش میکند تا با هر حیل و ترفندی این ارتباط را ضعیف کند.

ز - اسلام آمریکایی حیات خود را در تفرقه و اختلاف و تشنج مبیند لذا تلاش میکند در تمام

سطوح کشور در مراکز تصمیم گیری اختلاف و دودستگی بوجود آورد.

ح - اسلام آمریکایی همیشه سعی میکند از افراد ساده لوح و زودبایوری که دارای اعتبار و شهرت اجتماعی باشند بعنوان سپر بلا استفاده کند... کودرزی و رجوی و مهدی هاشمی همه چهره های مختلفی از اسلام آمریکایی هستند همه شعار تند دشمنی با آمریکا و سرمایه دار و حمایت از محرومین سر میدادند و همه نیز در جهت منافع آمریکا حرکت میکردند.

۱ - اولاً - ذکر اینکه " اسلام آمریکایی با روحانیت اصیل اسلام خصومت دیرینه دارد" نوعی اعتراف به وجود جناح بندی در روحانیت است علاوه بر این اسلام آمریکایی با روحانیت اصیل و جناح اصیل هر صنف و جریانی مخالف است نه با روحانیت غیر اصیل و عاقبت طلب و حامی سرمایه دار و مرفه بی درد.

ثانیاً - هم ردیف کردن مرحوم شیخ فضل الله نوری با شهدایی چون مدرس و مطهری و بهشتی بدون اینکه هیچ سنخیت خطی جز لباس روحانیت با هم داشته باشند نوعی تحریف در تاریخ سیاسی ایران است شهید مدرس نمایندگی مجلسی را پذیرفت که فلسفه وجودی آن از طرف مرحوم شیخ فضل الله مورد تردید بوده است بطوریکه ایشان از موضع دفاع از سلطنت قاجار، به تسویب بستن مجلس توسط لیا خوف روسی را توجیه شرعی مینماید ( ر. ش - مکتوبات و نامه های شیخ شهید نوشته محمد ترکمن) شهید مطهری و شهید بهشتی، حریت و مساوات را از مبانی اسلام میدانستند ولی مرحوم شیخ فضل... نوری از این موضع که چون اسلام با اساس حریت و مساوات مخالف است و مشروطه خواهان اساس حرکتشان بر حریت و مساوات قرار دارد، اساس مشروطه را غیر مشروع اعلام میکند غافل از اینکه چنین تحلیلی به تثبیت استبداد و تبعیضات ظالمانه سلطنت قاجار خواهد

انجام مید. همسویی شیخ فضل... با استبداد قاجار تا حدی بود که مراجع نجف یعنی آخوند ملاکظم خراسانی، عبدا... مازندرانی و میرزا خلیل، طی نامه ای از مجلس دفاع کرده و مخالفت با مجلس شورای ملی را مخالفت با شرع انور و در حکم ارتداد قلمداد میکنند و مرحوم علامه نائینی در رابطه با تعیین فقهی و فلسفه وجودی مشروطیت و مجلس شورای ملی اقدام به نگارش کتاب " تنبیه الامه و تنزیه المله" مینماید ( ر. ش. به مقاله مستند مندرج در راه مجاهد ۲۶).

۲ - درست است که در ایجاد جدایی بین مردم و جناحی از روحانیت، عوامل بیرونی نقش دارند ولی این عوامل بیرونی بدون وجود نقاط ضعف در رابطه با پیوند این جناح با مردم مستضعف توفیقی نخواهد یافت بنا بر این هر جناح و جریانی بایستی در ریشه‌یابی جدایی خود از مستضعفین به علل درونی بیش از عوامل بیرونی بپردازد و اقدام به تصحیح خط مشی خود به سمت پیوند با مستضعفین نماید.

۳ - در رابطه با شیوه دامن زدن به تشنج و اختلاف، عمده کردن دوقطبی‌های کاذب چون بخش دولتی - بخش خصوصی، فقه سنتی - فقه آمریکا و اسلام رساله‌ای - اسلام التقاطی و... از نمونه‌های بارز این شیوه غیر اسلامی میباشد. امیدواریم روزنامه رسالت پیرامون موارد فوق نیز موضع گیری نماید.

۴ - اقدام نویسنده در تشریح ویژگیهای اسلام آمریکایی بی نفعه قابل تقدیر است زیرا آنرا از حالت مارک خارج کرده اند ولی جمع بندی مقاله بنحوی انجام گرفته که آنها را مات و شوشالاتی راد ذهن خواننده ایجاد میکند. جهت رفع این ابهام یعنی مرز بندی اسلام آمریکایی و اسلام التقاط با مارکسیسم توضیحاتی را لازم میدانیم:

تاکنون از جانب عنا صربنیا در رسالت، عناصری چون رجوی و گودرزی و سید مهدی هاشمی بعنوان جریانات التقاطی معرفی میشدند منظور از التقاط نیز مخلوط کردن اسلام با ایدئولوژی مارکسیستی بود اکنون که این جریانات بعنوان اسلام آمریکایی معرفی میشوند لازم است که درباره این جرخش ۱۸۰ درجه‌ای توضیحاتی داده شود.

امام خمینی ویژگیهای اسلام آمریکایی را صریحاً ذکر کرده اند که عبارت بود از اسلام مرفهین بی درد، اسلام سرمایه داران، اسلام فرصت طلبان. بنظر ما اسلام آمریکایی

جریان اسلام امریکایی با دستهای مرموز و شبکه های سیا و موساد و انتلجنت سرویس که پایگاههای امپریالیسم در داخل هستند درگیر میشوند.

ویژگیهایی را داراست که امام خمینی در طول حرکتشان با آن برخورد داشته اند که ما ذیلاً به برخی از این ویژگیها اشاره میکنیم جهت تفهیم آمریکایی از دیدگاه روزنامه رسالت مقاله ای بیشتر رجوع شود به مقاله های " پیرامون بنام " خطا اسلام آمریکایی در عناصر صربیه هویت التقاط " ( راه مجاهد ۴۰) " اسلام رویاروی و چهره نفاق آنها نهفته است" به تاریخ غرب، اسلام مکمل غرب " ( راه مجاهد ۴۰) " ۶۷/۲/۲۵ در این روزنامه به درج رسیدگی اساس خوش بینی به غرب " ( راه مجاهد ۴۰) ویژگیهای عناصر " بی هویت" یا نمایندگان دیدگاههای امام خمینی و آموزشهای رایج اسلام آمریکایی را در ۸ محور زیر بر شمرده است:

۱ - اولین حرکت عناصر صربیه هویت، انکار شاکه رجوی و گودرزی و سید مهدی - هویت عناصر صربیه هویت و تخریب شخصیت هاشمی و همه گروههای چپ نما را اسلام آمریکایی آنها است. می خوانید، خوب است توضیح دهید که مظهر

آنها که تصور می کنند مبارزه در راه استقلال و آزادی مستضعفین و محرومان جهان با سرمایه داری و رفاه طلبی منافات ندارد، با الفهای مبارزه بیگانه اند

لام خمینی

بقیه از صفحه ۱۸

# سخن امام رئیس‌جمهور مستعفی

می‌کشاند به پاکسازی چنین افکار  
در حوزه‌ها بپردازد و میدا آمریکا را از روحانیت  
برای همیشه قطع نماید.  
با توجه به تجربه مجاهدین خلق در سال ۵۴،  
که اختلافات ایدئولوژیک به درگیری‌های  
نظامی و برادرکشی کشید، توصیه ما به رجوع  
این بود که با اقدام به یک ریشه‌یابی  
ایدئولوژیک جلوگیری از این ضربه‌ها را بگیرد.  
ولی او با این اختلافات برخورد تشکیلاتی کرد  
و دیدیم که دوباره این برادرکشی در سطحی  
وسیع تکرار شد. اکنون نیز در مورد  
اختلافات موجود که از ریشه‌های ایدئولوژیک  
برخوردا راست احساس نگرانی می‌کنیم.

## سابقه مبارزات کاندیداهای مجلس سوم

رسالت ۶۷/۲/۲۵  
... یکی از امتیازات بسیار ارزشمند  
برای افراد مبارز، طول سابقه آنان در  
مبارزه است زیرا آن قهرمان بزرگوار که  
در ایام سیاه اختناق صبر نموده و در سیاه  
چالهای دشمن شکیبایی نموده و در برابر  
شکنجه‌های اومقاومت نموده و سالها زندان  
و تبعید و اسارت و محرومیت را تحمل نموده،  
با آن عزیزی که در دوران قدرت انقلاب به  
انقلاب پیوسته است فرق بسیار دارد.

ارزش بودن سابقه مبارزاتی از شرایط  
لازم هر کاندیدایی محسوب میشود ولی برای  
جلوگیری از القاء شبهه در رابطه با تشکیلاتی  
موجود شرکت کننده در انتخابات مجلس سوم  
توضیحاتی را لازم میدانیم.

۱ - ملاک فعلیت افراد بوده و سوابق  
نقش ثانویه و ارزش بخش در رابطه با فعلیت  
افراد دارد. با این مرزبندی، افرادی  
که از سابقه مبارزاتی برخوردار بوده و

۲ - در موردی موضعی باید گفت که  
بسیاری از روحانیین و مدرسین و فضلا و مراجع  
درباره مسائل سیاسی روز اظهار نظر نمیکنند  
و برخی اساساً "گامی به این مسائل ندارند  
بنظر میرسد نویسنده مقاله برخلاف نظر رهبران  
روزنامه رسالت، قشر عظیمی از روحانیت را  
زیر سؤال برده است.

۳ - با توجه به اینکه واژه "اسلام  
آمریکایی" در فرهنگ سیاسی - مذهبی شما  
نمی‌گنجد و اولین بار هم امام خمینی این  
واژه را بکار بردند یا بهتر نیست که طی  
نامه‌ای از امام بخواهید که تفسیر خود را از  
واژه "اسلام آمریکایی" به تفصیل بیان  
کنند که اینک آیت‌الله صافی در مورد یک  
لایحه اقتصادی نامه مفصلی به امام نوشتند  
و نظریاتشان را جویا شدند. شما که خود را روزنامه  
روحانیت میدانید و به تحلیل‌های روشنفکری  
حمله میکنید بهتر است در این مورد نظر امام  
خمینی را مستقیماً جویا شوید و مردم را در  
جریان این مسئله قرار دهید. در بین مردم  
شایعاتی وجود دارد مبنی بر اینکه روزنامه  
رسالت از مصداق اسلام آمریکایی است.

بنظر میرسد که بحث‌های این روزنامه درباره  
اسلام آمریکایی بدون نظرخواهی از امام با  
توجه به شایعات فوق، یقیناً ورنخواهد بود.  
۴ - بنظر میرسد که شما مرزبندی "اسلام  
آمریکایی - اسلام محمدی" را صرفاً "در  
مسائل سیاسی و تشکیلاتی خلاصه کرده‌اید حال  
اینکه واژه "اسلام" از یک بار فلسفی،  
اعتقادی، ایدئولوژیک برخوردار است مردم  
انتظار دارند که در جوه جهان بینی، نحوه  
نگرش به قرآن، روش تفقه‌دردین و ...  
مرزبندی بین "اسلام محمدی - اسلام  
آمریکایی" روشن گردد. در حال حاضر  
روشهای شناخت زیادی وجود دارد از جمله  
روش استقراء علمی، روش منطقی ارسطو،

## ایشه‌یابی اجمالی از مواضع رسالت

۲ - بی‌هویتیها .... همواره برای به  
دست آوردن احساس اطمینان، در بی‌نفوذ  
در جمعیت و تشکیلات، هستند.

۳ - بی‌هویتیها در هر گروه و تشکیلات و قشری  
نمی‌توانند نفوذ داشته باشند، ویژگی‌گروهها  
و اقشار اجتماعی که بی‌هویتیها خود را به آن  
منتسب میکنند این است که سازمانهای  
اجتماعی این اقشار هرگز با کار در ثابت باقی  
نمانند .... مثلاً در تشکیلات سابقه‌دار -  
روحانیت، عناصر کار در همگی از حسی  
مشخص آمده اند و از سابق با هم آشنایی دارند  
.... اما بطور مثال در سازمانهای دانشجویی  
عده‌ای از دانشجویان مخلص و با حساسیت برای  
مدتی (بطور نمونه در طول تحصیلات خود) وارد  
کار سیاسی میشوند. و چون این دوران به  
سرمی‌آید، می‌روند و جای خود را به دیگری  
می‌سپارند، سابقه‌دار بودن در چنین  
تشکیلاتی معنی ندارد ....

۴ - بی‌هویتیها برخوردارهای دینی را با  
مسائل کم رنگ میکنند چون اساس حرکت آنها  
قطع ریشه دین است که رشناسی کردن، سو  
استفاده از نوعی احساسات منطقی نسلی  
روشنفکر تحصیل کرده است که با تکیه بر علوم  
و تخصص خود، جامعه مبتنی بر عقل و منطق  
اداره گردد.

۵ - عناصر بی‌هویتی در مسائلی که  
تکلیفش از نظر رهبری و مذهبی روشن است  
برخورد توضیحی و بیانی نمیکنند و از تفسیر  
و ارائه نظر حذر میکنند آنها به سراغ مسائلی  
می‌روند که در نظام ارزشی از آنها تعریف  
مناسب، قابل تفهیم و تعمیم اجتماعی  
بدست داده نشده است ....

۶ - تبلیغات و شعارهای عناصر بی‌هویتی  
ظاهری، مردمی داشته و کاملاً همگام با آخرین  
شعارهای هدف دار ملت بنظر میرسد ....

۷ - ایجاد تعصبات جنجالی ....  
۸ - قطع ارتباط بین رهبران

راستین و رهبران نشان یعنی روحانیت ....  
۱ - در تحلیل فوق، وجود کار در ثابت در  
روحانیت دال بر غیر قابل نفوذ بودن آن و عدم  
وجود کار در ثابت در تشکیلات دانشجویی دلیل بر  
قابل نفوذ بودن آن قلمداد شده است این  
توصیه از چند جنبه قابل بررسی است:  
اولاً - غیر قابل نفوذ دانستن  
روحانیت القاء نوعی ساده اندیشی در این  
صفاست که این ساده اندیشی زمینه نفوذ  
دستهای مرموز را تقویت خواهد نمود.

ثانیاً - تشکیلات روحانیت نفوذیهای  
مرموزی چون شیخ حسین لنگرانیها، نوغانیها،  
مناقبیها، سید حسن امامیها، روحانیها و  
.... دارند دستهای مرموزی چون مظفر بقایی  
و جریان وابسته وی در تشکیلات حنا حسی از  
روحانیت نفوذ داشته و دارند و وجود چنین  
عوامل مرموزی غیر قابل نفوذ دانستن  
روحانیت برای چه دستهایی چتر امنیتی  
ایجاد خواهد نمود؟ وجود کار درهای ثابت دلیل  
بر غیر قابل نفوذ بودن یک تشکیلات نخواهد  
بود ریشه نفوذ را با ایستی در میانی ایدئولوژیک  
و استراتژیک و تشکیلاتی (مسائل امنیتی و  
ضوابط تشکیلاتی) جستجو نمود.

ثالثاً - عناصر کار در تشکیلات دانشجویی  
بر خلاف ادعای نویسنده متغیر و غیر ثابت است  
نمیباشد بلکه پس از اتمام تحصیلات خود نیز  
از محیط دانشگاه جدا نمیشوند و در رابطه با  
مسائل دانشگاهی شغال میگردند.

بنظر میرسد روزنامه رسالت مرزبندی "اسلام آمریکایی - اسلام محمدی"  
را صرفاً در مسائل سیاسی و تشکیلاتی خلاصه کرده است. حال  
اینکه واژه اسلام از یک بار فلسفی ایدئولوژیک برخوردار است  
مردم انتظار دارند که در جوه جهان بینی نحوه نگرش به قرآن  
روش تفقه در دین و ... مرزبندی بین اسلام آمریکایی اسلام محمدی  
روشن گردد.

بتدریج منحرف شده باشند و فعلیت آنها به  
خطی غیر انقلابی و یا ضد انقلابی استحال  
یافته باشد، سوابق آنها دلیل بر تائید  
انحرافات فعلی نخواهد بود افرادی چون  
طلحه و زبیر و رجوع و جریانهای سیاسی غیر  
انقلابی که با جریان اسلام آمریکایی پیوند  
خورده اند از این حمله اند. ولی از بیسی  
افرادی که فعلیت انقلابی دارند آن فردی  
جریانی که از سابقه مبارزاتی نیز برخوردار  
است ارزش بیشتری خواهد داشت. امیدواریم  
که روزنامه رسالت به سوابق مبارزاتی  
سایر جریانهای سیاسی نیز به داد دهد -  
برخورد با اختلافات فکری به جای استفاده  
از مارک التقاط سعه صدر بیشتری نشان  
دهد.

روشن دیا لکتیک، منطق توحیدی اصالت  
وجود.  
نیا از انقلاب ما این است که روش تفکر  
قرآنی و اسلامی روشن گردد و روشهای شرقی و  
غربی پاکسازی شود تا بطور بنیادی و همه  
جانبه با شرق و غرب درگیر شویم و الا به هر  
شعاری نمیتوان اعتماد نمود. امام خمینی  
مواضع زیادی در این رابطه داشته اند از جمله  
اینکه "فلسفه یونان با فلسفه اسلام،  
زمین تا آسمان تفاوت دارد" کتابهای  
ارسطویی بوی از قرآن نبرده اند". با  
توجه به نفوذ افکار یونانی در آموزشهای  
رایج، آیا بهتر نیست که شما به جای  
درگیریهای سیاسی که مملکت را به آشوب

پاک و صاد قانه خود به جای دوری نرفتند  
در پیشگاه خداوند حق وزنده هستند. این  
منطق برخلاف منطق صوری و ظاهری، منطق  
باطن و عمق پدید آمده ها و منطق قرآن که همان  
والآخِرَةُ خَيْرٌ وَأَبْقَى (که آخرت بهتر و  
پایدارتر است)، می باشد.

... البته کشوری همانند ایران که  
در رصد تحقق اهداف بلند اسلامی است  
ممکن است نرازاها و تشبیهایی داشته باشد  
همانگونه که در رصد اسلام نیز چنین بسوده  
است ولی برای یک ملت بزرگ هیچ پیروزی  
بالا ترا تصمیم و عزم و اراده استواران برای  
رسیدن به حق نیست. که بحمد الله خداوند  
آن راه مردم کشور ایران عنایت نموده است و  
مابه یاری خدا و اهانت و اراده پولادین مردم  
در برابر همه مشکلات خواهیم ایستاد و  
همانگونه که به برکت ایمان و توکل مردم و  
رزمندگان، به پیروزیهای بزرگ و معجزه  
آسایش رسیده ایم و هر روز ما روز موفقیت و  
امتحان جدیدی بوده است، بعد از این نیز  
به راه خود ادامه می دهیم ...

راه مجاهد:  
در واقع در این قسمت از پیام امام، هر  
امتحان و تجربه‌ای را برای انقلاب یک موفقیت  
جدید میدانند. هر چند که در ظاهر  
تجربه ناموفق باشد اما در باطن به خاطر  
رشد و عمق انقلاب و یادگیری و جمع بندی  
از آن می‌تواند موجب تکامل انقلاب گردد.  
حرف آخر را با خدا آمیان در صحنه حماسه و  
جهاد و شهادت میزنیم.

"... رزمندگان عزیز و دلور ما اعم از  
ارتش و سپاه باتکیه بر ایمان و سلاح و امید  
به نصرت حق و حمایت بی شائبه مردم به  
نبرد و دفاع مقدس خود ادامه دهند و عزمها  
را حزم کنند و بر دشمن زبون بتازند و با همت  
خود افتخار نصرت و پیروزی را به ارمغان آورند  
که سرنوشت جنگ در جنبه‌ها رقم خورد،  
نه در میدان مذاکره ها و یاری خداوند و  
دعای خیر حضرت بقیه الله ارواحنا فداه  
حرف آخرمان را با خدا آمیان و جهان خواران  
در صحنه حماسه جهاد و شهادت میزنیم  
و از خداوند نیز صبر و در می طلبیم. خداوند  
یار و ناصر مجاهدان و رزمندگان ما باد."

حج بیرون و بی‌تحرك و قیام، سجده بی‌برائت، حج بی وحدت، و حجی که از ان هدم کفر و شرک بر نیاید، حج نیست

اسلام خمینی

# مذنب علیه مذنب

بقیه از صفحه ۶

خود را ملی کنند. علاوه بر امپریالیسم و سلاطین با دو جریان دیگر، اولی دکانسیسم چپ و دومی جریان مذهبی منحرف، مواجبه شدند. فراموشی نیز در کنار اینها قرار گرفتند. مثلا در ایران در زمان اوج گیری نهضت ملی شدن نفت بدیدیم که چگونه دکانسیسم چپ (توده نفتی) و یک جریان مذهبی در کنار فراموشی نفت قرار گرفته و علیه جریان اصلی کودتا کردند که دو هدف داشت. الف - انتقال قدرت از دربار به مجلس و قانون اساسی. ب - ملی کردن صنعت نفت در سرتاسر ایران.

در جریان انقلاب ضد سلطنتی هر نیکو مرحوم عبدالناصر با ملی کردن کانال سوئز اجا نمی چون انگلیس، اسرائیل و فرانسه دست و پنجه نرم میکرد. از یکطرف فراموشی نفتی و صهیونیسم بین المللی به او کینه داشتند و از طرف دیگر بخشی از جریان مذهبی اخسوا بن الصنمین نیز که ناسیونالیسم را طاقوت میدادند به مقابله با او پرداخته و حتی اقدام به ترور ناصر کرد و دکانسیسم چپ هم که جای خود داشت فراموشیها که با هیئت ملی مذهبی طغیان مسلمان مخالفند، در کنار چنین برداشتهایی از اسلام قرار میگیرند و اسلام انگلیسی یا امریکایی یا نفتی مطرح میشود.

قابل توجه اینکه خواست یک ملت مسلمان، ملی عدل طلب و ضد ظلم در شعار ملی شدن نفت یا ملی شدن کانال سوئز و تضعیف دربار مشهود میشود. آنگاه آن برداشتهای ظاهراً مذهبی در کنار دربار و شرکتیهای فراموشی قرار میگیرد.

## مولود طبیعتی، از اسلام انقلابی با اسلام آمریکا

آمریکا در رأس ملحدین جهان

در حال حاضر شاهد برداشت انقلابی امام از اسلام هستیم که معتقد است آمریکا در رأس ملحدین جهان است. همچنین بواطن از شرکین (کدر رأس آنها آمریکا است) را جز فاسک حج و از واجبات میداند. و بدین آن حج، حج نموده و مورد قبول خداوند نمیشد از طرف دیگر سادات معدوم (سادات انبیا امروزی) را همینم که موقع عقد قرارداد کسب دید برای توجیه میکت. اهل کتاب (آمریکا و اسرائیل و کشورهای اسلامی) که خدا را قبول دارند بایستی علیه بی خداها و کفرنویستان متحد شوند. بهمین دلیل است که اسلام کسب دیدی بر سرزبانها افتاده است. اسلامیکه حکام خون آشام و جنایز آمریکا را اهل کتاب معرفی میکند.

در حالیکه اسلام انقلابی امام بواطن از آمریکا را از ارکان دین میداند، اسلام ضیاء الحق ها و ملک فهد ها، آمریکا را اهل کتاب قلمداد کرده و وابستگی به آنها مباح، بلکه واجب میدانند.

آمریکا به دلیل بزرگی فرا ملیتی اش حاضر است تمام مین رضی کشورها را ببیند، در صورتیکه آن کشورها مقابله و متنی در برابر توسعه طلبی شرکتیهای فرا ملیتی ننمایند این مطلب مهمی است که بسیاری از نیروهای ملی مذهبی ما از آن غافل بوده و بنا خود آگاه کارشان به رویارویی با انقلاب و امام میکشد.

## جهاد در رأس احکام و جنگ با کسب دید در رأس امور

در حالیکه اسلام انقلابی امام، جهاد را در رأس احکام و جنگ با کسب دید را در رأس امور میدانند، ضیاء الحق سعی دارد، با اسلام نمایی شکل نمازهای یومی را، رأس احکام قرار دهد و امری به معرّفی، نهی از منکر (آمریکا)، جهاد (با آمریکا) بواطن (از آمریکا) را حذف کند. برای مثال ضیاء الحق گفتارست "هر کس در راهیما ملی بواطن از شرکین شرکت کند، محاکمه خواهد شد". طبیعی است که آمریکا به این جریان ظاهراً "مذهبی چشم امید میدوزد."

## ولایت جهاد بر کلیه احکام

در حالیکه اسلام انقلابی امام معتقد است که جهاد در رأس احکام و جهاد فی سبیل الله و ایثار و شهادت در وسیع همه انسانها بوده که توانندی. و طاقهارا افزوده و جداها و محدود و پستبار می کند، جهاد بسیار قوی مذهبی ای وجود دارد که برای قاعده تکلیف مالاطلاق نسبت به بقیه احکام حق و متواتر است. بطوریکه میتواند جهاد و شهادت و حتی حرکت امام خمین (ع) به کوفه و کربلا را وتو نموده یا زیر سؤال ببرد.

## علم کردن احکام فرعی - فری در برابر تز تشکیل حکومت

در حالیکه اسلام انقلابی امام به تز تشکیل حکومت اسلامی معتقد است و آنرا گوی در جهت ظهور امام زمان (عج) دانسته و در این راستا حکم اولیه را حکم حکومتی میداند. جریان ضیاء الحق و کلاً اسلام آمریکائی سعی دارند احکام الهیه - فرعی و معیاری فقه عبادی - فری را در برابر فقه سیاسی - حکومتی علم کنند تا نگذارند اسلام، راهنمای عمل سیاست و حکومت و اقتصاد گردد. آیا آمریکا چشم طمع به چنین جریانی نمیدوزد؟ برای ضد حمله پند هب علیه مذهب راه نهاند از؟

## علم کردن مالکیت فری در برابر تز تشکیل حکومت اسلامی

در حالیکه اسلام انقلابی امام حکم حکومتی و هرگونه تشکیک در جهت ظهور امام زمان (عج) و منجمله نظام جمهوری اسلامی را حکم اولیه میداند. یک جریان بسیار قوی مذهبی در داخل و منطقه وجود دارد که حکم اولیه را مالکیت فری نامند و دانسته و هرگونه حرکت به نفع مستضعفین و محدود کردن مالکیت را حکم ثانویه میداند. تازه اگر ضرورت حرکت اثبات شود این مسئله موقت بگردد و شروط خواهد بود و بایستی پس از اینکه ضرورت از بین رفت به وضع اولیه یعنی به مالکیت نامحدود برگردیم کلاً حرکت به نفع مستضعفین در ردیف، اضطراهایی چون شرب خمر و مرده خواری (اگل میته) قرار دارد.

آیا طبیعی نیست که فراموشیها همچنین برداشتهایی از اسلام چشم دوخته باشند؟ و استفاده از این تز در برابر خطر ضیاء الحق کردن منطقه و ایران قرار بگیریم؟ خطر حاکمیت شکنی اسلام و سرکوب محتوای آن، خطر شریعت ضیاء الحق و خدا و سرکوب اصول اسلام، خطر شریعت و وابستگی به آمریکا، خطر انحصار طلبی متکی به انحصارات بین المللی و سرکوب بیرحمانه نیروهای انقلابی و اسلامی، خطرهایسی است جدی که ما را تهدید میکند.

## علم کردن اولیای ارسطوی در برابر خدای اول الاولین

در حالیکه اسلام انقلابی امام خمینی معتقد است کتابهای ارسطوی بعضی از آنچه که در قرآن کریم دنبال میشود، تمهید دهد. جریانهایی بسیار قوی مذهبی چه در ایران و چه در منطقه وجود دارند که منطق ارسطو را کلید فهم همه چیز منجمله قرآن و سنت قرار داده و معتقدند که اصول فقه رابطههای ناگسستگی با منطق ارسطو دارد و اگر روزی این منطق یونانی غربی ارسطو مخدوش شود، اصول فقه را مخدوش شده قلمداد میکنند. در حالیکه دنیای غرب، منطق ارسطو از زمانی ایدئولوژی و از ارکان تمدن و فلسفه خود میداند. آیا طبیعی نیست که فراموشیها روی این جریان حساب باز کرده و آنان را بعنوان بردگان فکری خود قلمداد نمایند؟

آیا وحدت بر سوت قیاس تعقلی ارسطوی بعنوان مبنای مابلاک برتر و بالاترین معیار (در حد ۱۰۰۰۰۰) اوجت ساده و بایستی است؟ بنظر ما منطق ارسطو نمیتواند از فلسفه ارسطو جدا باشد. فلسفه ارسطو همه فلسفه کثرت یعنی مادی و دنیا گراست. میدانیم که دنیاگرایی جوهر سرمایه داری میباشد. لذا وقتی کلید فهم قرآن منطق ارسطو باشد برداشتی جز اسلام آمریکایی از آن نمیشود. منطق که بجای خدای اول الاولین، اولیای ارسطو را بدین قرار میدهد و همه چیز را اعتباری دانسته مگر اینکه به اولیای ارسطو ارجاع دهد.

## جد کردن و علم کردن راه بشر، علم و تجربه در برابر راه انبیا

در حالیکه اسلام انقلابی امام راه بشر را تدوام راه انبیا، انبیا

راه جوهر بشریت و محرک تاریخ و علما و روشنفکران را وارث انبیا می داند. جریانات بسیار قوی مذهبی ای وجود دارند که هم راه انبیا (قرآن و سنت) را اصولی دانستند هم راه بشر را. این جریانات معتقدند راه بشر یعنی همان راه علم و تجربه، در نهایت به راه انبیا خواهد رسید. اما آرا متروکند تر. در این رابطه برای انبیا فقط نقش تسریع کننده و کاتالیزور قابل هستند.

امام بر سردوراهی انتخاب و در برابر فشارهای بین المللی راه سادات را که قاهره را به "غرب تسلیم نموده" سرزمین سینا را پس بگیرد رد نموده و در قبال این توطئه با تحریک بسیار با لاسی آمریکا را در تهران فتح نمودند.

توضیحاً اینکه اینها معتقدند در قرآن به نفس تشکیل حکومت و نفس تدبیر و تعقل، نفس مبارزه با طغوت و... امر شده. منتهی شیوه تفصیلی ارائه داده است. لذا بایستی در این موارد از راه بشر یعنی راه علم و تجربه اعم از شرقی و غربی آن استفاده کنیم. مثلا در اسناد لانه سندی هست که نشان میدهد آمریکا با این جریان (نه در اصول بلکه در شیوهها) چشم امید دوخته اند.

در همین طیف عدای ضمن قبول قرآن و سنت، بجای عقل و اجتماع و عامل علم و زمان را قرار میدهند. اگر نیتان از علم و زمان پرورش تحقیق علمی و توجه به عامل واقعی زمان است، که در معارف قرآن منظر شده است. بخصوص وقتی که حاملین قرآن، قرآنیهای ناطق یعنی انبیا و ائمه اطهار و آخرین آنها امام زمان (عج) را جدای از قرآن نبینیم. توجه به حدیث ثقلین مخصوصاً تاکید که روی کلمه لایقتر شده است (قرآن و حاملین آن یعنی عترت را نمیتوان از هم جدا کرد).

ولی اگر نیتان از تاکید به دو عامل علم و زمان توجه به پیشرفت های علمی و صنعتی غرب و شرق باشد و اگر بخواهیم اسلام را در این پیشرفت ها موج نمانیم چیزی جز اسلام مدرنیسم باقی نماند که مورد نظر غربیهاست. زیرا در حال حاضر پیشتازی این دو عامل علم و زمان در دست دنیای باصلاح تمدن غرب است.

## هم خوشحال باشیم هم هوشیار

پس از پیروزی انقلاب اسلامی سخنارها و تحقیقاتی کدر آمریکا و اروپا بیرومن برداشتهای مختلفی که از اسلام میشود، بیش از تمامی تحقیقاتی است که قبل از پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۵۷ در همین زمینه توسط غربیها صورت گرفته بود.

از یکطرف باید خوشحال باشیم که پیروزی انقلاب اسلامی موجب روی آوردن به اسلام گشته و تحقیقات اسلامی موضوع روز شده است. ولی از طرف دیگر باید نسبت به این مطلب نیز هوشیار باشیم که هدف اصلی حکام غرب از این تحقیقات دستهایی به مجموعه برداشتهای - بی از اسلام است که در خدمت منافع آنها باشد و بهمین لحاظ خطر اسلام آمریکایی توسط امام مطرح شده و افشای آن لازم است.

بعنوان مثال سید حسین نصر پس از پایان یکی از اینگونه سخنارها که در آمریکا تشکیل شده گفته بود، هدف از تشکیل این سمینار دستهایی به راههای سازش و تمدن غرب و اسلام است و بهمین منظور برداشتهای اسلامی در ایران را به سه دسته تقسیم کرده بود. دسته اول اسلام رویاروی غرب که سبیل آنرا امام خمینی و مرحوم آیت ا... طالقانی معرفی کرد. دسته دوم اسلام مکل غرب که سبیل آنرا مرحوم علامه طباطبایی معرفی نمود و بالاخره اسلام مدرنیسم.

## فتح آمریکا در تهران

این روزها بخصوص پس از فتنه تشییع از قزوین و شلمچه و مجنون این سن سؤال مطرح میشود که چرا امام خمینی که از سیاستمداران معسوف جهان میباشند علاوه بر جنگ با آمریکا و صدام و آل سعود و آل صباح بغیره در صفحه ۱۱

از ۱۵ خرداد ۴۲ دریافتند که مردم این اثر را خوب است اما راهنمای عمل می خواهند و مجاهدین برای انس و الفت همیشگی با قرآن به حفظ آیات قرآن می پرداختند تا بهتر بتوانند در هر شرایطی بر روی آیات قرآن تدبیر و تعقل کنند. همچنین به کار عمیق روی نهج البلاغه پرداختند بطوریکه ۶ جلد تفسیر نهج البلاغه تهیه نمودند که بدست ساواک افتاد.

موضوع ضربه سال ۵۴ مجاهدین نیز اختلاف بر سر نحوه برداشت از قرآن بود. یک جریان مطرح میکرد اگر قرآن راهنمای عمل است هر شیوه ای را باید از قرآن بگیریم و اگر هم میخواهیم برخورد علمی کنیم دیگر لقمه راد و سرنگردانده دستاوردهای علمی را به قرآن نزنیم تا تأییدیه برای آنها بگیریم.

شهید محید شریف واقفی میگفت مشخص نمودن رابطه قرآن و علم در این شرایط از کار تشکیلاتی هم مهمتر است و قبل از هر کاری باید این مسئله روشن گردد. جریان دیگر معتقد بود که قرآن و مذهب بعنوان فرهنگ باشد نه بنیاد فلسفی و راهنمای عمل. و علم هم که به ما راه مبارزه اقتصاد و... را نشان میدهد.

روشنفکرهای مذهبی، متعهد، عدل طلب و ضد ظلم بودند و زنده انبیا رزم از آنان پر بود. تحقق نسبی آیات در آن شرایط همانها بودند. آن عده هم که مارکسیست شدند. میگفتند احکام رساله های موجود نیازهای عدل طلبانه و ضد ظلمی ما را پاسخ نمی دهد و می خواستند ضد ظلم شوند. ولی روحانیت پاسخگوی نیازشان نبودند.

سیستم روحانیت هم مبارزه ضد ظلمی نداشت اگر چه برخی روحانیون اهل مبارزه بودند لذا آن دسته از روشنفکرهای مذهبی که رساله های موجود را پاسخگوی نیاز خود ندیدند به دام مکاتب ظاهرا "منسجم" می افتادند آنها هم درد دین داشتند اما مل دین موجود پاسخگوی نیاز عدل طلبانه و ضد ظلمی و انسجام طلبی آنها نبود. روشنفکر مذهبی میگوید اینکه روحانیت قرآن و سنت و اجماع و عقل را بعنوان ادله اربعه مطرح میکند و قرآن را دلیل اول و بگردد خوب است قرآن که دلیل اول است، عمل هم بنماید (الوعده وفا) و صرفاً حرف نباشد وقتی امام خمینی به صحنه آمدند و اسلام راهنمای عمل و ضد ظلم را معرفی کردند دیدیم که گرایش به مارکسیسم چقدر کم شد و نه تنها علیرغم نارسائی های مادرک کرده بود اسلام قابل نظام شدن و قابل پیاده شدن است.

**طلبه و دانشجو هر دو عدل طلب و خدا جویند و تقسیم بندی صنفی آنها درست نیست**

امام خمینی ویژگی پایدار انسانها را خدا جویی میدانند و میگویند حتی دزد سرگشته هم خدا جوست لذا باید بر روی انسانیت انسان کار کرد چرا که هم طلبه خدا جو بوده و عدل طلب هم دانشجو، منتهی باید به نیاز عدل طلبی شان پاسخ گفت، بقیه تقسیم بندیهای صنفی هم درست نبوده و شناخت صحیحی بمان میدهد در آن زمان مشکل این بود که برخی از جوانان به قرآن روی آورده و از آن برداشتهای مستقیم میکردند و برخی از روحانیون به آنها میگفتند شما کاسه داغتر از آش شده اید و از ما میخواهید جلو بفتند، گاهی اوقات پیوند مردمی

امام خمینی را در مورد کتاب تفسیر پرتوی از قرآن چنین نقل میکنند: "حضرت امام در نجف اشرف فراغت و فرصت مطالعه فراوان داشتند و اکثر آثار جدید محققین و نوآوران اسلامی و اجتماعی را با علاقه و دقت مطالعه میکردند و تنها در موارد اندک و محدود بوده که اثری را در دست (مطلق) پذیرفته و نویسنده آن را در خور معرفی و تأکید به خوانندگان و ناآشنایان بدانند. همانگونه که میدانید امام تاکنون بر کتابی تفریط ننوشته اند البته به همین نسبت کتابی یا نویسنده ای را مطلقاً نفی و تخطئه هم نفرمودند مگر آنکه خلائی بین و آشکار در روی ملاحظه فرمایند. آنچه را که خود شاهد تا بینید مطلق حضرت امام و تأکید معظم له بر مطالعه و ترویج از آن بودم آثار در محقق و اندیشمندان ما به اسلامی شهید مطهری و مرحوم آیت... طالقانی بود. در نجف اشرف پرتوی از قرآن را بحضور امام تقدیم کرده بودم که مطالعه فرمایند بعد از امتحان از فرزند شهیدشان مرحوم حاج آقا مصطفی شنیدم که امام تأکید و سفارش کرده اند ایشان حتماً آن تفسیر را مطالعه کنند و در شیوه و برداشتهای تفسیری و تدوین اثر تفسیرشان از آن الهام و آموزش گیرند. (مرحوم حاج آقا مصطفی آن ایام مشغول نوشتن تفسیری بر قرآن بودند) سفارش امام در مطالعه پرتوی از قرآن و تأیید مطلق آن بقدری جدی بود که مرحوم حاج آقا مصطفی با توجه به شیوه محتاطانه حضرت امام در مورد افراد و نوشته هایشان تعجب کرده بود."

**تعهد بخدا، منشاء مبارزه با طاغوت**

از فیزیک و شیمی و سایر متون دانشگاهی مبارزه با طاغوت در نیامده بود بلکه از تعهد بخدا مبارزه در میآید کما اینکه از علوم حوزه هم مبارزه با طاغوت در نیامد امام خمینی هم که در حوزه های علمیه بودند در کتاب "ولایت فقیه" اکثر آن آیات قرآن استناد کرده اند و جوهره ولایت فقیه را با استناد به آیه "النبی ولی للمؤمنین" استنتاج کرده اند.

امام در یافته بودند که قرآن در حوزه ها غریب است بنظر میرسد علتش را در غربت و مینان بودن و بدیهی نبودن خدا در حوزه ها میدانستند، لذا از دعای سحر و... شروع کردند و گفتند مدخل قرآن دعاست. بنظر میرسد اگر از قرآن شیرو می نمودند جو حاکم حوزه ها بنحوی بود که مارک کفر و وهابی به ایشان میزدند.

امام خمینی در پیام حج ۶۵ گفتند جوانها، علماء، روشنفکران روی احکام اجتماعی سیاسی قرآن کار نکنند، بنظر میرسد امام خمینی خودشان هم روحانیت را تا آنجا قبول دارند که قرآنی باشد نه بعنوان یک نظام صنفی و در انشعابات جدید هم عینیت آنرا دیدیم. آقای دعایی نظیر

**بقیه از صفحه ۵**

**پیرامون جانشینی فرماندهی**

مسلم هستند، جناحهای درونی که در پی مواضع و فتاوی اخیر امام خود را در آستانه اضحلال می بینند ممکن است از نفوذ خود در نیروهای مسلح استفاده کرده و شرایط ناگواری را برای انقلاب به وجود بیاورند.

انتصاب اخیر با توجه به متن حکم امام گامی در جهت وحدت و یکپارچگی نیروهای مسلح و جلوگیری از یک جنگ داخلی است البته وجود برخورد آراء در مجلس برای انقلاب ضروری است بشرط اینکه نیروهای مسلح تابع این تضادهای شده و بالعکس نیروهای مسلح نیز ایجاد کننده تضادهای سیاسی در مجلس نباشند.

ثالثاً از متن حکم امام نتیجه گرفته میشود که هدف دیگر افزایش انسجام درونی و بالا بردن توان نیروهای مسلح در جنگ و مقابله با توطئه های آمریکا می باشد.

از ابتدای جنگ یکی از کمبودها فقدان یک ستاد هماهنگ کننده در نیروهای مسلح بود. سازمانهای موازی در تامين تدارکات، صنایع دفاع و سایر امور موجب اتلاف نیرو و بازدهی کم بود. که طبعاً نیاز به هماهنگی و ادغام فعالیتها موازی وجود داشت. با امیدیه اینکه ستاد فرماندهی کل نیروهای مسلح بتواند رسالت خود را بر ابر خواسته های امام و امت عمل کند.

**آیت الله منتظری**

حوزه های علمیه ما باید خودشان را به سلاح فلسفه و علوم روز و شناخت مسائل سیاسی جهان مجهز کنند.

**بقیه از صفحه ۱۱**

**لزوم بازنگری به آموزشهای حوزه های علمیه**

پایتختها جمع شده و از رفتن به روستاها و مناطق دور خودداری میکنند و آن که از مذهب تا لحد در حوزه علمیه مانده و نه به کسی فایده ای و نفعی میرسانند، بلکه حوزه نیز از وجود آنان سودی عایدش نمیگردد. هر طلبه ای باید بفهمد هنگامی که خمس و یا سهم امام و یا زکات و رد مظالم را دریافت می کند این، بدان معنی است که اسلام بر روی آن سرمایه گذاری می کند و از این رو، بهره کس که قادر به خدمت به اسلام است و اجاب است در مقابل آن سرمایه گذاری، خدمات خود را ارائه داده و تبلیغ کند. لذا ما باید در فکر روش و راهی باشیم که به طلبه ها بدهیم که موالی را که از بیت المال دریافت می کنند، تنها بدین خاطر است که درس خوانده و به قوم خود مراجعت کرده و آنها را آگاه کنند. "ولینذروا قومهم اذا رجعوا الیهم" پس ما باید برای انجام این هدف برنا مریزی کنیم.

نماید که ایشان برای ایجاد تحول در آموزشهای حوزه تحول تشکیلاتی را لازم و مقدم بر تحول ایدئولوژیک شمرده اند. در این رابطه چند نکته بنظر میرسد:

- ۱ - تشکیلاتی که مشغول تغییر کتبی آموزشی است با چه ملاکی می خواهد تغییر ایجاد کند چه بسا شکل ظاهری آنها عوض شود ولی محتوی باقی بماند، چرا که اعضای هیئت با تفکرهای مختلف به سیستمهای آموزشی مختلفی هم می رسند.
- ۲ - قبل از هر برنا مریزی جدید باید ریشه های بی شکر در حوزه های ما که اساس استدلالی با ید بر پایه قرآن با شد چه در آموزشهای قرآن حذف شده است؟
- ۳ - بنظر میرسد علت رکود آموزشی و سانسور قرآن در حوزه ها نفوذ افکار ریونائی در آن می باشد.

لازم بذکر است که اگر تحول فکری آغاز شود و قرآن در صحنه مطرح گردد تشکیلات جدید و شکوفای خود را نیز بدنبال خواهد داشت.

**بقیه از صفحه ۹**

**بقیه اخبار ایدئولوژیک**

ایدئولوژی ندارد یک ابزار علمی دارد، هر نوع ابزاری طبی یا صنعتی یا یک ماشین، هر کدام از این چیزها به خودی خود ایدئولوژی ندارد یک توضیح علمی ممکن است منجر به یک ایدئولوژی سیاسی شود. در اینجا من از اعتقادات مذهبی حرف نمی زنم

راه مجاهد:

آیت الله سید محمد حسین فضل الله در تحلیلشان به نکات ظریف و در عین حال عمیقی توجه کرده است که قابل تأمل میباشد انشاء الله که روحانیت خط امام در صدد رفع نارسائیهای سیستماتیک در آموزشهای حوزه برآیند. لیکن ذکر این مهم ضروری می-





# پرتوی از: قرآن

## درسهایی از مرحوم طالقانی

سیطره و سایه قوانین و پلیس بسوی برند قدرت دفاع ندارند و هوشیار دشمن نیستند و پیوسته در بستر راحت بی خیالی می‌نهند. هر چه قدرت ما اوست و اراده و جسم این شهرنشینان ضعیفتر میشود در زنجیرهای بندگی که بصورت قوانین و برای سلطه هیئت‌های حاکمه است بیشتر در می‌آیند. تا آنکه با ایشان از استعداد خیر و روح عزت و شرافت و دیگر خصلتهای آدمی تهی می‌شود. فرومایگانسی می‌گردند آدم نما و جاهلانی آدم نما و بیمارانی سالم نما و بندگانی آقا منشی حکومینی حاکم روئینر. با بدنهایی بیمار و نفوس زبون و بی بند و بار چنین مردمی دشمن هر ضعیف و بنده هر قوی شکار هر صیاد و سخر هر شیادند. محیبی که از چنین مردمی پدید آید جز ناتوانی و بیچارگی و زبونی نژاد و درهای سعادت و خیر برایشان بسته و درهای شر و فساد باز گردد. آری شتابزدگی برای رسیدن به شهوات کاذب و روی آوردن به تنوع و تفنن به چنین محیطی میکشاند.

خط مشی خالی کردن روستاها و سترو شهرهای بزرگ یکی از خطوط خائنانه نظام طاغوتی شاهنشاهی برای وابسته کردن هر چه بیشتر مملکت به غرب و در اختیار گذاشتن نیروی کار مردم این مملکت در دست استثمارگران غربی و آماده کردن ایران به منظور تبدیل شدن به یکی از بزرگترین قطب های مصرف کننده کالا های غربی در منطقه بود.

مشکل فوق یعنی تضاد شهر و روستا یکی از اساسی ترین تضادهای اجتماعی جامعه ما قبل و پس از انقلاب بوده است. تضاد شهر و روستا، تضاد شهر نشینی و روستا نشینی در حقیقت تضاد روحیه

"تولید و قناعت" و "مصرف و راحت طلبی و اسراف" می باشد. این که گفته شود تضاد شهر روستا را باید بنفع روستا حل کرد در حقیقت به این معنا است که در روحیه مردم می بایست تحول اساسی بوجود آید روحیه ای که نظام سابق سالها برای بوجود آوردن آن برنامه ریزی کرده بود. مرحوم طالقانی در این بحث از تفسیر برونوی از قرآن برخی از ویژگیهای این دو نوع روحیه را بر شمرده اند.

از آنجا که تضاد شهر و روستا به این دلیل ماهیتی نفسانی داشته و با خصال (ویژگیهای) دروس انسان پیوند خورده است حل آن نیز تنها از طرق اقتصادی امکان پذیر نیست راه حل آن انگیزه مند نمودن مردم به سخت کوشی و تولید بمنظور تحقق استقلال و جامعه ای عادلانه بر اساس موازین مکتبی می باشد. تحقق این امر نیز از طریق ارائه تبیین های مکتبی بوسیله رهبری مورد اعتماد مردم در دل مبارزهای عدالت طلبانه با عوامل اصلی ظلم و فساد امکان پذیر می باشد.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
**فصل الله المجاهدین علی القاعدین اجراعظیماً**

در سیر تاریخ تشیع همواره جریانهای مرموز و ناسالم وجود داشته اند که سعی نموده اند با جوسازی و بوجود آوردن شبهات از رشد جریانهای اصیل جلوگیری کنند و یا به عبارت دیگر از گسترش تفکرات آنها جلوگیری کنند. مرحوم آیت الله طالقانی یکی از کسانی است که در تاریخ معاصر ما از هجوم فکری و فرهنگی این جریان مرموز بی نصیب نبوده و به طریق مختلف سعی شده تا جوانان و دانشمندان انقلاب را از دستاوردهای آن مرحوم جدا کنند و جای بیسی ناسف می باشد که مدعیان دوستی ایشان هم به این مآلومیت خو گرفته اند. تجلیل ظاهری لز شخصیت آیت الله طالقانی دردی را دوا نمیکند. چرا که تجلیل واقعی آنست که نقطه نظرهای عیسوی و همه جانبه مرحوم طالقانی را در راستای بی بردن به واقعیت تعالیم قرآن و روز های نشأت گرفته از آن مورد مطالعه قرار دهیم ما تلاش بر این داریم که بخش عمده ای از نقطه نظر های قرآنی آن مرحوم بزرگوار را ارائه دهیم تا این امید که این کار قرآنی موجب شادی بیشتر روح ایشان شود.

نشینان بیچاره عیال و انگل دیگری نیستند. - خوبهای بد و سری و بیماریهاییکه از تفنن و شکم خوارگی در شهرها شایع است در حریم بیابان راه ندارد. باینجهت اینگونه مردم بیشتر قابیل تربیت و هدایت اند. چنانکه پیوسته پیسروان پیامبران و صلحین و مدافعین از حریم از میسان آنها برخاسته اند. ولی شهر نشینانی که برای تفنن و پرخوری و تنبلی گرهام جمع میشوند و نام چنین اجتماعی را تمدن میگردارند جسم و روحشان ناتوان میگردد و هموار اندیشه و قوای عظیمشان در پیسی حیل های معیشت و جستن راههای آن بکار می رود بدین جهت مغزها از ادراکات فطری تهی میشود و اندیشه های شیطانی درون آنها تاریک میسازد و از توجه و درک هدف عالی زندگی و تشخیص خیر و صلاح باز میمانند و اراده ها در برابر قوانین و قهر حکومتها که لازمه چنین زندگانی است سست میگردد اینگونه شهرنشینان پیوسته در معرض تقلید و محاذات قرار میگیرند و به تحریک حر و طمع و هیجان عواطف می جوشند و می خموشدند و دنبال هر صدائی میروند و هر روز با اهنگ هوس میسازند. چون در زیر

۱۹ شهریور نهمین سالگرد رحلت مرحوم آیت... سید محمود طالقانی است. بیروزی انقلاب اسلامی تا حد زیادی مدیون کوششها و زحماتی است که این رادمرد در راه اعتلای مبارزه مکتبی متحمل شد. او که مفسر قرآن، تحلیل گرسیاسی، معتقد و عمل کننده به مبارزه تشکیلاتی مردم دار و مرجع حل مشکلات مردم، آگاه به علوم قدیم و جدید، هم نشین علماء و همراز مجاهدین و مبارزین بود در طول زندگی پر بار خود الگوئی از یک مسلمان واقعی را به مردم نشان داد. مرحوم طالقانی بخش مهمی از مساعی خود را مصروف تعلیم و تعلم قرآن و به صحنه آوردن قرآن نمود.

### متن کتاب ص ۱۷۳-۱۷۴ جلد اول

... تحول از زندگی بدوی (بیابانی) اگر از مبادی اینانی و اصول اخلاقی آغاز گردد و اساس و مواد اولی آن از افرادی با ایمان و دارای مسئولیت وجدانی و خوبی انسانی پایه گذاری شده و در تحت تعالیم رهبرانی اندیشمند و کوشا قرار گیرند نتیجه اش هماهنگی فکری و پیشرفت های عقلی و بهره رسانی و بهره گیری افراد و طبقات و بکار افتادن قوای نفسی آنها و در دسترس قرار گرفتن خیرات طبیعت است تمدن و شهر نشینی صحیح و مدینه فاضله یا الهی همین است

شهر یثرب پس از هجرت رسول اکرم (ص) و اصحاب آن حضرت مدینه نامیده شد و هجرت بسوی آن برای کسانی که در بیابان و شهرها کفر و شرک بسر میبردند واجب گردید و برگشت به جاهلیت تعریب بعبد - هجرت خوانده شد و مورد نهی و مذمت بود. از رسول اکرم است که از خداوند میخواست: پروردگارا هجرت اصحابم را ثابت و مضمی دار و آنها را به عقب بسرگردان

اگر گزافیدن به شهر و اجتماع در آن از مبادی شهوات و تاهین لذات آغاز گردد ملازم با هبوط و سقوط قوای معنوی و جسمی از محیط زندگی فطری بدوی است زیرا زندگی بیابان از هر جهت محافظه ای طبیعی است که عقل فطری و نفسیات و جسم را از آفتها نگه میدارد و قوای فطری را پرورش میدهد. در بیابان عقل فطری رو بروی با نظام خلقت است و جسم از نور و هوا و غذاهای طبیعی تغذیه مینماید و بند و قید قوانین و حدود محدود نمینماید و هر فرد و قبیله ای پیوسته هوشیار دشمن و مالک نفس و مدافع حق خود میباشد مردم و قبایل بیابانگرد مانند شهر

# نماز یک انقلاب فرهنگی متر است آیه الله طالقانی

### سخن امام راهبهای متصفین

فریضه سیاسی اجتماعی انتخابات

از عنایت و توجه ذات مقدس حق تعالی سپاسگذاریم که بار دیگر ملت شریف و عزیز ایران را به ادای یکی از بزرگترین فریضه سیاسی و اجتماعی خود مفتخر نمود و در اوج شرارت شیطان بزرگ و از ناب پلید او علیه انقلاب و نظام جمهوری اسلامی ایران توفیق بیعت مجدد با میثاقهای ازلی خود را به آنان کرامت فرمود و به رغم بدخواهسان انتخابات سومین دوره مجلس شورای اسلامی با صحت و سلامت و در موعده مقرر برگسزار گردید . . . .

راه مجاهد :

امام در این پیام انتخابات را جز " فریضه و واجبات دانسته اند ، بر عکس نظر عده ای که واجبات اسلام را منحصر به احکام عبادی و فردی می دانند ، امام واجبات و فریضه را به مسائل اجتماعی سیاسی کشیده و در واقع نفع سیاسی اجتماعی را مطرح مینمایند . مثلا یک روشنفکر که انتخابات را فریضه نمیداند ممکن است در زیر فشار امپریالیسم به تعطیل آن رسیده و خواه ناخواه به دام استبداد بیفتد ، اما فریضه دانستن انتخابات آزاد باعث میشود که در هیچ شرایطی به تعطیل مجلس تن ندهیم . عنوان مثال ضیاء الحق در پاکستان بنام اسلام مجلس را تعطیل نموده و سیر اختتامی و سرکوب و وابستگی را می بیند .

به نظر میرسد مقصود از میثاقهای ازلی همان پیمانی است که بر طبق روایات و احادیث ، خداوند از انسان گرفته و آن این است که بحز او را پرستش نکند با این تبیین نظر امام این است که انتخابات آزاد و مجلس گانوی عبادت خداست و هر حرکتی با نیت پرستش و قرب به خداوند انجام شود تعدید بیعت با میثاقهای ازلی است ، حساس میخواید نماز باشد یا جهاد و شرکت در انتخابات .

همچنین بنظر می آید از دیدگاه امام تحقق هر آیه ای از آیات قرآن من جمله آیات شورا ، تجدید بیعت با میثاقهای ازلی بوده و این انتخابات مصداق آن میباشد .

انتظارات بحق مستضعفین از مجلس

... انشاء الله نمایندگان محترم بخوبی دریافته اند که نظام و مردم از آنان چه انتظاری دارند که باید گفت مجموعه خواستها و انتظارات اسلامی مردم از مجلس رفع گرفتاریها و محرومیتها و درگونی در نظام پر پیچ و خم اداری کشور از انتظارات بحق است که باید آنها را جدی گرفت . . . .

نیاز انقلاب به شجاعت نه وسوسه و احتیاط

۱۰۰۰ روز کشور و نظام و مدیریت

همچون گذشته نیاز به شجاعت در حل مسائل دارد و چه بسا وسوسه ها ما را از رسیدن به اهداف بزرگتری که در پیش رو در نظر داریم ، محروم کند . . . .

راه مجاهد :

به نظر میرسد منظور امام این است که باید به کار اصلی اولویت داد و در انجام آن نیز شجاعت داشت . به عنوان مثال در تمام منطقه و کشورهای جهان هیچ جایسی برای دموکراسی واقعی وجود ندارد و در تمام کشورهای اریایی در طول جنگ جهانی دوم هیچ انتخاباتی برگزار نشد . در کشورهای منطقه هم همانگونه که شاهدیم یا دیکتاتوری سلاطین وجود دارد مانند شیخ نشینها و عربستان یا سانترالیزم حزبی مانند عراق و شوروی و یا دیکتاتوری احکام فرعی که در واقع به دیکتاتوری فردی منحصر میشود مانند رژیم ضیاء الحق . در کشورهای دیگری مانند ترکیه هم حاکمیت با جناح کودتاگر و ناتواست . این اولین باری است که در منطقه تجربه دموکراسی در دل جنگ پیاده میشود . شجاعت در پیشبرد این تجربه و دفاع از آن خود یکی از اصالت صالح این زمان است وسوسه همان کاری است که از طرف عده ای بدون توجه به عظمت و شرایط چنین انتخاباتی و توطئههایی که علیه آن انجام میشود ، با انتقادات بی پایه سعی کردند انتخابات را نامشروع جلوه دهند .

خط مشی دستهای مرموز

امام در ادامه پیام خود به مجلس

نظر امام راجع به مکانیسم معاد

امام در انتهای پیام خود در روز عید فطر میگویند :

"... اینها همه گذرا است و از بین می رود ، آن چیزی که باقی می ماند ، حرکات خود آدم است . آن چیزی که به انسان جهنم را میرساند ، یا بهشت را میرساند ، از خود انسان است ، از خارج نیست . . . انسان که مرد ، شروع میشود به عالم دیگری که خود انسان تهیه کرده است از خارج چیزی نمی آید هر چه هست از خود انسان است . . . . همه شما انشاء الله موفق و موید باشید و به آرزوهای صحیحی که دارید ، که آرزوی همه رسیدن به خداست و خودش هم نمی داند همه توجهشان به اوست و خدا پرده هارا بردارد و همه ببینیم . . . ."

راه مجاهد :

احساس میشود امام در مورد مکانیسم معاد حرفهایی دارند که آنها را یک مرتبه نمی توان مطرح کرد و اصنام تد ريجا آنها را مطرح می نمایند . جا دارد گه صاحب نظران به جمع آوری سخنان ایشان در مورد معاد بپردازند ، زیرا که بهترین مجموعه راجع به مکانیسم معاد خواهد شد .

وظیفه مجمع تشخیص مصلحت نشان دادن قدرت ، قاطعیت و سرعت عمل در تنگناها و سوانح است

... امیدوارم این مجلس . . . . ارتباط قوی با مجریان و کارشناسان و همچنین با استفاده از نظریات و مشورت با شورای محترم نگهبان بتواند گامهای بلندی در حل معضلات محرومین و بیابرنه ها بردارد و در تنگناها و موانع از قدرت و قاطعیت

خط مشی عوامل استکبار برای ایجاد تفرقه و توطئه اشاره کرده و مواردی را برمی شمارند که در اینجا به صورت محوری آنها را ذکر می کنیم :

- ۱ - استفاده از رقابتهای انتخاباتی برای تشدید اختلاف جناحهای مختلف .
- ۲ - طرح مسائل بی معنای حدایی و لبا از یکدیگر .
- ۳ - ایجاد تردید و ذهنیت به منظور مخدوش نمودن صحت انتخابات .

۴ - نهایتاً نامشروع جلوه دادن مجلس مخالفین در راستای خواستند انتخابات انجام نشود و می گفتند اسم بردن از انتخابات تیر زدن به قلب امام زمان است بعد از آن عنوان کردند انتخابات به تعویق بیفتد ولی وقتی که قاطعیت امام را در مورد انجام و برگزاری به موقع انتخابات دیدند به انجام انتخابات تن دادند ولی سعی کردند ابتدا شعار تقلب در انتخابات را مطرح کنند ، بعد از آن گفتند که در انتخابات جوسازی بنوده و

امروزه گناهی بالا تراژیک را مگر نمیست

برای حل توطئه ها امام راه حلهایی را ارائه می دهند از جمله اینکه :  
۱ - همه ما در محضر خدا هستیم و این امور اعتباری و زودگذر است .  
۲ - به مسائل شخصی و گروهی وارد نشوید .

۳ - حرمت مجلس را حفظ کنید .  
۴ - اتحاد مقدس نیروهای درون انقلاب را حفظ کنید .  
۵ - از صحنه کنار نروید .

بنظر میرسد محور آخر بسیار مهم بوده و یکی از مسائل عمده انقلاب می باشد ، این محور مشخص می کند که امام به خوبی به وجود و چگونگی انفعال پی برده و انفعال و کتله گیری از صحنه انقلاب بزرگترین گناه می دانند

سرمایه های ملت در پیشگاه خداوند باقیست

... و مردم عزیز ایران بعد از فراغت از انتخابات همچون گذشته به پشتیبانی مادی و معنوی خود از جبهه های نبرد و رزمندگان ادامه دهند و سپاهیان نور را حمایت نمایند و همه آنان و رزمندگان عزیز بدانند که در هر صورت پیر و زوی با ما است و ما به این مسئله با تمام وجود معتقدیم و از آغاز جنگ تا کنون بارها عنایات حق را دیده ایم و ملت بزرگ ایران مطمئن باشند که از آن روزی که در این راه مقدس قدم نهادند چیزی را از دست ندهند که نگران حادثه باشند و ضرری نکرده اند که از آن احساس غم و ششمانی کنند همه سرمایه های آنان در پیشگاه مقدس حق تعالی باقی مانده است .

این صحبت امام در واقع با عقل حسابگر و منطق بشری قابل تبیین نیست اما با باور منطق وجود و توحید ایمان داریم شاهد آگه سمبل ایثار این ملت هستند بدلیل نیست بقیه در صفحه ۱۴

بقیه از صفحه ۱۲



میکنند موضع ایران نسبت به جنگ تغییر خواهد کرد و آیا ایران به پای میز مذاکره خواهد نشست ؟

ج - با وجود اینکه ایران در رجبیه ها عقب نشینی کرده باز هم شخص نیست که این درسی برای ایران شده باشد و با وجود اینکه ایران میدانند در جنگ پیروز نخواهد شد ولی باز هم موضع ایران برای مذاکره و پذیرش قطعنامه ۵۹۸ شخص نیست در این شرایط که عراق مشغول عقب راندن نیروهای ایران از خاک کشور میباشد بسیار منطقی تر است چرا که با وجود اینکه در جیبه مجنون وارد خاک ایران شده بود ولی بزودی به مرزهای شناخته شده بین اطلالی بازگشت و اعلام نموده در هر زمانیکه ایران قطعنامه ۵۹۸ را بپذیرد عراق هم آنرا اجرا خواهد کرد .

در شرایط کنونی اگر ایران مذاکره را بپذیرد با این شرایط که آتش بس شود به مرزهای بین اطلالی بازگردند اسرا معارضه شوند کمیتهای برای تشخیص آغازگر جنگ تشکیل شود و سایر مواد قطع نامه اجرا شود قطعنامه سریعتر از آنچه که ما فکر میکردیم در این شرایط اجرا خواهد شد . ما تلاش بسیاری کرده ایم که تمام مواد قطعنامه منسجم بوده و نفع طرفین درگیر باشد ما معتقد به نابودی ایران نیستیم .

ایران باید بداند پایان جنگ فقط دراجرای قطعنامه ۵۹۸ است و راه حله میان دیگری نیز وجود ندارد تلاشهای دیپلماتیک سازمان ملل نیز در چهارچوب همین قطعنامه است و ما با توجه کامل به اینکه دیپلماتیک در چهارچوب این قطعنامه عمل خواهد کرد تلاشهای او را تأیید میکنیم .

لازم به یادآوری است این صاحب حدیثا بین ۹ تا ۱۲ تیرماه ۶۷ از اردن به آمریکا پخش شد .

**اینجا ایران است**  
**ویتنام و لبنان و فلسطین نیست**

روزنامه رسمی ۶۶/۷/۱۶  
جعفری نماینده بناب و ملکان : ... به حکام جنایتکار آمریکا هشدار میدهم اینجا ویتنام و لبنان و فلسطین نیست، اینجا ایران است . ملتش ملت خون و قیام است و شهادت پس شک و تردید خلیج فارس گورستان نیروس - های انگلیسی و آمریکایی شیطان بزرگ خواهد بود .

راه مجاهد : قابل توجه است که ویتنام و لبنان و فلسطین نیز سرزمین مردانی است که در مقابل امپریالیسم آمریکا مقاومت جانانه کرده اند. انقلاب در ایران نیز دست و متحد این انقلابها بوده و بیایری خدا الگویی مقاومت را به شکل برتر و بهتری تکرار و تحقق خواهد بخشید .

اساساً مانع رشد انقلاب میشوند و تفکر آن باید بر آید .

البته در چنین وضعی با بستن نقائص قانون قبلی اعلام شده و برای مردم توضیح داده شود و قانون جدیدی که ملایم تر باشد مطرح و به تصویب برسد .

اما ما نام که در قانون تجدید نظر نشده و اعلام نگردیده است همه افراد منجمله ولایت فقیه ملزم هستند که در چهارچوب آن عمل نمایند . چرا که طبق نظر خود ولی فقیه قانون اساسی مشروعیت پیدا کرده و در واقع محور و قوام نظامات اجتماعی بشمار می رود و چنانچه از طرف خود ولی فقیه نقض گردد استحکام و قوام آن زیر سؤال رفته و موجب از هم گسختگی نظامات اجتماعی و بی اعتمادی مردم به مسئولین می گردد . در صورت تخلف مسئولین یا رهبران قانون اساسی می توان موارد مربوطه را در سوزانه تذکر ناد و توضیح خواست .

بحث اولیه و ثانویه صرفاً در بحثهای حوزه مطرح است و تا بحال ننشیده ایم که در قانون اساسی بکار رود . مواد قانون اساسی همه بعنوان اصل آمده اند و اصلی فرعی نشده اند از طرفی در قانون اساسی اصل چهارم مذکور است که تشخیص اینکه قانون اساسی و سایر قوانین مطابقت با اسلام دارند یا نه به عهده شورای نگهبان است . با توجه به اینکه شورای نگهبان را خود ما مام منسوب میکنیم و مشروعیت آنها بدست ما است بلحاظ قانونی هم گفته رهبری که صلاحیت دارد در مورد پذیرش نسبت به او دارند و اولی تر است در مورد رقابت با قانون اساسی تا شورای نگهبان .

اما در مورد آنچه در همینجا آمده است مطرح شده است عزل رئیس جمهور از اختیارات ولی فقیه است که در قانون اساسی آمده است . تفهیم رئیس جمهور پس از رأی مردم نیست بوسیله ولی فقیه می باشد و این ها خلاف قانون اساسی نیست . اما انحلال مجلس شورای نگهبان در قانون اساسی بعضی بنده شده است و نظر شرکت کنندگان در سمینار می باشد .

حق نسبی مردم در تعیین صلاحیت حکومت نه در قانون اساسی ملحوظ شده است . اما نکته ای را توجه داشته باشید که شیوه رأی گیری هم چندان شیوهی علمی نیست و همیشه آنچه اکثریت به آن رأی می دهند الزاماً حق و موجب سعادت مردم نخواهد بود . چه بسا رهبران انقلاب صلاح مردم را از خودشان بهتر تشخیص دهند . و اگر این تشخیص ملاک قرار گیرد بمعنی حرکتی خلاف مردم و نفی آنها نیست بلکه خیرخواهی مردم می تواند باشد .

البته با رعایت چهار چوبهای قرآنی و قانونی اعلام شده . مثلاً " در مورد قانون اساسی در حد گاه اسلامی رهبر حق تغییر و تجدید نظر در قانون اساسی و تأیید و تأیید کردن مصوبات مجلس و شورای نگهبان را دارد . منتهی در قانون اساسی پذیرفته شده ، حق تشخیص بعهده شورای نگهبان گذاشته شده و هرگونه تغییر عملی و تجدید نظر رسمی از طریق خبرگان باید انجام پذیرد .

**مردم ایران ثابت کرده اند که تحمل گرسنگی و تشنگی را دارند ولی تحمل شکست انقلاب و ضربه به اصول آن را هرگز نخواهند داشت .**  
امام خمینی

گروه اعلی ندایته و ندارد . عمل حاضر عدیم که همه اینها را ما کنیم و در نهاد های جمهوری اسلامی انعام بومی منتهی از مسئله ایستولوژی و عقاید وسط مشی

انقلاب که نمیتوان گذشت . شرطمان این بود که حداقل اصول ایستولوژیك اعلام شده رهبران انقلاب که در نفس امر الحمد شان مقبول است بعنوان محور آموزش آنها پذیرفته شود ( یعنی که آموزشهای ارسطویی متوقف شود ) و در عین حال آزادی قلم و جان منشی آیت الله منتظری . آنچه در شرایط ما بودن منافع گسرومی بود نه عیناً و من خاص بلکه نمازهای انقلاب بود اما پذیرفته نشد .

البته انعام داریم که در راه کمک به حل مشکلات انقلاب کم کاری و قصور داشته ایم اما در مورد اینکه مردم را باید داشت يك مرز بندی لازم است : يك شهوه مردم ناری به عوام زدگی می کشد و دنیا لوری و سازش با اکثریت که آدم را از گرفتار موضع حق باز می دارد .

يك شهوه هم تکیه به نماز های اصل و نظری مردم است که مدن است در مقطع حمایت اکثریت را نداشته باشد ولی راه حق همین است و سعادت مردم هم در همین راه . لذا توجه داریم جماعت و جذب مردم فی نفسه ملاک و هدف نیست توجه به نماز های الهی و فطری آنها ملاک است که تدریجاً مردم هم متوجه خیر خود شده و از آن حمایت خواهند کرد .

ج - برابری گفته اند که خارج از هرگونه صلحت اندیشی های شرعی است تمیز یا سخ نهاده که رابطه ولایت فقیه و قانون اساسی چگونه است ؟ و کدام مقدم بر دیگری است ؟ آیا بحث اولیه و ثانویه که در احکام فقهی جاری می باشد در اصول قانون اساسی نیز صدق می کند ؟ در سمینار ما همه جمعاً تأکید شده که ولایت فقیه می تواند رئیس جمهور را بدون رأی مردم نصب و عزل نماید و مجلس و شورای نگهبان و غیره را منحل اعلام کنند چگونه است ؟ اصولاً وقتی در قانون اساسی حق انحلال به ولایت فقیه داده نشده ولی در سمینار مذکور با لقیه پذیرفته شده است در این صورت حق نسبی مردم در تعیین صلاحیت حکومت چه می شود ؟

ج - بیادنا رسید در مورد تصویب قانون اساسی حکم ما بود که مردم به آن رأی مثبت بدهند بسیاری از آرا مردم نیز بدین خاطر بود که امام خمینی گفتند در قانون اساسی انحرافی از اسلام مشاهده نمی شود . لذا قانون اساسی مشروعیتش را از ولی فقیه دارد . ثانیاً قانون اساسی در واقع اصول مورد توافق و برابری خبرگان آن زمان از مکتب اسلام برای شرایط انقلاب بود . چه بسا در برهه های دیگر رشد انقلاب و انسانها به مرتبه ای برسد که این قانون اساسی کفایت لازم را نداشته باشد .

بقیه از صفحه ۲۰ پاسخ به ...

عرووی نداشت است . ج - درباره شوروی مقالاتی نداشت است منجمه همین شماره گذشته و نیز در مورد انقلاب افغانستان کم و بعضی مطالب گوناگون در نشریه آمده است . راه برخورد با شوروی هم اینست که با مبارزه همه جانبه با آمریکا و اسرائیل ما هیت شوروی را بنیان بدهیم . طبیعی است وقتی آمریکا دشمن اصلی است و حتی شوروی بسیاری جاهای با زجه آمریکا واقع می شود ، ما بیشتر در باره آمریکا بنویسیم . عمارهای کهنه کمونیستها را بنفهمیدم منظور کدام است ؟ اگر منظورتان اینست که جیبی های مرفقی مبارزه با آمریکا را کنار گذاشته اند که این افول آنهاست . اینهم که شوروی را دشمن اصلی بگیریم در بین خود کمونیستها مطرح بوده و در چنین به این خط مشی افتادند و از همین رهگذر سرانجام با آمریکا کنار آمدند .

س - خوانندگلسوزی توصیه میکند آیا بهتر نبود شما که اکثر موضع گیری ها بستان همان موضع گیری رهبر و مردم انقلابی است این عنوان مجاهدین را برمی نداشت و ناچار مردم می شدید ؟ یا این ترتیب بیشتر میتوانست مؤثر شود . چکنده کلام این است که بهترین حزب و گروه و سازمانی است که بتواند مسئولیت مردم را بر عهده بگیرد و با عهده بماند . چون شما بطور قطع خسرو و افراد دلسوزی دارید که میتوانند با حل عدل در این انقلاب کمک های مؤثری به راه راستین انقلاب اسلامی بنمایند .

ج - برابری از دلسوزی و راهنمایی بستان سیاستگزاریم . اما در مورد پیشنهادتان که داخل مردم باشیم . اگر منظورتان در متن مردم و در تماس با آنان بودن است از این نعمت و الحماله محروم نیستیم . مردم ما هم با سیر و تجربیات که نداشتند تا امروزه به عنوان و عمار و اعمال نمی نهند و بیشتر به عمل کرد و صداقت توجه دارند . اما اگر منظورتان کمک به حل مسائل انقلاب و نظام جمهوری اسلامی است ، باید خدمتتان عرض کنم مشکل نظام ما کمبود آدم نیست ، بلکه نقص در برنامه ریزی و ایستولوژی راهنمای عمل است . بسیاری آدم های خوب را می بینیم که بجای اینکه مشکلات انقلاب را حل کنند و ارزشها را انقلاب را در سیستمهای موجود نظام تقویت و احیاء کنند خود نیز تدریجاً از شهوه های انقلابی فاصله میگیرند . بسیاری جوانهای مساعد و انگیزه مند وجود دارد که زمینه ای برای عکوف کردن استعدادهای آنها و آموزشی برای باروری و رشد آنها فراهم نیست ، بنظر می رسد حل مشکلات انقلاب در گرو رسیدن به استقلال مکتبی و پاک سازی افکار غربی و شرقی از آموزشهای رایج است . این مسئله را یکبار در سازمان مجاهدین به تجربه دیدیم و خوب همسین نقص ایستولوژیك را خوردیم و نتوانستیم جسممان را ببندیم و بی توجه به ضعف آموزشی و ایستولوژیك جریانی دیگر راه بنماندیم و ابعاد کاذبی در دلها ایجاد کنیم . از همین جا راهنمان از رجوی جدا شد . از این مسئله بگذریم عنوان و حزب و

# پایخ بر خولاسدگان



س - بنظر من تا سال قبل لازم بود که فقط نام دکتر علی غریب‌نژاد با عدد ولی از موقعی که می‌بینم حتی روزنامه‌ها رسالت می‌نویسد "استاد محمد تقی غریب‌نژاد" معلم شهیدان انقلاب در گذشت " دیگر مرحله قبل را با بد پشت سر گذاشت و به اشاعه اندیشه دکتر پرداخت. برای این مسوورد بهمنها د مدهم شما در نشریه تا زینت در سبج جلسات بحث و بررسی آثار دکتر با حضور اندیشمندان معتمد و مسلمان برگزار کنند اگر این کار نشود احتمال انحراف کسانی مثل من هست. زیرا ما کتابهای دکتر را با علاقه می‌خوانیم و خود ما زیر سر آن بحث می‌کنیم ولی بعلت اینکه هم اطلاعات اسلامیان کم است و هم جوزمائی دکتر را درک نمی‌کنیم ممکنست حتی پیران غشائی فر قانی بکنیم.

مردم استان است و اگر گفته شود مشکلات مردم زمانه شده و به کمیت فنار می‌آورند و او را به ترور فجع عهد دستغیب می‌فرستند؟ باید دید چه نقمائی در کار ما مسلمانهاست که نمی‌توانیم این چنین جوانها را جذب اسلام راستین بکنیم و آنها گرفتار رجوی می‌شوند؟ تا آنجا چطور مجاهدین به چنین وضعی رسیده‌اند؟ تجزیه و تحلیل سرنوشت آنها عبرتها و درسهای فراوانی برای بچه مسلمانها دارد.

ج - امیدواریم اندیشمندان اسلامی به فرما ددل شما توجه کنند. برای زمینها، خودنوشتها ای تحقیقی داریم که در صورت نیاز تقدیم میشود. که البته خودمان آنرا کافی نمیدانیم. سمیناری تکمیل ناده بودیم که همه کتابهای دکتر مطالعه شده بود و بنا بود جمع‌بندی شود ولی ضمن این سمینار یکی از برادران در عملیات جبهه به شهادت رسید و سمینار ناتمام ماند.

عین حال اگر نقدی است و باستانی درست بررسی شود. تا جائیکه میدانم صالح تر و با اطلاع تر از شما برای این مورد کسی نیست لازم است مشروحا مطالبی بنویسم.

س - برای این بهمنها کرده اند در مورد تاریخچه و جمع‌بندی مسائل سازمان مجاهدین و عبرت گیری از کار و تجربه آنان مقالاتی نوشته شود. ایشان می‌نویسند " مجاهدین اولیه موجب افتخارند که از تجربیات آنان با اصلاح اشتباهاتشان تظهور امام زمان میتوان استفاده کرد اما مجاهدین بعدی (رجوی) باید از دوجهت مورد بررسی قرار گیرند: یکی اینکه بررسی شود این چه عقیده‌ای است که گوهر انبیا زینت جوان شمرازی حاضر است با اصرار خود ما موریت انتحاری قبول کند چطور با این استدلال که عهد دستغیب حلال مشکلات

ج - برادر نلسوز، شما خود به هر دو وجه قضیه توجه کرده اید. کمتر کسی اینطور به مسئله نگاه می‌کند. بدین معنی که زمینها و ضعفای درونی خود را ببینیم و به رفع آنها بپردازیم و هم مفرغین را بشناسیم. اگر رجوی هم در ضربه سال ۵۴ سازمانه همین روش تحلیل تنهاند و همراه محکوم کردن جریان انحرافی شهرام ضعفای درونی خود راه می‌دیدیم این سرنوشت امروزه دچار نمی‌شد. نظر ما این بود که حتما در برناغت ما از اسلام نقض وجود داشته که مارکسیسم درون آموزشها و تفکر ما رسوخ کرده است. بدنبال این نگرش بود که به لزوم بازنگری و شناخت مجدد مکتب اسلام رسیدیم، و صرفا به محکوم کردن شهرام بسنده نشد.

رجوی - سنت الاولین و بدعت الاخرین -  
تاریانه تکامل - شیوه‌های اسلامی محمد  
آقا - نماز منتشر شده اند. امیدواریم به  
تذکرگان برای مقالات بیشتر عمل کنیم.

س - يك موقع شخصی مسلمان است و عقیده شخصی خود را نیز می‌گوید و لوسی بدبختی اینجاست که زمانی سخن را به قرآن و خدا نسبت می‌دهد. این کار خطرناکی است چون با دین و دنیا می‌مردم بازی می‌کند. مثلا جمله (شماره قرآن جنگ جنگ تا رفع فتنه از عالم است) را باسد ثابت کرد. آخر يك دلیل درست بیاورند شخصی این را می‌خواند و فکر می‌کند چگونه میتوان فتنه را از عالم برداشت؟ یا بسید شیطان را از زمین برد. ولی شیطان را که خود خدا بوجود آورده. وقتها و گذاشته تا مردم خود را زانها انتخاب کنند چگونه می‌شود این کار را کرد؟ کجای قرآن این را گفته؟ ممکن است بگویند قرآن می‌گوید "و قاتلوهم حتی لا تكون فتنه ولی این دلیل درستی نیست. زیرا نمی‌گوید: "و قاتلوهم حتی لا تكون فتنه فی العالم". همینطور شخص فکر میکند پس لا اکره فی الدین چه می‌شود؟ آفات تکره الناس حتی یكونوا مؤمنین چه می‌شود؟ کسی منکر قسط و عدل برادر و برابری نیست و لوسی آیا دین دوی تلخ است؟

ج - خواننده عزیز، سؤال شما چند قسمت است: دلیل قرآنی رفع فتنه از عالم، شیوه عمل آن - فلسفه وجودی شیطان و تناقض آن با این خط منی - اگر راه جنگ و زور و اسلحه با زور آزادی و انتخاب مردم چه میشود؟

اولا " این شعار می‌گوید انقلاب منصر و محدود در مرزهای جغرافیائی نیست بلکه ما در قبال همه مستضعفین جهان مسئولیم، تا فتنه‌ای وظلمی در جهان هست ما موظف به مبارزه هستیم. عهد مهدی رضایی در بهنادگاه شاه فریاد می‌زد: تا ظلم هست، مبارزه هست. این تکلیف از متن توحید و خدا پرستی در می‌آید. از "اتاک نعبد و اتاک نستعین" در می‌آید، که يك مسلمان زهرا رهج حاکمیت غیر اصولی و غیر الهی نمی‌تواند بیرون دهد. البته در قرآن موارد زیادی هست که مستقیما، مسلمانان را به دفاع از مستضعفین و مبارزه با ظلم و شرک مکلف می‌نماید. مثل آیه سوره مالک لاتیقاً تلون فی سبیل الله و المستضعفین

من الرجال والنساء والولدان... توبیخ می‌کند که چرا در راه خدا مستضعفین نمی‌جنگید. این را محدود به مرزهای جغرافیائی هم نکرده است. قاتلوهم حتی لا تكون فتنه" هم قید و محدودیت نخورده است. اینها طبعاً عمومیت و شمولیت دارند چون لازمه توحید است. البته با حفظ مراحل و برنامہ ریزی - رفع فتنه در عالم یعنی غلبه بر شیطان و نفی شیوه‌های شیطان و این وظیفه اولیه هر مسلمان است. رفع دفع عمل شیطان (فتنه) دیگر جای سؤال ندارد. فلسفه وجودی شیطان هرا بتلا و رشده تدریجی بشر است نه سازش و کنار آمدن با او، و با برسمیت شناختن موجودیت او.

اما نحوه مبارزه با فتنه و کمک به مستضعفین جهان نه بعمق نیست که بزور جماعت همه را مسلمان کنیم. برای رفع فتنه باستانی در انسانها ایجاد شود کرد، بدین شیوه ایجاد کرد. مثلا رفع فتنه در عراق - عربستان نه با این معنی است که مال فکر - کپی کنیم و همه حکومتها را سرنگون کنیم. بلکه ایجاد انگیزه درون این ملتهاست، تا با رشود تحول آنها حکومتها بدان تصحیح شود. مسلم است ضدیت با شیطان و فتنه گرها هدف اصلی نیست. بلکه عشق به خدا و به تبع آن خلق خدا میباشد. لذا اگر ما، الگوهای اصل اسلامی را به یاد کنیم اگر در مبارزه با صهیونیسم و امیرالاسم شیوه بنما دی و اصل داشته باشیم. نزد همه ملل مستضعف جاذبه خواهد داشت.

درابتدای انقلاب ما شاهد تأثیر و نفوذ انقلاب اسلامی در قلوب مردم منطقه بودیم. اگر چه ماهج زوری علیه آنها بکار نبردیم ولی چون خودمان علیه نظام وابسته انقلاب گردیم و شیوه‌های خودکفا و انقلابی داشتیم، برای ملتها الگو شده و جذب انقلاب شدند. نتیجه اینکه: اگر مبارزه با فتنه به شیوه صحیح و از درون به بیرون انجام شود. اگر شیوه‌های فتنه انگیز خودمان راهم در این راستا تصحیح کنیم و رفع کنیم ملتها با جان و دل می‌پذیرند و مشتاق میشوند و تضادی با آزادی و انتخاب مردم ندارد.

## نسخه اشتراک

از کلبه برادران و خواهرانی که علاقه مند به اشتراک نشریه "راه مجاهد" هستند، خواهشمندیم تقاضای کتبی خود را به صندوق پستی ۱۷۱۸۵/۵۴۴ تهران ارسال دارند. بهای اشتراک:

شماره ۱۲	۲۰۰ تومان
شماره ۶	۱۰۰ تومان

لطفاً وجه اشتراک را در شعب بانک صادرات به حساب پس انداز قرض الحسنه شماره ۴۹۸/۶۰۰۲۹ بانک صادرات میدان قیام به نام لطف الله میثمی حواله نموده و فتوکپی آنرا به آدرس بالا ارسال نمایید.

جمهوری اسلامی ایران  
وزارت راه و ترابری  
اداره ترابری و حمل و نقل

آقای لطف میثمی  
بزرگوار و سرکار عالی مطروحات در شب ۱۳۵۸.۵.۲۰  
پروانه انتشار راه مجاهد به روش سایه بیهوشی  
تقریباً بیستگوشی در تهران به نام شهرام  
شماره ۲۵۴۲ در تاریخ ۱۳۶۰.۱۰.۲۷ ثبت گردید  
بنام آقای لطف میثمی به استحضار می‌رساند

کتابخانه  
مجلس شورای اسلامی  
جمهوری اسلامی ایران

## راه مجاهد

در راه مبارزه با رژیم پارتی  
نشریه نهضت مجاهدین خلق ایران  
زیر نظر شورای نویسندگان  
صاحب امتیاز و مدیر مسئول  
میثمی لطف الله میثمی

روش سیاسی ایدئولوژیک - جاب آشناسا  
آدرس: توجه شود که راه مجاهد بعلت کمبود امکانات دفتر نداشته و محل مسکونی زیر آدرس مدیر مسئول نشریه است و مطروحات اجرای قانون مطبوعات و مراجعه وزارت ارشاد اسلامی معرفی میگردد تقاضا میشود قبل از مراجعه از طریق صندوق پستی ۱۷۱۸۵/۵۴۴ و یا تلفن ۳۵۳۵۶۸ تماس بگیرید. خیابان ی - آب منگل - کوچه شهید قاسم گلی - کوچه نصر دیوان - پلاک ۲۶ - طبقه دوم.

با گروههای دیگری که مسلمان هستند و استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی، اینها هم دستها بدهند